

وزارت معارف

زبان و ادبیات دری

صنف دهم



سال چاپ: ۱۳۹۹ هـ . ش

دری صنف دهم



سرود ملی

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هېواد به تل ځلیږي
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مو دی رهبر

دا عزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه یان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زړه وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر





زبان و ادبیات دری

صنف دهم

سال چاپ: ۱۳۹۹ هـ . ش.



مشخصات کتاب

مضمون: دری

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دری نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: دهم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۹ هجری شمسی

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهۀ سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادۀ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هیچ نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت‌پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندۀ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه‌یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادۀ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه‌یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست

درس اول

شاگردان عزیز!

شاعران و نویسنده‌گان از دیر باز سروده‌ها و نوشته‌های خود را با نام پروردگار جهان آغاز کرده و بزرگی و بخشاینده‌گی او را ستوده اند. آنان با این تمهید درهای رحمت و مغفرت الهی را به روی خویش و خواننده‌گان می‌گشایند. بر پایهٔ این شیوهٔ پسندیده، بهترین سرآغاز هر نوشته فصلی است در ستایش خداوند(ج) جان و خرد، در هیچ گنجی گشوده نمی‌شود؛ مگر آن که وصف یگانه‌گی آفریدگار هستی کلید آن باشد. آفریده‌گاری که جهان را آفرید و جهانیان را، بی شک سزاوار ستایش و عبادت است.



ستایش خداوند(ج)

آفرین، جان آفرین پاک را — آن که جان بخشید و ایمان خاک را
عرش را بر آب بنیاد او نهاد — خاکیان را عمر بر باد او نهاد
آسمان را در زبردستی بداشت — خاک را در غایت پستی بداشت
آن یکی را جنبش مادام داد — وین دگر را دایماً آرام داد
آسمان چون خیمه یی برپای کرد — بی ستون کرد و زمینش جای کرد
بحر را بگداخت در تسلیم خویش — کوه را افسرده کرد از بیم خویش
بر را از تشنگی لب‌خشک کرد — سنگ را یاقوت و خون را مشک کرد
گاه گل بر روی آتش دسته کرد — گاه پل بر آب دریا بسته کرد

نیم پشه بـر سـر دشمـن گمـاشـت
در سـر او چـارصد سالـش بـداشت

عنکبـوتـی را بـه حـکـمـت دام داد
صـــدر عـــالــــم را از او آرام داد

بست موری را کـمـر چون موی سر
کـرد او را بـا سلـیمـان هـمکـمـر

سوزنی چون دیـد بـا عیسی بـه هم
بخیـه یی بر رو فـکـندش لا جـرم

تیـغ کـوه از لالـه خـون آلـود کـرد
گـنبـد نـیلـوفـری از دود کـــرد

پاره پـاره خـاک را در خـون گـرفت
تا عقیق و لعـل از او بیـرون گـرفت

در سجودش روز و شب خورشیدو ماه
سوده پیشانـی خـود بـر خـاک راه

هست آن سیمای ایشـان از سجـود
کی بود بی سجده سیمـا را وجـود

طـوطیـی را طــوق از زر ساختـــه
هـدهـدی را پیـک رهبـر سـاختـه

چـون دَمـی در گِـل دمـد آدم کنـد
وزکـف و دودی همـه عـالـم کنـد

یاسمیـن را چـار تـرکـی بـر نهـد
لاله را از خون کُـلَـه بر سر نـهـد

گـه نهـد بـــر فـرق نـرگس تـاج زر
گه کـنـد در تـاجش از شبنم گـهـر

هرچه هست از پشت ماهی تا به ماه
جـمـلـه‌یی ذرات بـر ذاتـش گـــواه

پستـی خــــاک و بـلـنـدی فـلـک
دو گـواهش بس بود هر یک به یک

خــاک را گِل کـرد در چل بـامـداد
بـعـــد از آن جـان را در او آرام داد

جان چـو در تن رفت تن زو زنده شد
عـقـل دادش تـا بـدو بیننـــده شـد

عقـل را چـون دیـد بینایـی گـــرفت
عـلـم دادش تـا شنـاسایـی گـرفـت

چون شناسا شــد به عجز اقرار کـرد
غرق حیرت گشت و تـن در کار کرد

عطار نیشاپوری



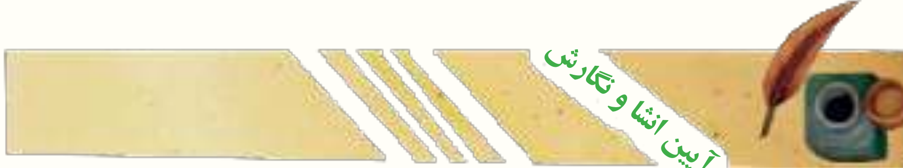
* شیخ فریدالدین محمد عطار در نیشاپور در سال ۵۱۳ هـ . ق. تولد یافت، وی داروفروش بود؛ بنابراین مسأله او را عطار گویند. عطار اشعار عرفانی و تصوفی میسرود؛ اما مدح نگفته است. اشعارش را در حدود صد هزار بیت دانسته اند. معروفترین آثارش دیوان قصاید و غزلیات عرفانی می‌باشد. سایر آثار او مصیبت‌نامه، الهی‌نامه، خسرونامه، پندنامه، اسرارنامه، جواهرنامه... اند.

عطار در نثرنویسی هم ماهر بود، مشهورترین اثر منثور او **تذکرةالاولیا**ست که در شرح احوال عارفان و مکارم اخلاق شان نوشته شده است.

* هدهد مرغی است، که در دربار حضرت سلیمان بود. داستان این مرغ و پیام آوری او از سلیمان به بلقیس ملکهٔ سبا در سورهٔ نمل آمده است.

بیاموزیم

۱. سپاس خدایی را که انسان را از مشت خاک آفرید و ایمان داد.
۲. تمام ذرات از قعر دریا تا به مهتاب به ذات یکتای خداوندﷻ گواه اند.
۳. خداوندﷻ با قدرتی که دارد، از گل آدم را آفرید، از کف و دود تمام عالم را پیدا کرد.
۴. خداوندﷻ پیکر آدمؑ را ساخت، بعداً در آن روح دمید و آن را زنده گردانید.
۵. انسان را خداوندﷻ عقل داد و او را دانا ساخت، و برایش علم داد تا به وسیلهٔ آن خود و پرودگار خود را بشناسد.
۶. وقتیکه انسان خدای خود را شناخت به عجز خود اقرار کرد و به عبادت او مشغول شد.



شاگردان عزیز! در صنوف پایین‌تر در هر درس بخشی جداگانهٔ تحت عنوان قواعد دستوری را فرا گرفتید. در این صنف برای این که از عهدهٔ نگارش یک مطلب به آسانی بدر آیید، بخشی را تحت عنوان آیین انشا و نگارش می‌آموزید.

هر چند بحث نگارش بسیار وسیع و گسترده است، نیاز به وقت و زمان زیاد دارد و هم از این نقطه نظر که برای شما شاگردان عزیز رهنمایی ساده شده باشد، دروس انشا به گونهٔ مختصر ترتیب گردیده است.

هدف از آموزش انشا آن است تا شما بتوانید آنچه را که در ذهن دارید، بنویسید به تعبیر دیگر، همان طوری که می‌توانید سخن بگویید، مطالب را بنویسید.

بحث نگارش بحثی کاملاً جدیدی نیست؛ بلکه شما از صنوف ابتدایی تا حال ده‌ها مقاله در موضوعات گوناگونی نوشته اید. تعدادی از شاگردان با وجودی که در ذهن خود ذخیرهٔ لغات و معلومات زیاد دارند؛ اما جرأت نوشتن یک مطلب را ندارند. برای این که بتوانید بدون دلهره و نگرانی بنویسید، درس‌های انشا را تعقیب نمایید.

آیین یعنی اسلوب، شیوه و روش، انشا به معنای آغازکردن، آفریدن، پدیدآوردن و نگارش به معنای تحریر، نوشتن و شیوهٔ انشا است.

انشا و نگارش عامل اصلی خلاقیت هاست و زیر بنای خلاقیت اعتماد به نفس است. در درس انشا و نگارش، از ساده ترین تجربه‌های تلخ و شیرین تا عمیق ترین اندیشه‌های فلسفی فرصت بیان پیدا می‌نماید. انشا با ارزش‌ترین درس است، که بیان علوم را سهل نموده و از طرف دیگر انسان را متفکر و صاحب اندیشه می‌سازد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد درس خوانده شده در گروه‌ها با هم مباحثه نمایند و نمایندۀ هر گروه نتیجه را پیش روی صنف بیان کند.
۲. چند شاگرد به نوبت مفهوم اساسی درس را به زبان ساده بیان کنند.
۳. چند شاگرد به نوبت روی فواید نگارش در زنده‌گی سخنرانی نمایند.

املا و نگارش



۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر، متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.



۱. شعری را که خواندید از کی و محتوای شعر در بر گیرندۀ چه موضوعی است؟
۲. شیخ فریدالدین عطار کی بود؟
۳. هدف از آموزش انشا و نگارش چیست و نگارش در زنده‌گی انسان چه اهمیت دارد؟
۴. بیت زیر اشاره به کدام قصه است توضیح دهید:

عنکبوتی را به حکمت دام داد　　　صدر عالم را از او آرام داد



۱. بیت زیر را اساس قرار داده، متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد:

هر چه هست از پشت ماهی تا به ماه　　　جمله‌یی ذرات بر ذاتش گواه

۲. بیت‌های زیر را حفظ کنید:

لب من لایق ثنای تو نیست　　　فعل من درخور رضای تونیست
پرده پوش من و پناه منی　　　تو مرا شادکن که شاه منی

خلیل الله خلیلی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس دوم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. شعر این درس از کیست و در مورد کی سروده شده است؟
۲. پیام اصلی درس را به‌طور مختصر بیان کنید.
۳. نظامی کی بود؟

در پایان معرفی همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.



خاتم پیغمبران

شمسهٔ نُه مسند هفت اختران / ختم رسل خاتم پیغمبران
احمد مرسل که خرد خاک اوست / هردو جهان بستهٔ فتراک اوست
تازه ترین سنبل صحرای ناز / خاصه‌ترین گوهر دریای راز
سنبل تو سنبلهٔ روز تاب / گوهر تو لعل گر آفتاب
ای تن تو پاکتر از جان پاک / روح تو پروردهٔ روحی فداک
نقطه گه خانهٔ رحمت تویی / خانه بر نقطهٔ زحمت تویی
ای شب گیسوی تو روز نجات / آتش سودای تو آب حیات
عقل شده شیفتهٔ روی تو / سلسلهٔ شیفته‌گان موی تو
از اثر خاک تو مشکین غبار / پیکر آن بوم شده مشک بار
تاج تو و تخت تو دارد جهان / تخت زمین آمد و تاج آسمان
خاک ذلیلان شده گلشن به تو / چشم غریبان شده روشن به تو

تا قدمت در شب گیسو فشان — بر سر گردون شده دامن کشان
در صدف صبح بدست صفا — غالیهٔ بوی تو ساید صبا
لاجرم آن‌جا که صبا تاخته — لشکر عنبر علم انداخته
بوی کز آن عنبر لرزان دهی — گر بدو عالم دهی ارزان دهی
سدره ز آرایش صدرت زهیست — عرش در ایوان تو کرسی نهیست
روزن جانت چو بود صبح تاب — ذره بود عرش درآن آفتاب
گر نه زصبح آیینه بیرون فتاد — نور تو بر خاك زمین چون فتاد
ای دو جهان زیر زمین از چه ای — گنج نه ای خاك نشین ازچه ای
تا تو بخاك اندری ای گنج پاك — شرط بود گنج سپردن به خاك
گنج ترا فقر تو ویرانه بس — شمع ترا ظل تو پروانه بس
عقل شفاجوی و طبیبش تو ای — ماه سفر ساز و غریبش تو ای
خیز و شب منتظران روز کن — طبع نظامی طرب‌افروز کن

نظامی گنجه‌یی



* حکیم جمال‌الدین بن یوسف نظامی گنجه‌یی یکی از نام‌آوران ادبیات و شعر زبان دری در قرن ششم هجری قمری است. زادگاه وی شهر گنجه یکی از شهرهای آباد آن دوره بود که در کشور آذربایجان موقعیت دارد.

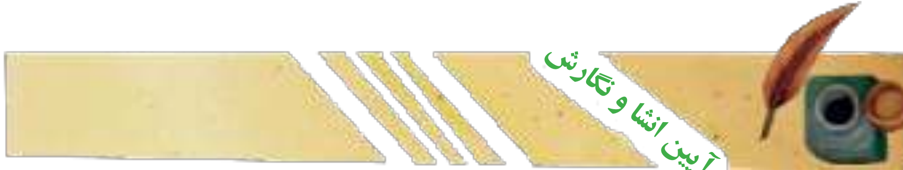
نظامی از آغاز جوانی به آموزش و تحصیل علوم مختلف پرداخت و در تمام رشته‌های علوم متداول؛ مانند: علوم طبیعی، طب و نجوم مهارت یافت، همچنین در علوم ادب و شعر مقام بزرگی به‌دست آورد. گذشته از این نظامی هنر معماری، موسیقی و رسامی را فرا گرفت و با زبان‌های عربی و پهلوی نیز آشنا شد.

بزرگترین اثر نظامی خمسه بوده که در قالب مثنوی سروده شده و حاوی بیست و هشت هزار بیت می‌باشد. خمسه شامل پنج کتاب است: مخزن الاسرار، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت پیکر یا بهرام نامه و اسکندر نامه.

نظامی در شیوهٔ داستان‌سرایی استاد و پیشرو دیگران بود. وی در ضمن داستان‌پردازی از مطالب اخلاقی و حکمی، پند و اندرز غفلت نکرده و همواره در اشعارش انسان را به آزاده‌گی و بریدن از طمع و آز دعوت کرده و به آموختن دانش فرا می‌خواند.

بیاموزیم

۱. اشعاری که در وصف حضرت محمد ﷺ سروده شده است؛ نعت نامیده می‌شود.
۲. حضرت محمد ﷺ آفتاب نُه فلک و آخرین پیامبران است.
۳. سرور و سردار مسلمانان حضرت محمد ﷺ است.
۴. حقا که سرور مؤمنان رسول اکرم برگزیدهٔ خداست، که معراج را خداوند ﷻ بروی ارزانی داشت.



۱- نگارش و علوم انسانی: در نگارش، آشنایی با علوم صرف، نحو، فصاحت و بلاغت بسیار مهم پنداشته می‌شود. از آنجا که لفظ وسیلهٔ بیان معنا است و برای ارائهٔ یک معنا شاید از چند جمله یا چند کلمهٔ مترادف که یکی دو تای آن مناسب باشد انتخاب گردد؛ بنابراین لازم است که نویسنده به صورت کافی ذخیرهٔ لغات داشته باشد تا در بیان موضوعات گوناگون توانایی خود را به کار اندازد.

نقش کلمه‌ها در نگارش بسیار مهم است؛ زیرا سر و کار ما در نگارش با کلمه‌ها می‌باشد. پس ما باید صرف و نحو را بدانیم، با قواعد آن آشنا باشیم، تا در نوشتن یک مطلب به مشکل دچار نشویم و از عهدهٔ نگارش یک موضوع برآییم.

نکتهٔ مهم در نگارش انتخاب کلمه‌ها می‌باشد. در انتخاب کلمه بیشتر به علم صرف توجه صورت می‌گیرد. شخصی که می‌نویسد، بعضی اوقات تأکید بیشتر روی کلمه‌ها می‌کند. کلمه‌های متعدد را انتخاب نموده با پیوند آن‌ها جمله‌های مناسب ترتیب می‌نماید. بعضی هم بیشتر به نحو توجه داشته جمله‌های ساده و مرکب متعدد را می‌سازند. برعلاوهٔ این موضوعات باید توجه روی ترتیب کلمه‌ها و ترکیب واژه‌ها صورت گیرد، این موضوع هم به‌دستور زبان (صرف و نحو) ارتباط دارد. هرگاه کلمات به طور درست و منطقی آن ترتیب گردد، پیام ما را خواننده بهتر درک می‌کند. بعضی اشخاص در نگارش عادت دارند که با ترکیب کلمه‌های متعدد جمله‌ها را مبهم و پیچیده می‌سازند، که این کار خواننده را به مشکل مواجه ساخته و حتا باعث می‌شود، که خواننده را از خواندن منصرف سازد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد شخصیت حضرت محمد ﷺ در گروه‌ها با هم مباحثه نمایند و نمایندهٔ هر گروه نتیجه را پیش روی صنف بیان نماید.

۲. چند شاگرد به نوبت در بارهٔ ارتباط علوم انسانی با نگارش سخنرانی نمایند.

۳. یک شاگرد خلاصهٔ نعت خوانده شده را به زبان ساده بیان نماید.

۴. بیت زیر را اساس قرار داده در رابطه بحث گروهی کنید.

تاج تـو و تـخت تو دارد جهـان　　　　تخت، زمیـن آمد و تاج آسمان



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود، املا بنویسید.

۲. در مورد این تصویر متنی بنویسید، که از هفت سطر کم نباشد.



۱. شعری که در صفات پیامبر ﷺ سروده می‌شود، به چه نامی یاد می‌گردد؟

۲. نظامی گنجه‌یی عطار کی بود؟ آثار او را نام بگیرید.

۳. دانستن کدام علوم در نگارش ضروری پنداشته می‌شود؟

۴. برای اینکه در نگارش مطلبی به مشکل مواجه نشویم، کدام نکات را باید در نظر بگیریم؟

۵. بیت زیر را تشریح و توضیح نمایید:

عقل شفا جوی و طبیبش تویی　　　　مـاه سفر سـاز و غریبش تویی



۱. در مورد اخلاق نیکوی حضرت پیامبر اسلام ﷺ چند سطر بنویسید.

۲. بیت زیر را به حافظه بسپارید:

ای پـــادشه مسنــد اقـلیم تجلا　　　　قصر تو فلک تکیه گهت عرش معلا

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده، آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. چرا ضرور است، که افراد عادت به مطالعه و تحقیق داشته باشند؟
۲. در کشورهای پیشرفته، مردم چگونه عادت به مطالعه دارند؟
۳. کدام طریقه‌های آموزش وجود دارد؟
٤. برای بهره‌گیری از مطالعه نخست باید چه را فرا گیریم؟
٥. مطالعه چند نوع است و مطالعهٔ جدی کدام مطالعه را گویند؟

در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

فرهنگ مطالعه



آموزش از دو طریق صورت می‌گیرد، یکی به شیوهٔ رسمی در مکاتب و سایر مؤسسات تحصیلی و دوم به شیوهٔ غیر رسمی، که شاگردان و سایر اشخاص در خانه و اجتماع از طریق فعالیت‌های روزمره، ارتباطات اجتماعی، تجارب عملی و مطالعه می‌آموزند. اشخاصی که بیشتر مطالعه می‌کنند، سطح آگاهی‌شان بلند رفته، مشکل‌های خود و خانوادهٔ خود را مرفوع می‌سازند و در اجتماع مفید واقع می‌گردند.

عادت به مطالعه مصروفیت سالم است، که همیشه برای شخص فعالیت متنوع ایجاد نموده، از مصروفیت‌های نا سالم و بیکاری جلوگیری می‌کند و مطالعه باعث انکشاف، رفاه و سعادت اجتماعی می‌گردد؛ همچنان برای دنبال کردن وقایع و حصول آگاهی از جریانات اجتماعی، اقتصادی، علمی و هنری در جهان لازم و ضروری است،که فرهنگ مطالعه در جامعه انکشاف داده شود. انکشاف فرهنگ مطالعه، یکی از نیازهای اجتماعی و انکشاف فرهنگی دانسته می‌شود. شاگردان باید توسط معلمان در مکتب‌ها و والدین‌شان در خانه و از طریق فعالیت‌های مراکز فرهنگی به مطالعه و مراجعه به منابع اطلاعاتی، علمی و آموزشی تشویق شوند. عادت

به مطالعه باید تقویت گردد تا شاگردان، خود بتوانند، به انکشاف دانش و معلومات شان بپردازند و به آسانی از منابع مختلف استفاده نموده تحقیق نمایند.

در زنده‌گی امروز، به خصوص در جوامع پیشرفته افراد، صبح وقتی از خواب بر می‌خیزند، به مطالعه می‌پردازند با خواندن روزنامه و جراید، روز را آغاز می‌کنند و در ساعات بیکاری و تفریح در پارک‌ها نیز اخبار یا مجله و یا کتاب همراه می‌داشته باشند. شب وقتی به بستر می‌روند با مطالعه خواب می‌کنند.

مطالعه باعث رشد شخصیت افراد گردیده به آن‌ها توان تحلیل و تعبیر از پدیده‌ها ورویدادها را داده خلاقیت و توانایی افراد را در اجتماع انکشاف می‌دهد.

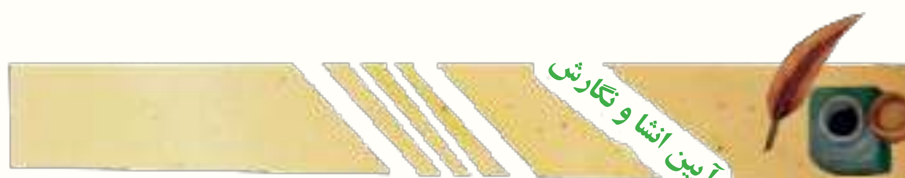
برای اینکه بتوانیم به مطالعه خود را عادت دهیم باید نخست فن مطالعه را فراگیریم.

فن مطالعه

بهره‌گیری شایسته از مطالعه زمانی میسر می‌گردد، که فن آن را فرا گیریم و به کار بندیم. مطالعه بر دو گونه است: یکی جدی و ناظر به مقصود هدفمند معین و معلوم و دیگر تفریحی و برای سرگرمی . وقتی کتاب درسی خود را می‌خوانید مطالعۀ شما جدی است و زمانی‌که قصه یا روزنامه‌یی را می‌خوانید مطالعۀ شما تفریحی است. این حکم عام است، هرچند گاهی خلاف این روی می‌دهد؛ چه بسا قصه‌یی را به قصد نقد آن بخوانید یا مطالب مورد علاقۀ خود را از روزنامه نقل کنید یا کتاب درسی را به تفنن ورق بزنید، مقصد اصلی ما مطالعۀ جدی است، برای آموختن، استخراج مواد و معانی، نقد و بررسی و نقل شواهد. در مطالعۀ جدی، نباید تنها به حافظۀ خود متکی باشیم. حین مطالعه، کتابچۀ یادداشت داشته باشیم تا در آن نکات مهم و دلچسپ، سخنان نغز، تعبیرات و واژه‌گان را بنویسیم. در جریان مطالعه، بسیاری اوقات به کتاب‌های مرجع؛ مانند: واژه نامه، فرهنگ‌ها و دایرة المعارف نیاز پیدا می‌کنیم. بهتر است این نوع کتاب‌ها را در دسترس داشته باشیم، تا بتوانیم معنای کلمه‌ها و اصطلاحاتی را که نمی‌دانیم دریابیم و حتا تلفظ دقیق کلمه‌ها را بدانیم. ضمن مطالعه، اندیشه‌هایی به ما الهام می‌شود، یا با تداعی، معانی تازه‌یی در ذهن ما می‌آید، یا در تأیید یا رد قول نویسنده نکته‌هایی می‌یابیم، باید فکر و احساس خود را در آن یادداشت کنیم. با این کار می‌توان بهترین بهره را برد و بیشترین ذخیره را گرد آورد. روزانه در پهلوی دیگر کارها باید چند ساعتی را به مطالعه اختصاص دهیم. اگر تمام کارهای روزمرۀ خود را طبق تقسیم اوقات تنظیم کنیم بدون خسته‌گی به همه کارهای خود می‌رسیم و هم، سطح دانش خود را بلند می‌بریم؛ زیرا جامعۀ ما به افراد تحصیل کرده و آگاه نیاز دارد.

بیاموزیم

۱. اشخاصی که بیشتر مطالعه می‌کنند، سطح دانش شان بلند رفته و مشکلات خود و خانوادۀ خود را مرفوع ساخته، در اجتماع مفید واقع می‌گردند.
۲. مطالعه برای دنبال کردن وقایع و آگاه شدن از جریانات اجتماعی، اقتصادی، علمی و هنری در جهان لازم و ضروری است.
۳. مطالعه باعث رشد شخصیت افراد گردیده به آن‌ها توان تحلیل و تعبیر از پدیده‌ها و رویدادها را داده خلاقیت و توانایی افراد را در اجتماع انکشاف می‌دهد.
۴. ما باید فرهنگ مطالعه را در جامعه انکشاف دهیم؛ زیرا جامعۀ ما به افراد تحصیل کرده و آگاه نیاز دارد.



۲. معلومات عمومی در نگارش

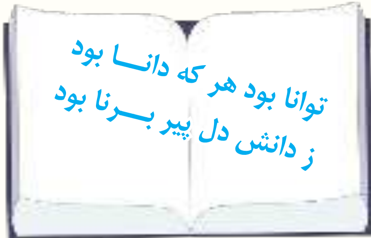
برای یک نویسنده حتمی است که در موارد مختلف مطالعات دقیق داشته باشد؛ یعنی آگاهی از اوضاع محیطی، اجتماعی و جهانی داشته، نوشته‌ها وآثار روز را همیشه بخواند و قضاوت همه جانبه نموده، جریان‌های مثبت زنده‌گی و ایجابات عصر را درک کند. برای اینکه یک نویسندۀ خوب باشیم، همواره با مطالعۀ آثار عالی، پر محتوا و مفید، که نیاز زمان باشد، بپردازیم و بدین صورت معلومات گستردۀ حیاتی به‌دست آوریم و در پرتو این گونه دست آوردهای عمومی به ایجاد آثار سودمند، پرارزش و مورد نیاز مردم موفق گردیم. در این راستا سعی و تلاش خسته‌گی‌ناپذیر و مطالعۀ دقیق و منظم ما را بیشتر کمک می‌نماید.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان دو دو نفر در بارۀ مطالعه و فواید آن صحبت نمایند.
۲. چند شاگرد به نوبت در مورد این که آیا عادت به مطالعه دارند و در ۲۴ ساعت چه مدتی را مطالعه می‌کنند و چه کتاب‌هایی را می‌خوانند سخنرانی کنند.
۳. شاگردان در مورد این که چگونه فرهنگ مطالعه را در جامعه گسترش بدهند، تبادل نظر کنند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر، متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.





۱. آموزش از کدام طریقه‌ها صورت می‌گیرد؟
۲. چرا مطالعه برای هر فرد لازم و ضروری شمرده می‌شود؟
۳. چه کسانی در تشویق شاگردان به مطالعه، نقش مهم را ایفا می‌نمایند؟
۴. فن مطالعه چیست؟
۵. مطالعه چند نوع است؟
۶. مطالعه جدی در آموزش چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟
۷. داشتن معلومات عمومی در نگارش چرا مهم پنداشته می‌شود؟
۸. چگونه می‌توانید خود را به مطالعه عادت دهید؟



۱. در مورد اهمیت مطالعه در زنده‌گی مقاله‌یی بنویسید؛ همچنان کوتاه‌ترین راه را برای مطالعهٔ دقیق در آن پیشنهاد کنید.
۲. بیت‌های زیر را حفظ نمایید:

چندگویی که بد اندیش و حسود   عیب گـویان من مسکین اند
گه به خـــون ریختنم برخیزند   گه بـــه بد خواستنم بنشینند
نیک بـــاشی و بدت گوید خلق   به که بد باشی و نیکت بینند

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس چهارم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. بدیع در لغت و اصطلاح به معنای چیست؟

۲. نخستین کسی که در کلام عرب متوجه زیبایی‌های لفظی و معنوی آن شد چه نام داشت و در کدام سال کتاب البدیع را نوشت؟

۳. صنایع لفظی و معنوی کدام صنعتها را در بر می‌گیرد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

علم بدیع

بدیع در لغت به معنای نوآورده شده، تازه، زیبا و آراسته است و در اصطلاح عبارت از آرایش سخن فصیح و بلیغ، خواه نظم باشد یا نثر.



مرادف آن را سخن آرایی، نادره گویی و نغز گفتاری می‌توان گفت.

نخستین کسی که به زیبایی‌های لفظی و معنوی در کلام عرب توجه کرد، عبدالله بن المعتز بود، که درسال ۲۷۴هـ . ق. کتاب البدیع را نوشت؛ همچنان در زبان دری نیز در بخش علوم بلاغی به ویژه علم بدیع توجه صورت گرفت، که در این زمینه کتاب‌های«ترجمان البلاغه» محمد بن عمر رادویانی، «حدائق السحرفی دقائق الشعر» رشیدالدین محمد وطواط و «المعجم فی المعاییراشعارالعجم» نوشتهٔ شمس قیس رازی بسیار شهرت دارند. باید بدانیم که علم بدیع یکی از علوم ادبی است، که از صنایع کلام و زیبایی‌های لفظی و معنوی بحث می‌کند.

اموری را که موجب زیبایی و آرایش سخن ادبی می‌گردد، محسنات و صنایع بدیعی می‌گویند و آن را به دو قسم لفظی و معنوی تقسیم می‌کنند:

الف) صنایع لفظی: آن است که زینت و زیبایی سخن وابسته به الفاظ باشد، چنان‌که اگر الفاظ را با حفظ معنا تغییر بدهیم، زیبایی آن زایل گردد؛ مانند صنعت سجع در جملهٔ«هنر، چشمهٔ زاینده است و دولت پاینده» اگر کلمه پاینده را به جاویدان تبدیل کنیم همان معنا را میرساند؛ اما زیبایی نثر مسجع را زایل می‌کند.

۱. سجـع: سجع در لغت آواز فاخته وکبوتر را می‌گویند و در اصطلاح علم بدیع آوردن دو کلمهٔ هماهنگ است در پایان فقره‌ها، که با هم متوافق باشند. سجع بر سه قسم است:

سجع متوازی: از نظر وزن و حرف آخر (روی) یک‌سان باشند. این گونه سجع را سجع متوازی می‌گویند؛ به‌طورمثال:

«منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت»

«هرکس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال»

سعدی–گلستان

سجع مُطرَّف: آن نوعی از سجع است که در الفاظ آن حرف‌های روی متفق است؛ ولی وزن مختلف؛ مانند: خال و خیال. در این شعر سلمان ساوجی:

ما به خدا تا خیال خال تو داریم   حال پریشان‌تر از خیال تو داریم

سجع متوازن: آن است که کلمه‌ها در وزن یکی باشند نه در حرف آخر؛ مانند:

«بحری است مواج و شخصی است نقـــاد» که بحری و شخصی و مواج و نقـــاد تنها در وزن باهم یکی اند، نه در حرف‌های روی.

۲. جنـاس یا تجنیس: آن است که درآن دوکلمه از نظر شکل نگارش و حرکت یک سان بوده؛ ولی از دیدگاه معنا تفاوت داشته باشند:

کار پاکان را قیاس از خود مگیر   گرچه باشد در نوشتن شیر شیر

که یکی (شیر که از گاو و دیگر حیوانات به‌دست می‌آید) ودیگری(شیر پادشاه جنگل می‌باشد) که جناس تام است.

جناس ناقص: آن است که کلمه‌های همجنس در حرکت مختلف باشند؛ مانند:

مُلک هم بر مَلک قرار گرفت   روزگار آخر اعتبار گرفت

جناس زاید: آن است که یکی از متجانسین را حرفی زیاده باشد، در اول یا در وسط یا درآخر، مانند:

از حسرت رخسار تو ای زیباروی   از ناله چو نال گشتم و از مویه چو موی

جناس خطی: دو کلمه در صورت یکی؛ ولی فرق آن‌ها در نقطه است؛ مانند بیمار و تیمار

ب) صنایع معنوی: آن است که زیبایی سخن مربوط به معنا باشد نه به لفظ، چنان‌که اگر الفاظ را با حفظ معنا تغییر دهیم باز هم آن زیبایی باقی بماند.

تناسـب: آوردن دو یا چند کلمه است، که باهم مناسبت داشته باشند.

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو   یادم ازکشتهٔ خویش آمد و هنگام درو

(حافظ)

در این بیت کلمه‌های مزرع/ سبز/داس/کشته / درو و کلمه‌های سبز/مزرع/مه نو باهم تناسب دارند.

تضـاد: آوردن کلمه‌هایی است که باهم ضدیت داشته باشند؛ مانند:

پیر از و گردد جوان، غمخوار از و یابد طرب   زو قوی گردد ضعیف و زو غنی گردد فقیر

(رودکی)

ایهـام: آن است که شاعر یک کلمه را که دارای دو معناست به کار بگیرد؛ در حالی‌که دیگران به معنای نزدیک کلمه التفات می‌کنند؛ منظور شاعرمعنای دور کلمه باشد؛ مانند:

به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو   ترا که گفت که این زال ترک دستان کرد

(سعدی)

در این جا ایهام درکلمه‌های (زال) که نام پدر رستم است و معنای پیر زن را نیز می‌دهد و (دستان) نیز از یک سو لقب زال پدر رستم است و از سوی دیگر به معنای حیله و نیرنگ نیز آمده، منظور شاعر این است که پیر فلک دست ازحیله و نیرنگ بر نگرفته است.

ارسال المثـل: شاعر در شعر خود از ضرب‌المثل استفاده می‌کند:

کارم از اشک و آه پیش نرفت   که زمین سخت و آسمان دور است

یا:

ندارم اختیـار گـریه امشـب   بـه در می‌گویـم ای دیـوار بشنـــو!

صنعت تلمیح: که شاعر درآن به داستان‌ها و روایات قدیمی اشاره می‌کند:

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور   کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور

(حافظ)

غیر از این‌ها دیگر صنایع لفظی و معنوی نیز وجود دارد، که در این جا آن‌ها را یاد نکردیم؛ ولی راه طلب برای شاگردان علاقه‌مند باز است.



* رشیدالدین وطواط از شاعران و دانشمندان معروف قرن ششم در بلخ متولد شد. وی تحصیلاتش را در مدرسهٔ نظامیهٔ آن‌جا به پایان رسانید و در زبان دری و عربی مهارت یافت. پس از آن به خوارزم رفت و در خدمت خوارزمشاهیان درآمد و صاحب دیوان رسایل دربار گردید. بر علاوه اثری که در متن از آن تذکر به عمل آمد اثری منثور دارد (سخنان حضرت علی رضی‌الله‌عنه را به دری) درآورده است، منظومه‌یی در عروض فارسی و همچنین چند رساله به زبان عربی در مسایل ادبی دارد.

* شمس قیس رازی از دانشمندان قرن هفتم هجری اهل ری بود؛ ولی مدت درازی در خراسان، ماوراءالنهر و خوارزم اقامت کرد.

بیاموزیم

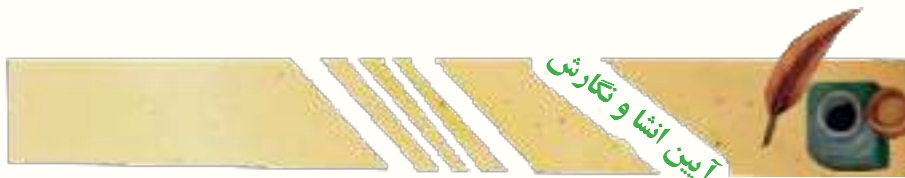
۱. علم بدیع یکی ازعلوم ادبی است که از صنایع کلام و زیبایی‌های لفظی و معنوی بحث می‌کند.

۲. نخستین کسی که به زیبایی‌های لفظی و معنوی درکلام عرب توجه کرد، عبدالله بن المعتزبود،که درسال ۲۷۴هـ . ق. کتاب «البدیع» را نوشت.

۳. صنایع لفظی آن است که زینت و زیبایی سخن وابسته به الفاظ باشد؛ چنان‌که اگر الفاظ را با حفظ معنا تغییر بدهیم زیبایی آن زایل گردد؛ مانند: صنعت سجع،جناس و....

۴. صنایع معنوی آن است که زیبایی سخن مربوط به معنا باشد نه به لفظ؛ چنان‌که اگر الفاظ را با حفظ معنا تغییر دهیم باز هم آن زیبایی باقی بماند،مانند: صنعت ایهام، تناسب، تلمیح، ارسال‌المثل و...





۳.استعداد و ممارست در نگارش

انسان دارای طبع عالی، تعقل، صاحب مخیله و قریحهٔ سرشار و قوی در زمینه‌های گوناگون می‌باشد؛ البته این نیرو و صفت‌ها برای کسب مهارت در نگارش نیکوترین مددگار یک نویسنده است.

انسان‌ها همه دارای استعداد اند و این استعداد فطری (ذاتی) و کسبی می‌باشد. بعضی انسان‌ها در زمینه‌های مختلف دارای استعداد فطری اند، بعضی از محیط و اجتماع خود کسب می‌نمایند. دانشمندان بدین نظر استند که هر دو استعداد به تمرین و ممارست ضرورت دارد. اگر همان استعداد فطری هم به کار انداخته نشود، رشد نکرده و از بین می‌رود؛ زیرا نگارش فنی است عملی و بدون مداومت و ممارست به جایی نخواهد رسید؛ پس برای رشد استعداد در نگارش نیازمند تمرین، ممارست و تلاش متداوم استیم.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد صنایع معنوی و لفظی در گروه‌ها با هم مباحثه نمایند و نمایندهٔ هر گروه نتیجه را پیش روی صنف بیان نماید.
۲. چند شاگرد به نوبت روی فواید تمرین و ممارست در نگارش سخنرانی نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.





۱. علم بدیع را تعریف نمایید.
۲. نخستین کسی که متوجه زیبایی‌های لفظی و معنوی در کلام عرب شد چه نام داشت و در کدام سال کتاب البدیع را نوشت؟
۳. کی‌ها در زبان دری به علوم بلاغی و از جمله علم بدیع توجه کردند وکدام کتاب‌ها را نوشتند؟
۴. استعداد و ممارست در نگارش چه نقشی دارد؟
۵. صنایع لفظی و معنوی قطعه‌های نثر و شعرهای پایین را نشان بدهید و درکتابچه‌های خود بنویسید:

«توانگری به هنراست نه به مال و بزرگی به خرد است نه به سال.»

این رقص موج خون نگر، صحرا پر از مجنون نگر
وین عشرت بی چون نـــگر، ایمن زشمشیر اجــل
مولانا جلال الدین محمد بلخی

قـصهٔ لـیلی مـخـــوان و غـصهٔ مـجــــنـون
عـهــد تـو مـنسـوخ کـــــرد ذ کـــــر اوایــل
سعدی



۱. شاگردان نظر به توان خود چند صنعت بدیعی خارج از درس را در کتابچه‌های‌شان بنویسند و روز آینده معرفی نمایند.
۲. بیت زیر را به حافظه بسپارند:

مغرور مشو به مـــال چون بیخبران زیرا که بود مـــال چو ابر گذران
ابـر گذران اگر چـــه گوهـر بـــارد خـا طر ننهد مـرد خردمنـد بر آن

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. دقیقی بلخی کی بود؟
۲. دقیقی در کدام عصر می‌زیست؟
۳. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
٤. او چه کارهایی را انجام داد؟
٥. آثار او را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

دقیقی بلخی



ابو منصور محمد بن احمد دقیقی بلخی از بزرگترین شاعران قرن چهارم هجری به شمار می‌رود، تاریخ تولدش دقیق معلوم نیست. او در عصر فرمانروایی خانوادۀ بلخی الاصل سامانیان می‌زیست.

دورۀ سامانی یکی از دوره‌های تابناک و درخشان فرهنگ سرزمین ما به شمار می‌رود. در این عصر شاعران بزرگ، نویسنده‌گان چیره‌دست، فلاسفۀ نامدار، طبیبان، ستاره شناسان و ریاضی دانان مشهور زنده‌گی می‌کردند. دورۀ سامانیان عصر خلق شهکارها و احیای فرهنگ ملی ماست و با ارزشترین اثری که در این دوره نگاشته شده است؛ شهنامۀ دقیقی بلخی می‌باشد، بخشی از آن به گشتاسپ نامه معروف است،که در مورد جنگ گشتاسپ و ارجاسپ و ظهور زردشت سروده شده است.

دقیقی اولین سرایندۀ شهنامه می‌باشد، که هزار بیت آن را به نظم در آورد. وی نتوانست کارش را به پایان برساند؛ زیرا توسط غلامش در سال ۳٦٥ هجری کشته شد و کار ناتمامش را فردوسی به پایۀ اکمال رسانید.

از دقیقی جز گشتاسپ نامه قصاید معدود و غزل‌ها و ابیات پراکنده در تذکره‌ها و

کتاب‌های تاریخی باقی مانده است. این شاعر، بی تردید یکی از بزرگترین گوینده‌گان قرن چهارم است. ورود او در انواع مختلف شعر و قدرتی که در همهٔ آن‌ها نشان داده دلیل بارزیست بر فصاحت کلام و روانی طبع و قوت بیان او، تغزلات بدیع، غزل‌های لطیف، مدایح عالی و اوصاف رایع دقیقی با معانی باریک و مضامین تازه و دل انگیزی که در همهٔ آن‌ها به کار برده به شعر او رونق و جلای خاص می‌بخشد. وی خصوصاً قصاید مدحی را کمال بخشیده و در شعر حماسی نیز راهبر فردوسی شده است.

دقیقی در سرودن شعرحماسی بهترین وزن را برگزید و این کار او سر مشقی شد برای تمام حماسه سرایان سرزمین ما. از زمان او تا روزگار ما هر منظومهٔ حماسی که در زبان دری پدید آمده از حماسه‌های ملی تا حماسه‌های دینی و تاریخی همه به همین وزن سروده شده اند.

نمونهٔ سخن(۱)

بـــر افگنـــدی صنـــم ابـــر بهشتـی	زمـین را خـــلعت اردیبـــهشتـی
زمین بـــر ســـان خـــون آلـــوده دیبا	هوا بـــر ســان نیل انـدوده مشتـی
بـــه طعم نـــوش گشتـــه چشمهٔ آب	بـه رنگ دیـدهٔ آهـــوی دشتـی
بهشت عـــدن را مـــانـــد همی بـــاغ	درخت، آراستـــه حـــور بهشتـــی
چنان گردد جهان هزمان کـــه در دشت	پلنگ آهـو نگیـرد جز بـه کشتـی
بتی بـایـــد کـنـــون خورشیـــد چهره	مهی گـــر دارد از خـورشید پشتـی
بتی رخســـار او همرنگ یـــاقـــوت	میی بـــر گـونـهٔ جـــامـهٔ کنشتـی
جهـــان طاووس گـــونه گشت گویی	بـــه‌جـــای نرمی و جـای درشتـی
بدان مـــاند که گـــویی از می‌و مشک	مثـــال دوستِ بـــرصحـــرا نبشتـی
ز گل بـــوی گلاب آیـد بـــدان ســان	کـه پنداری گل انـدر گل سرشتـی

نمونهٔ سخن(۲)

بـــدو چیز گیـرنـد مرمملکت را	یکـی پـــرنـیـانی یکی زعفرانـی
یـــکی زر نـــام ملك بـــر نبشته	دگـــر آهـــن آب دادهٔ یمـانـــی
کـرا بـــویـــه وصلت ملك خیـزد	یکی جنبشی بـایـدش آسمـــانـی
زبـــانی سخنگوی و دستی گشاده	دلی همش کینـــه همش مهربـــانی
که ملکت شکاریست کاو را نگیرد	عقاب پـرنـــده نـــه شیـر ژیـانـی
دوچیزست کاو را به بند انـدر آرد	یکـی تیـغ هنـــدی دگـر زرکـانی
بـــه شمشیر بـــاید گرفتن مر او را	بـدینـار بستنش پـــای ار تـــوانی
کـرا بخت و شمشیر و دینار باشد	نبـایـــد تـن تیـر و پشـت کیـانی
خرد باید آن‌جا و جـود و شجاعت	فـلـک مملکت کی دهـد رایگانی



* گشتاسپ: پسر لهراسپ(شاه آریایی از خاندان اسپه)که از پدر تاج و تخت خواست پدر وی موافقت نکرد به روم رفت و با کتایون دختر قیصر روم ازدواج کرد. وی دو پسر داشت به نام‌های اسفندیار و پشوتن.

* ارجاسب: شاه توران (مناطق اوزبکستان، ترکمنستان، قرغزستان، قزاقستان امروز را در بر می‌گرفت.)

* سامانیان: منسوب به سامان خدا، خاندان خراسانی، در خراسان و ماوراء النهرحکومت می‌کردند و بخشی از ایران امروزی را نیز تحت تصرف داشتند.

سامانیان در اصل از بلخ بودند. جد این خاندان در روستای «سامان» بلخ حکمروایی داشت و به سامان خدای معروف بود. مؤرخان ظهور سامانیان را در نیمهٔ دوم قرن سوم هجری تعیین می‌کنند، این خانواده از ۲۶۱–۳۸۹ هـ ق. سر اقتدار بودند. عصر سامانیان یکی از دوره‌های پربار سرزمین ما به شمار می‌رود، که در این زمان شاعران چیره دست و دانشمندان مشهور می‌زیستند.

بیاموزیم

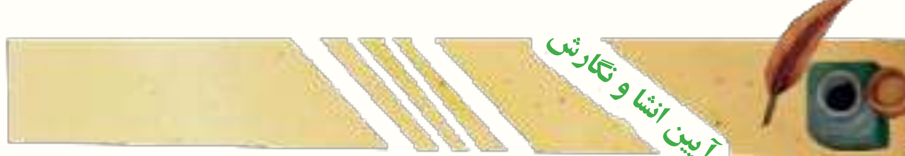
۱. ابو منصور محمد بن احمد دقیقی بلخی از بزرگترین شاعران قرن چهارم هجری به شمار می‌رود، که درعصر سامانیان می‌زیست.

۲. دورهٔ سامانی یکی از دوره‌های تابناک و درخشان فرهنگ سرزمین ما به شمار می‌رود.

۳. دقیقی، اولین سرایندهٔ شهنامه می‌باشد که هزار بیت آن را به نظم در آورد.

۴. دقیقی نتوانست کارش را به پایان برساند، توسط غلامش در سال ۳۶۵ هجری کشته شد.

۵. از دقیقی جزء گشتاسپ‌نامه، قصاید معدود و غزل‌ها و بیت‌های پراکنده در تذکره‌ها و کتاب‌های تاریخی باقی مانده است.



٤. زمان و مکان در نگارش

از جملهٔ مقتضیات و شرایط نگارش یکی هم موقع و محل مناسب است؛ زیرا بدون آن نویسنده موفق به ایجاد یک اثر عالی نخواهد شد؛ تمرکز ذهن و بیان پیراسته میسر نمی‌گردد. بهترین وقت برای نگارش بعد از استراحت است؛ چون که در آن وقت ذهن با نشاط و طبع آمادهٔ کار می‌باشد؛ همچنین محل مناسب با شرایط درست آراسته بوده از اسباب تشویش چون اصوات گوش خراش و حرکات اذیت کننده بر کنار و فارغ باشد.

توجه به‌دستور زبان یعنی صرف و نحو، رعایت نشانه‌گذاری و سایر موضوعاتی که در

نگارش مهم است، ما را کمک می کند، تا نوشتهٔ ما عاری از نواقص باشد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و در مورد به شخصیت و کارنامه‌های دقیقی بلخی یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.
۲. شاگردان یک یک نفر درمورد اینکه چگونه راه بزرگان و شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشور را تعقیب نماییم سخنرانی کنند.
۳. چند شاگرد در مورد نقش زمان و مکان در نگارش سخنرانی نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم به خوانش می گیرد شاگردان املا بنویسند.
۲. در بارهٔ تصویر زیردر کتابچه‌های تان یک متن ادبی بنویسید.





۱. اولین کسی که به سرودن شهنامه آغاز کرد کی بود؟
۲. دقیقی بلخی کی بود و درکدام عصر می‌زیست؟
۳. دورهٔ سامانیان را چگونه ارزیابی می کنید؟
۴. بیت‌های زیرین را معنا نموده، صنایع بدیعی آن‌را نشان دهید:

زمین بـر سان خـون آلوده دیبا　　　هوا بر سان نیل اندوده مشتی
به طعم نوش گشته چشمـهٔ آب　　　به رنگ دیـدهٔ آهوی د شتی

۵. زمان و مکان مناسب در نگارش چه نقشی دارد بیان کنید؟
۶. با در نظر گرفتن کدام موضوعات می‌توان اساسات نگارش را آموخت؟



۱. مفهوم شعر نخست را که از دقیقی خواندید، در چند سطر بنویسید.
۲. بیت زیر را حفظ کنید:

کی رود فکر مضرت از مزاج اهل کین
مـار نتواند جـدا از زهر دیدن کام را

بیدل

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. عدالت به معنای چیست و عدالت اجتماعی کدام عدالت را گویند؟
۲. عدالت اجتماعی چه نقشی در زنده‌گی انسان‌ها می‌تواند داشته باشد؟
۳. عدالت اجتماعی در کدام شرایط می‌تواند عملی گردد؟
٤. درعدم موجودیت عدالت اجتماعی، چه خطراتی جامعه را تهدید می‌کند؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

عدالت اجتماعی

عدالت به معنای برابری و انصاف است. عدالت اجتماعی عدالتی است، که تمام افراد اجتماع از آن بر خوردار باشند. بدون موجودیت عدالت در تمام زمینه‌ها نمی‌توان از یک جامعۀ انسانی و اسلامی سخن زد. حقی که خداوند ﷻ برای هر انسان داده است، بدون هیچگونه تردیدی باید به افراد جامعه داده شود.

عدالت به عنوان یک فضیلت و مبدأ انسانی، یکی از اهداف عمدۀ بعثت پیامبران را تشکیل داده است. مفهوم عدالت در تعالیم اسلام چه قرآن و چه احادیث نبوی باز تاب گسترده یافته است. حتا واژۀ «عدل» در قالب‌های مختلف بیش از سی بار در قرآن مجید وارده شده است؛ مثلاً خداوند متعال در آیت ۸ سورۀ مائده به عدالت دستور داده است حتا با دشمنان و بدبینان. و در آیت ۳ سورۀ نساء به عدالت در میان همسران فراخوانده است.

عدالت اجتماعی تقسیم منصفانه و برابر منابع و فرصت‌ها برای افراد جامعه است.

عدالت اجتماعی، شامل تمام حقوقی است، که یک فرد در جامعه دارد. همانطور وجایبی نیز وجود دارند، که افراد مکلف اند آن‌ها را در برابر جامعه عملی نمایند. بدون حقوق، صحبت از وجایب نادرست است. این هردو(حقوق و وجایب) لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند.

عدالت اجتماعی عبارت از رفاه اجتماعی و زنده‌گی انسانی (دسترسی انسان، به تمام نعمات مادی و معنوی می‌باشد، که خداوند ﷻ برای بنده‌گان خود آفریده است.) بدون عدالت اجتماعی، پیشرفت، دموکراسی و استقلال هیچکدام کامل و دوامدار نخواهد ماند، نظم جامعه برهم خورده، جامعه را خطر بی نظمی و بی قانونی تهدید می‌کند. عدالت اجتماعی سبب می‌گردد، که جامعه گرفتار افراط و تفریط نگردد، هر انسانی حق داشته باشد؛ تا برای پیشرفت وطن و جامعۀ خود سهم بگیرد و بتواند در تمام عرصه‌ها از داشته‌ها و ثروت اجتماع

استفادهٔ سالم نماید.

در جامعه‌یی که یک عده انسان‌ها همه دارای چیز هم باشند و به اسراف رو آورند و عدهٔ دیگر در کمال فقر و فاقه زنده‌گی را به پیش ببرند، نمی‌توان از وجود عدالت اجتماعی سخن زد. به چنین جامعه‌یی، جامعهٔ انسانی نمی‌توان گفت.

نمونه‌های درخشان عدالت اجتماعی در صدر اسلام روشن می‌سازد، که بزرگان دین در گام اول به فکر مبارزه با افراط و تفریط بوده و به انسان‌ها کمک می‌کردند، تا زنده‌گی خود را با عدالت اجتماعی همراه سازند و از تمام موانعی که بر تأمین عدالت در بین انسان‌ها ضرر می‌رساند، بپرهیزند.

در شرایط کنونی، زمانی می‌توان از برقراری و تأمین عدالت اجتماعی در جامعه سخن گفت که نظام مردمی و حاکمیت ملی برقرار باشد. بدون برقراری نظام دموکراسی واقعی و بدون تأمین حاکمیت ملی در کشور نمی‌توان در مسیر عدالت اجتماعی گام گذاشت.

برای اینکه افراد یک جامعه بتوانند به حقوق خود دست‌یابند لازم است، که هر عضو جامعه با روحیهٔ تساند و تعاون اجتماعی، حقوق و وجایب خود را بشناسد و با توجه به تقویت نظم اجتماعی در این رابطه در چارچوب قوانین گام بگذارد. قوانینی که در یک جامعه تدوین می‌گردد باید زمینه‌یی باشد، تا این حقوق را در راه تطبیق، مساعدت نموده و به افراد جامعه کمک نماید تا فقط از راه قانون و حفظ نظم اجتماعی و عقاید و عنعنه‌های پسندیده به این هدف دست یابند و از هر گونه آشوب و اغتشاش که جامعه را به سقوط می‌کشاند، خود داری نمایند؛ پس می‌توان گفت که حفظ نظم اجتماعی و وجود قوانین و مراعات و اجرای آن اگر از یک‌طرف لازمهٔ تأمین عدالت اجتماعی در جامعه است، از طرف دیگر عدالت اجتماعی خود ضامن قوی و نیرومندی برای حفظ نظم اجتماعی و استحکام یک جامعهٔ مبتنی بر قانون می‌باشد. عدالت اجتماعی فقط در شرایطی ممکن است عملی و اجرا گردد، که آن جامعه دارای یک دولت با ثبات و مبتنی بر قانون باشد و از مشروعیت مردمی برخوردار بوده و برای صلح اجتماعی و منطقوی بیندیشد.



* **جامعهٔ انسانی:** جامعهٔ انسانی، جامعه‌یی است که در آن تمام اصول و حقوق انسانی تأمین شده باشد.

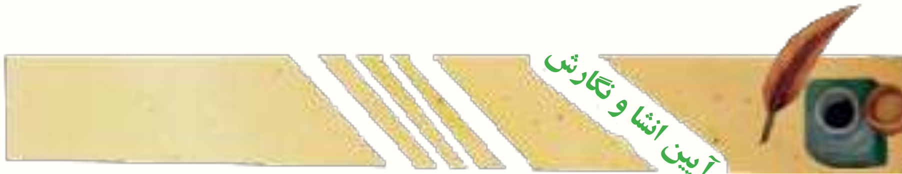
* **دموکراسی:** نظام و سیستمی که بر اساس ارادهٔ مردم و از طریق انتخابات آزاد به وجود آید و در برابر ملت مسؤول باشد.

* **استقلال:** آزادی ملی، حقی که بر اساس آن هر کشور و ملتی سرنوشت، اختیار و آزادی خود را در همه امور داشته و از هیچ کشور و ملت دیگری فرمان نبرد.

بیاموزیم

۱. عدالت اجتماعی، شامل تأمین برابر تمام حقوقی است که یک فرد در جامعه دارد.

۲. حفظ نظم اجتماعی و وجود قوانین و مراعات و اجرای آن اگر از یک‌طرف لازمهٔ تأمین عدالت اجتماعی در جامعه است از طرف دیگر عدالت اجتماعی خود ضامن قوی و نیرومندی برای حفظ نظم اجتماعی و استحکام یک جامعه مبتنی بر قانون می‌باشد.



مراحل نگارش: برای نگارش، موضوعات گوناگون و متعدد وجود دارد. ما در زنده‌گی به صدها مسأله و حادثه بر می‌خوریم و هر روز در هر قدم ده‌ها رویداد و منظره مقابل دیده‌گان ما قرار می‌گیرد که هر کدام آن را می‌توان موضوع نگارش قرار داد؛ اما به هر کدام نظر به مؤثریت در حال و احوال اجتماعی نمی‌توان یک نوع اهمیت و ارزش قایل شد؛ زیرا هر قدر موضوع نگارش کم ارزش و سطحی باشد جالب نبوده مورد توجه خواننده قرار نمی‌گیرد؛ پس موضوعی ابتکاری و برجسته است که نگارش را عالی ساخته موجب تأثیر در اذهان می‌گردد و مورد قبول همهٔ مردم قرار می‌گیرد؛ از همین جاست که گفته اند در نگارش آن‌چه مهم است ماهیت موضوع می‌باشد.

نگارش هر مطلب از آغاز تا پایان سه مرحلهٔ متمایز و باهم مرتبط را در بر می‌گیرد که عبارت اند از:

۱. مرحلهٔ ایجاد فکر

۲. مرحلهٔ تنظیم فکر

۳. مرحلهٔ بیان فکر
هر کدام این سه مرحله را به‌طور جداگانه در درس‌های آینده می‌خوانیم.

کار گروهی و سخنرانی

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس در موارد زیر درگروه‌ها گفتگو نموده، نمایندهٔ هرگروه نتیجهٔ بحث شان را به دیگران بیان نماید.

گروه الف: برای اینکه افراد یک جامعه به عدالت اجتماعی و استقلال دست یابند در گام اول به چه چیز نیاز دارند؟

گروه ب: در کدام جوامع نمی‌توان از وجود عدالت اجتماعی سخن به میان آورد؟

املا و نگارش



۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.



۱. چرا عدالت اجتماعی در یک جامعه ضروری است؟
۲. درعدم موجودیت عدالت اجتماعی چه خطراتی جامعه را تهدید می‌کند؟
۳. آیا ممکن است بدون عدالت اجتماعی و استقلال به پیشرفت و ترقی دست یافت؟
۴. آیا بدون روحیهٔ تعاون و راه‌های قانونی می‌توان به عدالت اجتماعی دست یافت؟
۵. آشوب و اغتشاش در یک جامعه چه وقت ظهور می‌کند؟
۶. نگارش دارای کدام مراحل است، نام ببرید؟



۱. محتوای کلی درس را در چند سطر بنگارید.
۲. بیت زیر را به حافظه بسپارید:

دور دستان را به احسان یاد کردن همت است
ورنه هر نخـلی به پای خود ثمر می‌افـگند

صایب تبریزی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس هفتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. شعر زیر در مورد چه سروده شده است؟
۲. شعر از کیست؟ شاعر آن‌را مختصراً معرفی کنید.
۳. شعر «پایگاه انسان» در بر گیرندهٔ کدام مفاهیم می‌باشد.
٤. در شعر زیر کدام صنایع بدیعی به کار رفته است؟

در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

پایگاه انسان

پایه بسیار سوی بام بلند / تو به یک پایه چون شوی خرسند؟
از پی کارت آفرید ستند / جامهٔ خلعتت برید ستند
تو به خلقان چرا شوی قانع / چون نگردی بدان حلل طامع؟
ملک و مُلک از کجا به‌دست آری / چون مهی شصت روز بیکاری
غافلی سال و ماه و مغروری / دد و دیوی وز آدمی دوری
آدمی کی بود گزنده چو تو؟ / دیو و دد کی بود درنده چو تو؟
سال و مه کینه جوی همچو پلنگ / خلق عالم ز طبع تو دلتنگ
آن جوانی که گرد غفلت گشت / آن نه عمر، آن فضول بود گذشت
مرد عاقل ز لهو پرهیزد / زین چنین عمر عقل بگریزد
هر شبی کان زمانه بر تو شمرد / روزی از زندگانی تو ببرد
در رخ ماه نو کسی خندد / که از او سود و مزد بر بندد
پس تو باری چرا نگریی خون؟ / کت از او جان کم است و وام فزون
مردچون رنج برد گنج بَرَد / مرغ راحت به باغ رنج پرد
هر که با جهل وکاهلی پیوست / پایش از جای رفت و کار از دست
خُرد همت همیشه خوار بود / عقل باشد که شاد خوار بود
اندرین راه گر چه آن نه کنی / دست و پایی بزن، زیان نکنی
رنج کش را نتیجه چه بود؟ گنج / بستر خواب راحت آمد رنج
به تمنا تو مرد ره نشوی / پاس خود دار تا تبه نشوی
به طلب یابی از بزرگان جاه
کز طلب خوب روی گردد ماه

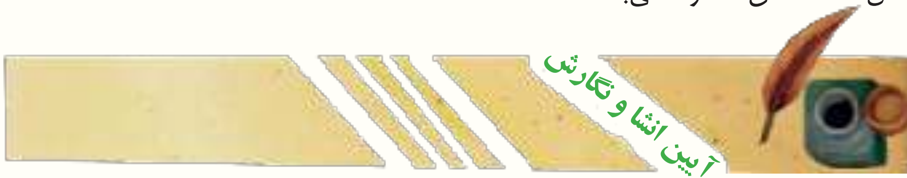
سنایی غزنوی



* **سنایی:** حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی از شاعران بزرگ قرن ششم ابتدا به دربار غزنویان راه یافت. و شاهان غزنه را مدح می‌کرد؛ سپس حال او دگرگون گشت، از دربار شاهان دوری گزید و گوشه نشینی اختیار نمود. او سفری به مکه کرد بعد از آن چندی در بلخ، سرخس، مرو و نیشاپور زیست و سپس به غزنه برگشت و در سال ۵۴۵ هـ ق. وفات یافت. سنایی را بنیان‌گذار شعر صوفیانه می‌دانند. آثار او شامل **حدیقةالحقیقه**، سیرالعباد الی المعاد، کار نامهٔ بلخ، مثنوی‌هایی به نام عقل‌نامه، عشق‌نامه و غیره می‌باشد.

بیاموزیم

۱. انسان راه طولانی در پیش دارد، که به اثر سعی و تلاش می‌تواند به مقام والای انسانی برسد.
۲. هر گاه کسی تنبلی نماید و غافل از ظرفیت‌ها و توانایی‌های در حور انسانی باشد، هیچگاه نمی‌تواند به مقام و منزلتی دست یابد.
۳. حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم از شاعران بزرگ قرن ششم ابتدا در دربار غزنویان راه یافت و شاهان غزنه را مدح می‌کرد.
۴. تا انسان رنج نبرد، گنج نمی‌یابد، و به راحتی نمی‌رسد.
۵. آثار سنایی شامل حدیقة الحقیقه، سیرالعباد الی المعاد، کار نامهٔ بلخ، مثنوی‌هایی به نام عقل نامه، عشق‌نامه و... می‌باشد.



۱. مرحلهٔ ایجاد فکر

پیش ازآغاز نگارش باید فکر کنیم؛ چه می‌خواهیم بنویسیم باید اندیشه و دقت خود را به کار بیندازیم؛ زیرا بدون اندیشه و دقت کافی، بیان درست و مطلب دقیق امکان پذیر نیست. دقت و اندیشه دربارهٔ موضوع، باعث می‌شود که طرح نوشته در ذهن پدید آید و شکل گیرد. برای نویسنده لازم است که مدت‌ها به تفکر بپردازد و تعمق نماید تا موضوع دلچسپ مفید و طرف نیاز مردم را انتخاب کند و آن‌را زمینهٔ نگارش قرار دهد و در همین مرحله دقت زیاد به خرج دهد و بکوشد تا موضوع بکر را برگزیند. افکار از دو منبع کلی سرچشمه می‌گیرد:

الف) مطالعه، مشاهدات و تجربه‌های شخصی و یا دیدن فلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی.
ب) مشاهدات و تجربه‌های دیگران که از آن‌ها شنیده ایم.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده؛ سپس هر گروه در بارۀ شعرخوانده شده باهم گفتگو نموده، نتیجه را به دیگران انتقال دهند.
۲. یک تن از شاگردان در رابطه به این که راز موفقیت انسان در چیست؟ سخنرانی نماید.
۳. چند تن از شاگردان به نوبت در رابطه به مرحلۀ ایجاد فکر در نگارش اظهار نظر نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود، در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر با در نظر داشت قواعدی که خواندید متنی بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.





۱. مفهوم اساسی شعری را که خواندید، به زبان ساده بیان کنید.
۲. در بارهٔ شخصیت ادبی سنایی غزنوی چه می‌دانید؟
۳. پیش از نگارش یک مطلب کدام مرحله را ضروری می‌دانید؟
۴. افکار انسان از کدام منابع سرچشمه می‌گیرد؟ واضح سازید.
۵. صنعت ادبی بیت زیر را مشخص نمایید:

مِلک و مُلک از کجا به‌دست آری　　　چون مهی شصت روز بیـکاری



۱. شعری را که خواندید، به نثر تبدیل کنید.
۲. ضرب‌المثل زیر را به حافظه بسپارید:

آموزش خزانه‌یی است که صاحب خود را هر کجا دنبال می‌کند.

ضرب‌المثل چینایی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. مطالعهٔ تاریخ ادبیات یک کشور از کدام دیدگاه‌ها اهمیت دارد؟

۲. مطالعهٔ تاریخ ادبیات چگونه به ماکمک می‌کند که از تغییرات و تحولات ادبیات خود آگاه شویم؟

۳. آیا می‌دانید که مطالعهٔ تاریخ ادبیات در شناخت ژرفتر زبان، فرهنگ، فولکلور، اعتقادات دینی، افکار سیاسی، ادبی و هنری هر عصر با ما کمک می‌کند؟

در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

ادبیات در قرن‌های نهم و دهم هجری

مطالعهٔ ادبیات در قرن نهم و دهم ایجاب می‌کند، که ما تاریخ صفویان ایران، تیموریان هرات و امپراتوری مغولان هندوستان، هرسه را از نظر بگذرانیم.

امیرتیمور گورگان سه بار برخراسان و فارس هجوم آورد و امرای موجود محلی را به‌طور کامل منقرض ساخت. در نتیجه ملوک کُرت هرات، سربداران سبزوار وآل مظفر فارس از صحنه بدر رفتند.

پس از مرگ امیرتیمور قلمرو وسیع او درمیان فرزندانش تجزیه شد و بالآخره فرزند چهارم او شاهرخ میرزا توانست که بخش بزرگی از قلمرو پدرش را تحت تسلط خود بیاورد. پایتخت او شهر باستانی هرات بود. او که می‌خواست ویرانی‌های پدر خود را جبران کند؛ دست به اصلاحات وسیع زد، امنیت را تأمین کرد و راه‌های تجارتی را از شر دزدان نجات داد. در اثر اقدامات او تجارت رونق گرفت و تراکم ثروت سبب رفاه وآرامی شهرها گردید.

زوجهٔ شاهرخ، ملکه گوهرشاد بیگم دختر غیاث الدین ترخان بود. گوهرشاد که در خانهٔ پدر نیز با شوکت و اقتدارآشنایی داشت، پس از ازدواج با شاهرخ میرزا میدانست که چگونه از اقتدار خود در راه شکوه و رونق، عمران و آبادانی کار بگیرد. به‌دستور گوهرشاد بیگم بود، که مسجد جامع هرات، خانقاه هرات، مدرسهٔ هرات و مسجد جامع مشهد آباد گردید.

پسر شاهرخ و گوهر شاد بیگم شهزاده بایسنقر میرزا کتابخانهٔ بزرگی را بنیاد نهاد و در آن خطاطان معروف، منشیان و صحافان را فراخواند و از جمله متن جامع شاهنامهٔ فردوسی را تهیه نمود. شهزاده بایسنقر میرزا خود خطاطی چیره دست بود.

اوج افتخار تیموریان هرات روزگار فرمانروایی سلطان حسین بایقرا و وزیر با تدبیرش امیرعلی شیرنوایی بود. سلطان حسین بایقرا و امیرعلی شیرنوایی هر دو بر زبان‌های دری و ترکی مسلط بودند و به هر دو زبان شعر می‌گفتند. امیرعلی شیرنوایی، نورالدین عبدالرحمان جامی، قاسم انوار، عارفی هروی، هلالی چغتایی، ملاحسین واعظ کاشفی و دیگران از شعرای معروف این دوره استند.

یکی از شعرای عارف این دوره، سیدعلی بن هارون بن ابوالقاسم معروف به قاسم انوار است، که در عهد شاهرخ به هرات آمد؛ سپس رهسپار بلخ گردید. بعد از آن به هرات بازگشت و درسال ۸۳۸ هـ . ق. در همان جا دیده از جهان پوشید. دیوان اشعار و مثنوی‌های انیس العارفین و مقامات العارفین از او به یادگار مانده است. شعرهای قاسم انوار شور عارفانه دارد. نمونۀ کلامش چنین است:

سرم سبزست و لب خندان و عیش جـاودان دارم
مـکانم را چـه می‌پـرسی؟ مـکان درلامکان دارم
نـه آن مشتاق در شـورم، که پنـــداری ازو دورم
جمالش را چو می‌بینم همه عین عیـــان دارم
بیا ای صوفی خود بین، به خود منگر به من دربین
که من از لـــذت عشقش حیات جـاودان دارم
بگو ای قاسم مسکین چها داری؟ چـــرا داری؟
که من این عشق پنـهانی از آن جان جهان دارم

از شاعران قابل یادآوری این عصر، بابا فغانی شیرازی است، که در شیراز شغل چاقوسازی داشت و درآغاز سکاکی تخلص می‌کرد. او به دربار اوزون حسن تقرب جست. در اواخر عمر عزلت گزید و به عرفان پناه برد. بابا فغانی را از پیشگامان سبکی دانسته اند،که بعدها به سبک هندی معروف شد. صایب از استمداد و اقتدای خود به اوصحبت کرده است:

«صایب» اگر تتبع دیوان کس کنی　　ازآتشین دمان به«فغانی» کن اقتدا

سلطان حسین بایقرا، که درسال ۸۷۲ هـ . ق. برسریر سلطنت هرات تکیه زده بود. بعد از سی و نه سال سلطنت درسال ۹۱۱هـ . ق. چشم از جهان پوشید. پس از او سلطنت تیموریان هرات رو به انقراض رفت و قدرت به صفویان ایران انتقال یافت. شاهان صفوی که می‌خواستند تشیع را مذهب مسلط ایران بسازند، درگیر مبارزه با خلافت عثمانی گردیدند و بدین ترتیب بازار علم و دانش، شعر و هنر در ایران کساد گردید و دانشمندان و شاعرانی

که در دربار شاهان صفوی اقبالی ندیدند روی به سوی هند نهادند و درآن‌جا با استقبال گرم سلاطین مغولی، که مؤسس آن سلسله، ظهیرالدین محمد بابر بود، روبه‌رو شدند و به خصوص در دربار نورالدین محمد جهانگیر و شهاب الدین محمدشاه جهان گرد آمدند. در قرن دهم هجری شاعرانی چون فیضی دکنی، عرفی شیرازی، کلیم کاشانی، ناصرعلی سرهندی و دیگران که در دربار جهانگیر، اکبر و شاه جهان شاعری کرده اند.

یکی از شاعران مشهور قرن دهم هجری عرفی شیرازی است، که در قصیده، مثنوی و غزل شاعری توانا بود؛ او مثنویهای مخزن الاسرار و خسرو و شیرین نظامی را استقبال نموده است. عرفی در سال ۹۳۶هـ . ق. در شیراز به دنیا آمد و در سال ۹۹۹هـ . ق. در لاهور دیده از جهان فرو بست.

بررسی‌های ادبی در این سده‌ها

دوران سلالهٔ تیموری به خصوص در سده‌های ۹ و۱۰ دورا ن اعتلای سرزمین ما است. این خانواده با آن که خود ترک زبان بودند، در پرورش و شکوهمندی ادب دری بسیار تلاش ورزیدند. زوال و قهقرایی که در دوران فرمانروایی چنگیزیان، زبان، فرهنگ و ادب دری را تهدید می‌کرد، نه‌تنها متوقف نگردید؛ بلکه بار دیگر این زبان به مثابهٔ زبان علمی و ادبی در بسیاری از کشورها مانند: ترکیه، هند، آذربایجان، نواحی گرجستان و توابع آن‌ها به مثابه زبان ادبی رونق تازه یافت.

سدهٔ ۹ و ۱۰ از سده‌های احیای فرهنگ شکوهمند خراسان، زبان و ادب دری است؛ با آن هم در مقایسه با دوره‌های گذشته جنبه‌های ضعیفی در خود داشته است.

کلمه‌های مغولی و ترکی از راه کار برد اصطلاحات اداری، سیاسی و نظامی یکی از خصوصیت‌هایی است که زبان و ادب دری در این دوران به آن دچار گردیده است؛ همچنان کاربرد اصطلاحات و کلمات نامأنوس عربی در ادبیات دری زیاد شد. اطناب و تعقید به ویژه در نثر از خصوصیت برجستهٔ آثار این دوره است.

شعر و نثر این دوره تقلیدی از سبک‌ها و مکتب‌های گذشته است. مکتب خاصی در این دوره پدید نیامد. شعرای این دوره در غزل به پیروی از حافظ، سعدی و مولانا، در قصیده به روش رودکی، فرخی، ظهیر فاریابی و انوری و در مثنوی به شیوهٔ فردوسی، نظامی، امیر خسرو دهلوی و مولانا جلال الدین بلخی طبع آزمایی کرده اند.



* تیمور در سال ۱۳۲۳م (۷۰۲ هـ ش.) در شهر سبز سمرقند چشم به جهان کشود؛ وی پسر توراغای یکی از اشراف قبیلۀ برلاس از نژاد ترک بود. او از وضع آشفتۀ سیاسی و نظامی ماوراءالنهر، خراسان و فارس استفاده کرد و دولت نیرومندی به‌وجود آورد.

تیمور تا سال۱۳۸۳م (۷۶۲ هـ . ش.) خوارزم، دشت قپچاق، ماوراءالنهر و کاشغر را به‌دست آورد. پس از آن به خراسان، فارس، عراق، ترکیه و مصر لشکر کشی کرد و امپراتوری گسترده‌یی بنا نهاد.

* امیر علی شیر نوایی در شهر باستانی هرات دیده به جهان گشود؛ پدرش نظام الدین کچکینه بهادر در دستگاه سلطنت تیموری رتبه و مقام خوبی داشت. نوایی یکی از وزیران بزرگ و ادب پرور سرزمین ما در زمان سلطنت سلطان حسین بایقرا بود. وی در ایجاد و پرورش فرهنگ دورۀ درخشان تیموریان سهم ارزنده داشت و بیشتر از سی اثر منظوم و منثور به زبان‌های دری، ترکی و ازبکی نوشت.

* ترخان در دربار تیموریان کسی را می‌گفتند، که بدون اجازۀ قبلی می‌توانست به پیش سلطان برود و از دارایی‌های خود هیچ گونه مالیه و محصول به دولت نپردازد.

* آل کُرت یکی از سلسله‌های محلی افغانستان بوده که در عصر مغول‌ها بریک قسمت افغانستان(هرات) حکمروایی داشتند. در مورد اصل و نسبت کرت‌ها اختلاف نظر وجود دارد تعدادی آن‌ها را از وابسته‌گان غوری‌ها می‌دانند و بعضی ایشان را هم به سلجوقی‌ها و ترکمن‌ها منسوب می‌سازند. شخصیت‌های مهم این دودمان ملک رکن الدین، ملک شمس الدین، ملک حسین کرتی میباشند. امرای این خانواده با مغولان روابط نیک و حسنه داشتند که سر انجام درسال ۱۳۸۳م.(۷۶۲هـ. ش.) توسط تیمور گورگانی آل کرت به سقوط مواجه شد.

بیاموزیم

۱. امیرعلی شیرنوایی، نورالدین عبدالرحمان جامی، عارفی هروی، هلالی چغتایی، ملاحسین واعظ کاشفی و دیگران از شعرای معروف این دوره (قرن نهم و دهم) بودند.

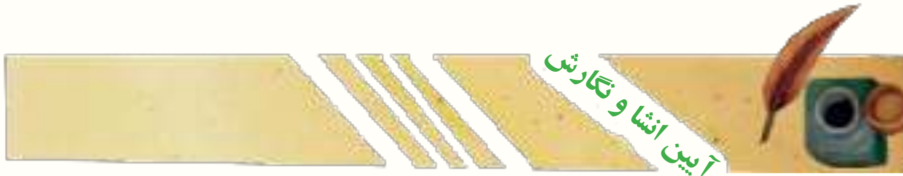
۲. اوج افتخار تیموریان هرات روزگار فرمانروایی سلطان حسین بایقرا و وزیر با تدبیرش

امیرعلی شیرنوایی بود.

۳. در قرن نهم و دهم کلمه‌های مغولی و ترکی از راه کار برد اصطلاحات اداری، سیاسی و نظامی یکی از خصوصیاتی است که زبان و ادب دری در این دوران به آن دچار گردیده است.

۴. در قرن نهم و دهم کار برد اصطلاحات و کلمه‌های نامأنوس عربی در ادبیات دری زیاد شد. اطناب و تعقید به ویژه در نثر از خصوصیت برجستۀ آثار این دوره است.

۵. شعر و نثر این دوره تقلیدی از سبک‌ها و مکتب‌های گذشته است. مکتب خاصی در این دوره پدید نیامد. شعرای این دوره در غزل به پیروی از حافظ، سعدی و مولانا، در قصیده به روش رودکی، فرخی، ظهیر فاریابی و انوری و در مثنوی به شیوۀ فردوسی، نظامی، امیر خسرو دهلوی و مولانا جلال الدین محمد بلخی طبع آزمایی کرده اند.



۲. مرحلۀ تنظیم فکر

بعد از مرحلۀ ایجاد فکر در نگارش مرحلۀ تنظیم فکر آغاز می‌شود؛ در همین مرحله نویسنده با در نظر داشت ارکان نگارش، موضوع را به فصول تقسیم می‌کند که عبارت از مقدمه، شروع مطلب، شرح و بسط و نتیجه می‌باشد؛ هر کدام این فصول دارای عناصر اصلی و فرعی متعدد بوده، باید هر کدام آن جدا جدا در نظر گرفته شود؛ تا موضوعات باهم آمیخته نگردد؛ زیرا این کار برای نگارنده و خواننده هر دو مشکل ایجاد می‌کند؛ در حالیکه تنظیم فکر به صورت درست هم برای خواننده و هم برای نویسنده سهولت فراهم نموده مفید واقع می‌گردد.

نویسنده باید پایۀ تفکر خود را کاملاً و به صورت یک نواخت روی چیزهای غیر محسوس قرار ندهد؛ بلکه پایۀ تفکر او تا اندازه‌یی بر مدرکات و حسیات هم گذاشته شده باشد. در حقیقت فکر کردن از نوشتن جدا نیست؛ بلکه عامل اساسی در نگارش، فکر درست و ذوق سلیم است.

نگارش زیبا و رسا آن است که موضوع آن قبلاً با درستی و مهارت در ذهن پرورش و تنظیم شده، صورت دلپسند، منطقی و یکدست به خود گرفته باشد؛ آنگاه اقدام به بیان آن گردد.

کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس هر گروه در بارهٔ درسی که خواندند باهم گفتگو نموده، نتیجه را به دیگران بگویند.
۲. یک تن از شاگردان در رابطه به وضع ادبی در قرن نهم و دهم سخنرانی نماید.
۳. چند تن از شاگردان به نوبت در رابطه به مرحلهٔ تنظیم فکر در نگارش اظهار نظر نمایند.

املا و نگارش


امیر علی شیر نوایی

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود، در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر با در نظر داشت قواعدی که خواندید، متنی بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.



۱. اوج افتخار تیموریان هرات دورهٔ کدام سلطان است؟
۲. بنیان گذار سبک هندی کی را می‌دانند و صایب در بارهٔ او چه گفته است؟
۳. گوهرشاد بیگم کی بود؟
۴. در بارهٔ شهزاده بایسنقر چه می‌دانید؟
۵. امپراتوری مغول به وسیلهٔ چه کسی در هند تأسیس شد؟
۶. مرحلهٔ تنظیم فکر در نگارش چه اهمیت دارد؟
۷. عامل اساسی در نگارش چیست؟



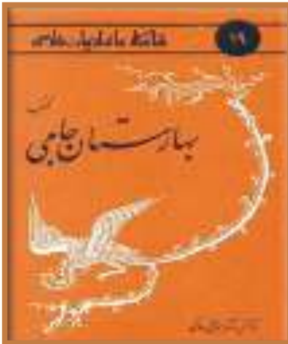
۱. شرح حال یکی از شاعرانی چون صایب تبریزی، کلیم کاشانی، فیضی دکنی، ناصرعلی سرهندی، هلالی چغتایی و عرفی شیرازی را تهیه و برای همصنفان خود تقدیم نمایید.
۲. بیت زیر را حفظ کنید:

بلند و پست جهان هر چه هست در کار است ... ز حکمت است که انگشت‌ها برابر نیست

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یکی از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. بهارستان اثر کیست؟ در کدام قرن و در کجا نوشته شده است؟
۲. این اثر درچه مورد نگاشته شده و چگونه یک اثر است؟
در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

بهارستـان



بهارستان اثریست از مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی شاعر و دانشمند بزرگ عصر تیموریان. جامی در سال ۸۱۷ هجری قمری در شهر جام هرات باستان چشم به جهان گشود. جامی معاصر سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند او امیر علی شیر نوایی بود. جامی در شعر به سعدی و حافظ توجه خاص داشت و در مثنوی‌های خود از نظامی پیروی کرده است.

بهارستان جامی که به پیروی از گلستان سعدی در سال ۸۹۲ هجری نگاشته شده است. منظور نویسنده در این کتاب بیان نکته‌های تربیتی و اخلاقی می‌باشد. این اثر شامل نثر و نظم بوده، نثرش با صنایع لفظی آراسته است. بهارستان در هشت روضه، مقدمه و خاتمه ترتیب گردیده است. روضهٔ نخستین حکایاتی دارد در ذکر مشایخ صوفیه و بعضی از اسرار و احوال آنان؛ روضهٔ دوم متضمن حکم و مواعظ و مشتمل بر چند حکایت؛ روضهٔ سوم در بارهٔ اسرار حکومت و ذکر حکایاتی از شاهان؛ روضهٔ چهارم در بارهٔ بخشش؛ روضهٔ پنجم در تقریر حال عشق و عاشقان؛ روضه ششم حاوی مطایبات و لطایف؛ روضه هفتم در شعر و احوال شاعران و روضه هشتم در حکایتی چند از زبان جانواران. جامی در آغاز کتاب گفته است، که چون فرزندش ضیاءالدین یوسف به آموختن فنون ادب اشتغال داشت. این کتاب را برای وی فراهم آورد و به نام سلطان حسین بایقرا نمود.

عبارات کتاب بهارستان بسیار ساده و شیرین است و در میان آثار منثور دری مقام شامخ دارد. همان گونه که تذکر یافت؛ این کتاب مشتمل بر مطالب اخلاقی عالی و دستورهای سودمند برای زنده‌گانی است. قطعه‌های تاریخی آن نیز مطالبی مفید دارد، که در روشن شدن احوال شعرا و عرفا کمک می‌کند. بهارستان سخن منظوم بیشتر دارد، نظر به گلستان سعدی. سجع و تکلف به وفور در آن دیده می‌شود. در روضهٔ ششم آن پاره‌یی از مطایبات وجود دارد که خواننده را از سلیقهٔ تربیتی مولانا جامی به شگفتی می‌آورد.

نحوهٔ قصه پردازی و تمثیل در بهارستان

بهارستان برای ذهن‌نشین شدن مطالب و بیان درست آن، حکایت‌ها و تمثیل‌های زیاد ارائه شده است. این تمثیل‌ها و قصه پردازی‌ها با زیور منطق و حلیهٔ عقل آراسته شده است.

موضوعات با بیان تشبیه‌ها، کنایه‌ها و استعاره‌ها ادبی به صورت دلنشین تمثیل و صحنه آرایی گردیده است. همهٔ این خوبی‌ها و ویژه‌گی‌های ادبی و محتوای ارزشمند، ارزش تربیتی و آموزشی این اثر گران‌بها را بالا برده و بیانگر شهکاری‌های جامی است.

حکایتی از بهارستان

طاووسی و زاغی در صحن باغی فراهم رسیدند و عیب و هنر یکدیگر را دیدند. طاووس به زاغ گفت: این موزهٔ سرخ که به پای تست لایق اطلس زرکش و دیبای منقش منست، همانا آن وقت که از شب تاریک عدم، به روز روشن وجود می‌آمده ایم، در پوشیدن موزه غلط کرده ایم. من موزهٔ کیمخت سیاه ترا پوشیدم و تو موزهٔ ادیم سرخ مرا.

زاغ گفت: حال بر خلاف این است. اگر خطایی رفته است، در پو شش‌های دیگر رفته است، باقی خلعت‌های تو مناسب موزهٔ منست. غالباً در آن خواب آلوده‌گی، تو سر از گریبان من بر زده ای و من از گریبان تو. در آن نزدیکی کشفی سر به جیب مراقبت فرو برده بود و آن مجادله و مقاله را می‌شنود، سر بر آورد که ای یاران عزیز و دوستان صاحب تمیز این مجادله‌های بی حاصل را بگذارید و از این مقاولهٔ بلا طایل دست بدارید، خدای تعالی همه چیز را به یک کس نداده و زمام همهٔ مرادات در کف یک کس ننهاده. هیچ کس نیست که وی را خاصه داده که دیگران را نداده است و در وی خاصیتی نهاده که در دیگران ننهاده، هر کس را به دادهٔ خود خرسند باید بود و به یافته خشنود.

قطعه

بردن حسد از حال کسان طور خرد نیست
زنهار که از طور خرد دور نباشی
از خلق طمع، همچو حسد مایهٔ رنج است
بگسل طمع ازخلق که رنجورنباشی

حکایت دوم

گژدمی زهر مضرت در نیش و تیر خباثت در کیش، عزیمت سفر کرد؛ به لب آب پهناور رسید؛ خشک فرو ماند. نه پای گذشتن و نه یاری باز گشتن. سنگ پشتی آن معنا را از وی مشاهده کرد. بروی ترحم نمود. بر پشت خودش سوار ساخت و خود را در آب انداخت و شنا کنان رو به جانب دیگر نهاد. در آن اثنا به گوشش رسید که گژدم چیزی بر پشت وی میزند. سؤال کرد که این چه آواز است؟ جواب داد: که این آواز نیش است که بر پشت تو میزنم. هر چند میدانم که بر آن‌جا کارگر نمی‌آید؛ اما خاصیت خود را نمی‌توان گذاشت. سنگ پشت با خود گفت: هیچ به از آن نیست که این بد سرشت را از این خوی بد برهانم و نیکوسرشتان را از آسیب وی ایمن گردانم به آب فرو رفت، وی را موج در ربود و به جایی برد که گویا هرگز نبود.

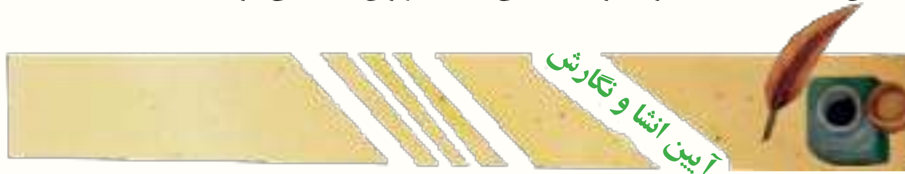


* جامی در نظم و نثر آثار گران‌بهایی از خود به‌جا گذاشته است. در اشعارش افکار صوفیانه، داستان‌ها، حکمت، اندرز و تصورات غنایی، بسیار فراوان دیده می‌شود. آثار منظومش شامل دیوان اشعار، هفت اورنگ بوده به پیروی نظامی‌گنجه‌یی سروده شده است، که در برگیرندۀ **سلسلة** الذهب، سلامان و ابسال، **تحفة** الاحرار، **سبحة** الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامۀ سکندری می‌باشد.

آثار منثورجامی عبارت اند از: نقدالنصوص، نفحات الانس، لوایح ولوامح، شواهدالنبوه، **اشعة** اللمعات و بهارستان، رساله‌یی در اخلاق صوفیان، رساله‌یی در علم قوافی، رسالۀ موسیقی، مناسک حج، رسالۀ تهلیلیه در علم دین، فواید الضیائیه معروف به شرح جامی می‌باشد.

بیاموزیم

۱. بهارستان اثریست از مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی.
۲. این اثر به پیروی از گلستان سعدی در سال ۸۹۲ هـ .ق. نگاشته شده است.
۳. بهارستان شامل نثر و نظم بوده، نثرش با صنایع لفظی آراسته است.
۴. بهارستان یک اثر تعلیمی بوده، جنبه‌های تربیتی و اخلاقی در آن به گونۀ زیبایی در نظر گرفته شده است.
۵. بهارستان در هشت روضه، مقدمه و خاتمه ترتیب گردیده و با زبان بسیار ساده و شیرین نگاشته شده است و در میان آثار منثور فارسی مقام شامخ دارد.
۶. جامی در نظم و نثر آثار گران‌بهایی از خود به‌جا گذاشته است، در اشعارش افکار صوفیانه، داستان‌ها، حکمت، اندرز و تصورات غنایی بسیار فراوان دیده می‌شود.



مرحلۀ بیان فکر

پس از تنظیم فکر نوبت می‌رسد به بیان فکر؛ یعنی نویسنده هرگاه به ایجاد و تنظیم فکر نایل آید، می‌تواند به آسانی آن‌را بیان دارد؛ به شرط این که به مشق و ممارست پرداخته باشد.

در مرحلۀ بیان فکر دو راه وجود دارد، یکی گفتار و دیگر نگارش.

نویسنده‌گان به صورت اغلب راه دومی را انتخاب می‌کنند؛ در حالیکه بعضی ادبا به خصوص مبلغان از راه نخستین استفاده کرده، فکر ایجاد و تنظیم شده را توسط گفتار ارائه می‌نمایند.

گفتار میان تفکر و نگارش به منزلۀ حلقه‌یی است در بین این دو؛ چنان‌که یکی اثرپذیر دیگر

است؛ مثلاً: نویسنده وقتی معانی را به تصویر می‌آورد و آن‌را ترتیب می‌کند، آنگاه در صورت نگارش نخست عبارتی برای آن در ذهن خود تهیه کرده؛ سپس آن‌را می‌نویسد و در این صورت هر قدر گفتار واضح و روشن باشد نگارش به همان اندازه روان و رسا می‌آید.

کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو دسته تقسیم شوند و در بارهٔ قطعهٔ خوانده شده تفکر نمایند، بعد از آن یک دسته از دستهٔ دیگر در آن مورد، سؤالاتی طرح نمایند.
۲. شاگردان دو دو نفر با هم در مورد حکایتی که خواندند، مباحثه نمایند.
۳. یک تن از شاگردان در مورد شخصیت مولانا جامی سخنرانی نماید.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر با استفاده از قواعد نگارش که خواندید، متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.



جامی



۱. بهارستان اثر کیست؟
۲. نورالدین عبدالرحمان جامی را مختصر معرفی نمایید.
۳. بهارستان چگونه اثر است؟
۴. از حکایت چه نتیجه گرفتید؟
۵. چگونه می‌توانید که به داشته‌های خود قناعت نموده و از حسادت دوری نمایید؟
۶. چگونه می‌توانیم فکر خود را بیان کنیم؟



۱. در مورد نتایج منفی حسادت مطلبی بنویسید.
۲. بیت زیر را حفظ نمایید:

به عذر و توبه توان رستن از عذاب خدای   ولیک می‌نتوان از زبان مردم رست

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. زن کیست؟

۲. زن در جامعه دارای کدام حقوق می‌باشد؟

۳. حقوق زن را از دیدگاه اسلام چگونه ارزیابی می کنید؟

٤. دین مبین اسلام چه تأثیری در زنده گی زنان داشته است؟

۵. زن چه نقشی را در اجتماع می‌تواند ایفا نماید؟

در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

حقوق زن در جامعه



مقام و موقعیت زن در جامعهٔ بشری، ارج نهادن به او به عنوان رکن مهم خانوادهٔ انسانی، فرصت دادن به او برای اعمال اراده و نظر در مسایل شخصی و اجتماعی و رفع تبعیض‌های گوناگون در حقوق و امتیازات بین زن و مرد، مسأله‌یی است، که در طول تاریخ بشری همواره مطرح بوده است. زنان همیشه این احساس را داشته اند، که برخی از مردان، حقوق آنان را محترم نشمرده به منزلت انسانی شان که همپایهٔ مردان است، توجه نکرده به خصوص در ادارهٔ امور جامعه به آن‌ها فرصت مشارکت و ابراز نظر و اعمال اراده را نداده اند؛ از دور ترین دوره‌های تاریخ تا عصر حاضر، هر وقت زنان فرصتی به‌دست آورده اند به وضع موجود و رواج‌های جاری حاکم برخود اعتراض کرده، خواستار رفع تبعیض بین خود و مردان شده اند. داستان‌های پراکنده‌یی که از مراجعهٔ برخی زنان به پیامبر اسلام ﷺ در تواریخ نقل شده، حاکی از احساس عدم رضایت زنان از این وضع و اقدام آنان برای اصلاح این وضع است. در آن دوران که روزنه‌یی به روی زنان گشوده شده و تعلیمات و روش عملی پیامبر اکرم ﷺ زمینه را برای تغییر طرز تفکر رایج و رفتار معمول با زنان ایجاد کرده بود، می‌بینیم برخی زنان به طرق مختلف در مقام اعتراض به وضع حاکم بر آن‌ها و گرفتن حقوق و اختیارات بر می‌آمدند؛ مثلاً: در حدیثی آمده است: که دختری خدمت پیامبر ﷺ آمد و گفت: پدرم برای به دست آوردن اعتبار و حیثیت برای خود می‌خواهد مرا به عقد ازدواج پسر برادرش درآورد؛ بدون اینکه نظر مرا بخواهد. وقتی

پیامبر ﷺ به او فرمود که اختیار ازدواج با خود توست و می‌توانی این ازدواج را قبول نکنی، دختر گفت: عمل پدرم را تنفیذ می‌کنم و آن را می‌پذیرم؛ ولی خواستم بدین وسیله زنان بدانند، که اختیار شان در دست پدران شان نیست.[۱]

قرآن کریم، مرد و زن را از لحاظ خلقت از یک جنس و در اصل گوهر انسانی یکی می‌داند. در هیچ یک از آیات مربوط به خلقت انسان اشاره‌یی به کامل تر بودن مرد و نقص و کمبود در خلقت زن دیده نمی‌شود؛ چنان‌که در آیت مبارک آمده است، ترجمه:«ای مردم، بپرهیزید و بترسید از خدایی که شما را از نفس واحد آفرید و همسرش را نیز از او خلق کرد و از آن دو، زنان و مردان زیادی را منتشر نمود...» [۲]

از نظر فضیلت و کرامت و دارا شدن ارزش‌هایی والای انسانی و مقام معنوی و توانایی کسب صفات عالیه، در تعبیرات قرآن کریم تفاوتی بین زن و مرد دیده نمی‌شود. در قرآن مجید از مرد به عنوان پدر و از زن به عنوان مادر نام برده شده است و فرزند مکلف گردیده که به آن‌ها احترام بگذارد و نیکی کند.

انسان موجود اجتماعی است که هرگز نمی‌تواند در تنهایی مطلق زنده‌گی نماید و یک رابطهٔ عاطفی بین انسان‌ها بر قرار است. در واقع همین رابطهٔ عاطفی انسان است که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و نوع انسان را با مفاهیمی از قبیل حق فرزندان بر پدر و مادر، حق پدر و مادر برفرزندان، حق زنان بر شوهران، حق شوهران بر زنان، حق افراد برجامعه، حق جامعه برافراد و غیره آشنا می‌سازد و مفهوم حق و وظیفه را در ذهن انسان‌ها حک می‌کند.

نخستین حق دختران بر پدران و مادران‌شان این‌است، که هرگز در میان دختر و پسر طوری فرق نگذارند، که دختر احساس تبعیض وخود فروتر بینی کند و این تصور نادرست در ذهنش شکل بگیرد، که اگر پسر می‌بود از بسا امتیازها برخوردار می‌شد، که اکنون به دلیل دختر بودن خود از آن‌ها برخوردار نیست.

امام غزالی در کیمیای سعادت حدیثی از حضرت پیامبر اسلام ﷺ نقل می‌کند: «هرکه از بازار نو بری خرد و به خانه برد همچون صدقه باشد و باید که ابتدا به دخترکند، آن گاه به پسر، هرکه دختری را شادکند؛ همچنان بـــود، که از بیم خدای بگریسته بود و هرکه از بیم خدای تعالی بگرید تن وی برآتش حرام شود.»[۳] متأسفانه برخلاف این دستور حضرت پیامبر ﷺ در

۱- به نقل از روایت منقوله در سنن ابن ماجه، کتاب النکاح، جلد۱، ص۶۰۲

۲- سوره نساء، آیه ۱.

۳- کیمیای سعادت ج ۱باب سوم در آداب زنده‌گی با زنان ص ۳۰۴)

برخی خانواده‌ها زنان و دختران از جهات مختلف معروض به تبعیض و تفاوت استند. هنوز تعداد کسانی هستند که میخواهند دروازه‌های مکاتب و مؤسسات علمی را برروی زنان ببندند و جامعه را از فیض استعداد زنان محروم نمایند. تجربه‌های فراوان علمی نشان می‌دهد،که زنان در هیچ رشته کمبودی و بی استعدادی نشان نداده اند و اساساً استعداد و ذکاوت ربطی به جنسیت زن و مرد ندارد. خوشبختانه قانون اساسی کشور حق تعلیم و تربیهٔ مساوی، حق مزد مساوی را در برابر کار مساوی و بالاخره حق رأی دهی، رأی گیری و اشتراک در انتخابات ریاست جمهوری و شوراها را برای زنان تثبیت نموده است. زنان می‌توانند با استفاده از حقوق قانونی خود لیاقت، استعداد وکفایت خود را در خدمت وطن و مردم خویش بگمارند و در پرتو مبارزات قانونی راه را به سوی جامعه‌یی باز کنند که در آن هرگونه تبعیض نسبت به زنان از میان رفته باشد.

در جهان امروز حقوق زنان بخش انفکاک ناپذیر حقوق بشراست و اگر زنان به حقوق مشروع و قانونی خود نرسند صحبتی از تأمین حقوق بشر نیز نمی‌تواند درمیان بیاید.

برخی از دستاوردهای امروز زنان محصول تلاش‌های درازمدت جنبش‌های زنان می‌تواند باشد. این جنبش‌ها مایهٔ آن گردید که روز هشتم مارچ به عنوان روز بین المللی زن شناخته شود.

روز هشتم مارچ روزی است، که زنان در گوشه، گوشهٔ جهان با حقوق خود آشنا می‌شوند و با قاطعیت برضد ازدواج‌های اجباری و دیگر عنعنه‌های ناپسند و غیر اسلامی دست و پاگیر مبارزه می‌نمایند. حق تعلیم و تربیهٔ مساوی و فارغ از تبعیض، حق رقابت آزاد در کسب مشاغل اجتماعی مناسب، حقوقی است که زنان باید در راه حصول آن مبارزه نمایند.

زن به مثابهٔ مادر در پرورش و تربیت افراد جامعه نقش بارز و اساسی دارد و دارای حقوقی است، که دین مبین اسلام و قوانین نافذ کشور برای‌شان داده است و تمامی افراد جامعه مکلف اند تا رعایت آن‌را وظیفهٔ اساسی و مهم دانسته، در پیروی از آن غفلت ننمایند. زنان نباید از تحصیل و سایر حقوق شان محروم شوند؛ زیرا همین زنان استند که با تقدیم فرزندان شایسته، چون علما، دانشمندان، مخترعان و مکتشفان در رفاه و آبادانی جوامع، نقش سازنده‌یی را ایفا می کنند.

ملت افغانستان، ملت آزاده و مسلمان است باید که با پیروی از ارشادات الهی که می‌فرماید: «وَ عا شرُوهُنّ بالمعروف» یعنی با زنان رفتار نیک کنید و با پیروی از پیامبر خدا که احترام و اکرام کننده‌گان زنان را کریم و بخشنده و اهانت کننده‌گان زنان را نکوهش نموده اند؛ زنان را

احترام کنند و حقوق شان را در عرصه‌های مختلف مراعات نمایند؛ همچنین افغانستان که عضو جامعهٔ جهانی و سازمان ملل متحد بوده و کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان را از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی به تصویب رسیده است امضاء نموده؛ بنابراین دولت افغانستان با در نظر داشت ملحوظات فوق حقوق زن را باید در کشور تأمین کند.

آیا می‌دانید پیوستن و ایمان آوردن به دین مبین اسلام که امروز بیش از هزار ملیون در جهان هوا خواه دارد، آغازش از کدام فرد بود؟

پذیرفتن دین مبین اسلام از یک زن شروع شد. مادر مؤمنان «بی بی خدیجه رضی‌الله‌عنها» نخستین کسی است که قبل از هرکس شایسته‌گی دریافت تبلیغ پیامبر بزرگ اسلام را داشت و از این‌رو نخستین فرد مسلمان در جهان به شمار می‌رود و آیا می‌دانید که نخستین شهید در اسلام کی بود؟ باز هم او یک زن بود. یعنی «سمّیه» مادر عمار بن یاسر رضی‌الله‌عنهم.

اسلام به زنان خدمات شایانی کرده است. اسلام در آغاز طلوع خود، یکی از برنامه‌های اساسی‌اش را بر مبنای بازستاندن حقوق از دست رفتهٔ زنان قرار داد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم به یاران خود پیوسته در مورد زنان سفارش می‌کرد، زنان را امانت خدا می‌خواند و می‌فرمود: زنان در نزد شما امانت خدایند، احترام آنان را نگه دارید. آری! زنان تحت حمایت پیامبر خدا، این چنین پروبال گشوده بودند، آن هم در روزگاری که غالباً می‌دانیم تا چه اندازه زن در جزیرة العرب خوار و بی‌مقدار انگاشته می‌شد، دختران را زنده به گور می‌کردند و شبانه به این کار دست می‌زدند تا مبادا، همسایه از وجود دختری در خانهٔ همسایهٔ دیگر آگاه شود. آخر وجود دختر در آن محیط، ننگی بزرگ به شمار می‌آمد. در چنین شرایطی بود، که ناگهان زن از جای برخاست و پیشتاز و پیشگام در تحول سرنوشت ملتی عظیم شد. آیا این امر، جز نتیجهٔ برکات تعالیم اسلام در خدا پرستی و ایمان و توکل به خدا بود؟ پس بر دولت افغانستان و در مجموع ملت مسلمان افغانستان است تا به پیروی از دین مبین اسلام و ارشادات الهی و نبوی، حقوق زنان را مراعات نمایند و فرصت آن را مساعد سازند تا زنان در عرصه‌های مختلف نقش سازندهٔ شان را ایفا نمایند و جامعه را به سوی رفاه و ترقی رهنمون شوند.



* کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طی قطعنامهٔ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در سوم سپتامبر ۱۹۸۱ لازم الاجرا شد. مسألهٔ تساوی زن و مرد از جهات مختلف و رفع هرگونه تبعیض بین آنان در برخورداری از مواهب زنده‌گی و حقوق اجتماعی و سیاسی در همه اسناد حقوق بشر سازمان ملل متحد، منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... مطرح شده و مورد تاکید قرار گرفته است.

بر اساس آخرین آمار منتشره از سوی سازمان ملل تا سال ۱۹۹۵ در حدود ۱۳۹ دولت به این کنوانسیون پیوستند و تعداد ۷ دولت آن را امضاء کرده اند، که شامل امریکا، افریقای جنوبی، سویس، لستو، افغانستان، بولیوی و ساحل عاج می‌باشند.

بیاموزیم

۱. قرآن کریم، مرد و زن را از لحاظ خلقت از یک جنس و در اصل گوهر انسانی یکی می‌داند.

۲. از نظر فضیلت و کرامت و دارا شدن ارزش‌هایی والای انسانی و مقام معنوی و توانایی کسب صفت‌های عالیه، در تعبیرات قرآن تفاوتی بین زن و مرد دیده نمی‌شود.

۳. تجربه‌های فراوان علمی نشان می‌دهد،که زنان در هیچ رشته کمبودی و کم استعدادی نشان نداده اند و اساساً استعداد و ذکاوت ربطی به جنسیت زن و مرد ندارد.

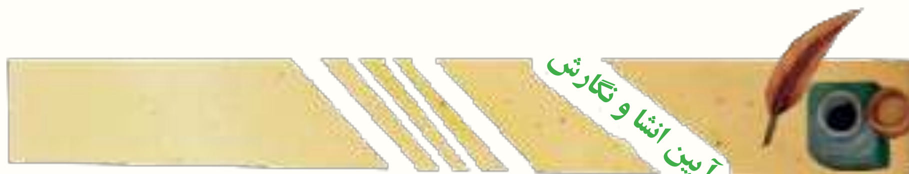
۴. قانون اساسی حق تعلیم و تربیهٔ مساوی، حق مزد مساوی را در برابر کار مساوی و بالاخره حق رأی دهی و رأی گیری واشتراک در انتخابات ریاست جمهوری و شورا را برای زنان تثبیت نموده است.

۵. زن به مثابهٔ یک مادر در پرورش و تربیت افراد جامعه نقش بارز و اساسی دارد و دارای حقوقی است، که برای شان محفوظ بوده و تمامی افراد جامعه مکلف اند؛ تا آن‌را رعایت نمایند.

۶. دین مقدس اسلام به زنان امتیازات زیادی قایل شده است و در آغاز طلوع خود، یکی از

برنامه‌های اساسی‌اش را بر مبنای بازستادن حقوق از دست رفتهٔ زنان قرار داد.

۷. دولت افغانستان و در مجموع مردم افغانستان باید به پیروی از دین مبین اسلام و ارشادات الهی و نبوی حقوق زنان را مراعات نمایند و فرصت آن را مساعد سازند تا زنان در عرصه‌های مختلف نقش سازندهٔ شان را ایفا نمایند.



ارکان نگارش

فن نگارش بر ارکانی استوار است، که اگر یکی آن از نظر انداخته شود، باعث نا به سامانی در نگارش می‌گردد. همان گونه که پایه‌ها در استواری بنایی مهم شمرده می‌شود، در صورت متزلزل شدن یکی، همهٔ آن بنا معروض به خطر انهدام و فروریختن می‌گردد، همان‌گونه بنای نگارش هم بر پایه‌های متن متکی است و هر رکنی از آن در جای خود حایز اهمیت بوده در استواری، رونق و روبنای کلی نگارش نقش ارزنده دارد.

ارکان نگارش در راه درک و فهم درست موضوع بسیار با ارزش است، همان گونه‌یی که هر حصهٔ یک عمارت برای هدف خاص جهت استحکام تزیین و نمای خارجی آن مورد نظر بوده، قبلاً طرح و پیریزی می‌شود، در نگارش نیز ارکان آن پیش از آغاز نگارش به‌طور واضح پیریزی گردد؛ پس برای هر نویسنده لازم است که نوشته‌اش را به فصل‌های چند تقسیم نماید، همین فصل‌های که ارکان نگارش را تشکیل می‌دهند چهار است:

۱. مقدمه
۲. آغاز مطلب
۳. شرح وبسط
۴. نتیجه

کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و در رابطه به حقوق زن در جامعه، یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.

۲. شاگردان یک یک نفر به نوبت در مورد نقش زن در خانواده سخنرانی کنند.

۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ ارکان نگارش با هم بحث و گفتگو نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.

۲. دربارهٔ تصویر زیر در کتابچه‌های تان متنی بنویسید.





۱. زن در جامعه دارای کدام حقوق می‌باشد؟
۲. امام غزالی در کیمیای سعادت کدام حدیث حضرت محمد ﷺ را آورده است؟
۳. حقوق زن را از نظر اسلام توضیح نمایید.
۴. قانون اساسی کشور کدام حقوق را برای زنان تثبیت کرده است؟
۵. زن در تربیت افراد جامعه چه نقشی دارد؟
۶. کنوانسیون هر نوع تبعیض علیه زنان در کدام سال به تصویب رسید؟
۷. کدام کشورها به کنوانسیون هر نوع تبعیض علیه زنان پیوستند؟
۸. فن نگارش بر کدام ارکان استوار است؟
۹. در نظر گرفتن کدام نکات مهم ما را کمک می‌کند، که در نگارش دارای سبک شویم؟



۱. در مورد هشتم مارچ، روز بین المللی زن معلومات تان را بنگارید.
۲. بیت زیر را حفظ کنید:

شیرین نشد چو زحمت مادر وظیفه‌یی   فرخنده تر ندیدم از این هیچ دفتری

پروین اعتصامی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. شعر کوشش و کامیابی از کیست؟
۲. این شعر در بر گیرندۀ کدام موضوع است؟
۳. پیام اصلی این درس چیست؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

کوشش و کامیابی

گفت پیغمبر که: بر رزق ای فتی / در فروبسته است و بر در قفل‌ها
جنبش و آمد شد ما اکتساب / هست مفتاحی برین قفل و حجاب
بی کلید این در کشادن راه نیست / بی طلب نان سنت الله نیست
مرغ را پر می‌برد تا آشیان / پر مردم همت است، ای مردمان
باز اگر باشد سپید و بی نظیر / چونکه صیدش موش باشد، شد حقیر
ور بود جغدی و میل او به شاه / او سر باز است منگر در کلاه
در طلب زن دایما تو هردو دست / که طلب در راه نیکو رهبر است
منگر اندر نقش زشت و خوب خویش / بنگر اندر عشق و بر مطلوب خویش
منگر این را که حقیری یا ضعیف / بنگر اندر همت خود، ای شریف
هر که رنجی برد، گنجی شد پدید / هر که جدی کرد، در جدی رسید
دست داده ستت خدا، کاری بکن / مکسبی کن، یاری یاری بکن
هر که او در مکسبی پا می‌نهد / یاری یاران دیگر می‌دهد
چون به انبازیست عالم بر قرار / هر کسی کاری گزیند زافتقار
طبل خواری در میانه شرط نیست / راه سنت کار و مکسب کرد نیست
میدود حمال زی بار گران / می رباید بار را از دیگران
جنگ حمالان برای بار بین / اینچنین است اجتهاد کار بین
چون گرانی‌ها اساس راحت است / تلخها هم پیشوای نعمت است
هر که در قصری قرین دولتی است / آن جزای کارزار و محنتی است

هر که را دیدی به زر و سیم فرد
دان که اندر کسب کردن صبر کرد

مثنوی- مولانا



* مثنوی معنوی: یکی از بزرگترین آثار ادبی جهان و متضمن بیست و هفت هزار بیت و دارای شش دفتر است. مثنوی معنوی نه‌تنها بزرگترین محصول اشعار و بهترین آیینهٔ افکار جلال الدین محمد بلخی می‌باشد؛ بلکه کاملترین دیوان تصوف زبان دری به شمار می‌رود؛ همچنان یکی از عالیترین شاهکارهای نبوغ و الهام بشر بوده روح عمیق، حرارت و شور، زیبایی، تعلیمات اخلاقی و آهنگ روحنواز، آن را از با ارزشترین کتاب‌ها ساخته است.

مثنوی حکایت‌های مسلسل منظومی دارد که مولانا با ذکر آن‌ها نتایج دینی عرفانی را به زبان ساده و از راه تمثیل و حوادث روز بیان می‌کند و به این ترتیب بسیاری از آیات قران کریم، احادیث نبوی و اخبار را به سبک عرفانی شرح و بیان می‌نماید.

* مولانا جلال الدین محمد بلخی: فرزند سلطان العلما بهاء الدین محمد بن حسین خطیبی بکری، بزرگترین شاعر عارف زبان دری است. وی در سال۶۰۴ هجری در بلخ تولد یافت. در سال ۶۱۷ هـ . ق. با خانواده‌اش از بلخ مهاجر شد، نخست به هرات سپس به نیشاپور و از آن‌جا به مکه و بالاخره به دعوت سلطان علاءالدین کیقباد دوازدهمین پادشاه سلجوقی به قونیه مرکز حکومت او رفت.

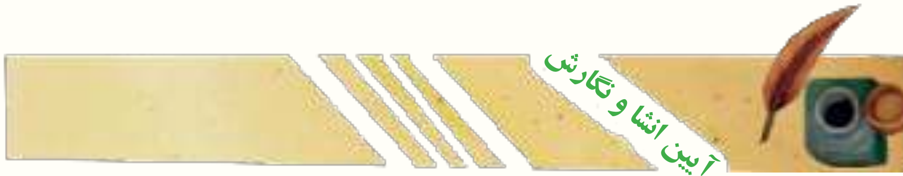
جلال الدین تحصیلات خود را نزد پدر آغاز کرد. پس از وفات پدرش از مجالس درس سید برهان الدین محقق ترمذی که از شاگردان پدرش بود کسب فیض نمود. نه سال از وی ارشاد گرفت. آنگاه به حلب و دمشق و سایر شهرهای سوریه سفر کرد و در آن‌جا اقامت گزید و اخذ معرفت و درک مجلس اصحاب طریقت نمود؛ سپس به قونیه برگشت و به تدریس مشغول شد.

مولانا روزی بر حسب اتفاق با شمس الدین علی بن ملک داد تبریزی بر خورد و این ملاقات در زنده‌گی وی تأثیر بزرگی داشت. حال مولانا دگرگون شده، ترک مدرسه کرد و پس از ریاضت‌ها در عالم عرفان به مقام بلندی رسید. وی در سال ۶۷۲ هجری در قونیه وفات نمود.

* شمس تبریزی صوفی شوریده حالی بود که سجیهٔ متبارز، جاذبهٔ بزرگ و بیان مؤثر داشت و با اهل ریاضت و درویشان و عارفان الفت مینمود. در حدود ۶۴۲ هـ . ق. به سراغ مولانا آمد و او را شیفتهٔ خود ساخت.

بیاموزیم

۱. انسان در اثر سعی و کوشش می‌تواند به قله‌های موفقیت و کامیابی برسد.
۲. همان‌گونه که پرنده توسط بالهایش به بلندی‌ها می‌رسد؛ انسان هم به وسیلهٔ همت خود می‌تواند به مقام بلند دست یابد.
۳. تا کسی رنج نبرد و زحمت نکشد به آسوده‌گی و راحت نمی‌رسد.
۴. انسان باید همواره برای رسیدن به هدف در جستجو و تلاش باشد.
۵. در حقیقت مشکلات اساس راحت بوده و همین مشکلات به ذات خود نعمت است که انسان را در مقابله با دشواری‌ها کمک می‌کند.
۶. کسی که به مقام و منزلت بالایی رسیده است؛ حتماً حاصل کار و زحمتکشی او بوده است.



۱.مقـدمـه: مقدمه باید مختصر و مربوط به موضوع مورد نظر بوده، با سایر مطالب نگارش پیوند داشته باشد؛ پس همین مقدمه است که خواننده را از خواندن منصرف می‌سازد، یا به خواندن وا می‌دارد که نوشته را تا آخر بخواند، پس مقدمهٔ ما باید طوری باشد که خواننده را به درون متن بکشاند و این وابسته‌گی به چگونگی استعمال و کاربرد کلمه‌ها دارد. مقدمهٔ رسا و جامع نوشته را وزین تر می سازد.

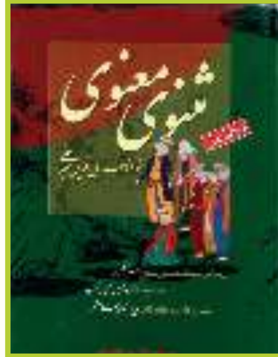
مقدمه را کوتاه بنویسیم چنان که با مطلب پیوند منطقی داشته باشد. در حقیقت فشردهٔ مطلب را در مقدمه ذکر کنیم؛ ولی نباید مطالب کلی را در مقدمه بیاوریم، که از جزالت و زیبایی نوشتهٔ ما بکاهد.

کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به سه گروه تقسیم شوند؛ سپس هر گروه در بارهٔ کوشش و کامیابی با هم گفتگو نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان نماید.
۲. چند شاگرد به نوبت در بارهٔ این که از کدام راه‌ها می‌توان به کامیابی دست یافت؟ در مقابل صنف سخنرانی نمایند.
۳. در دسته‌های پنج نفری در بارهٔ نوشتن مقدمهٔ متن با هم گفتگو نموده، نمایندهٔ هردسته خلاصهٔ مطالب را برای دیگران بیان نماید.
۴. شاگردان نظر به شوق و علاقهٔ شان به‌طور داوطلبانه در بارهٔ مولانا معلومات بدهند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر معلوماتی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.





۱. انسان چگونه می‌تواند در زنده‌گی کامیاب و موفق باشد؟
۲. در مکتب چگونه می‌توانید موفق باشید؟ نظر خود را بنویسید.
۳. سعی و تلاش پیام آور چیست؟
۴. مفهوم اساسی شعر خوانده شده را بیان نمایید.
۵. مولانا جلال الدین محمد بلخی کی بود؟
۶. مثنوی اثر کیست؟
۷. در نوشتن مقدمهٔ یک مطلب کدام نکته‌ها را باید در نظر داشت؟
۸. این بیت را تحلیل نمایید:

هر کــه رنجی بُرد، گنجی شد پدیــد
هر که جِدی کرد، در جَـدی رسیـــد



۱. شعر کوشش و کامیابی را که خواندید به نثر تبدیل نمایید.
۲. بیت زیر را حفظ نمایید:

چـون گـرانی‌ها اساس راحت است　　تلخ‌ها هـم پیشـوای نعمـت است

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس دوازدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. ابوالفضل بیهقی کی بود؟
۲. بیهقی در کدام عصر می‌زیست؟
۳. او چه کارهایی را انجام داد؟
٤. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
٥. تاریخ بیهقی چگونه اثر است؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

ابوالفضل بیهقی



ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی از ناحیهٔ بیهق خراسان بود. ولادتش در سال ۳۸۵ هجری در حارث آباد بیهق اتفاق افتاد. او اوایل عمر را در نیشاپور به تحصیل علم گذرانید و بعد از کسب تحصیل به دیوان رسایل سلطان محمود غزنوی راه جست و زیردست ابو نصر مشکان به کار پرداخت. بعد از مرگ استادش زیر دست «ابوسهل زوزنی»صاحب دیوان رسایل مسعود به کار اشتغال داشت و معلوم است،که در عهد مودود و عبدالرشید جانشینان مسعود خدمت می‌کرد. گویا در عهد این پادشاه به صاحب دیوانی رسید و پس از چندی به زندان افتاد و بعد از رهایی از زندان میل به انزوا کرد و در سال ۴۷۰ هجری در غزنین وفات یافت.

اثر معروف ابوالفضل بیهقی تاریخ مشهورش در شرح سلطنت آل ناصر یا آل سبگتگین بود در سی جلد که اکنون قسمتی از آن در بارهٔ سلطنت مسعود بن محمود و تاریخ خوارزم، از زوال دولت خوارزمشاهان آل مأمون تا غلبهٔ سلجوقی‌ها در دست است. وی کتابی دیگر به نام **زینة الکتاب** در آداب کتابت داشت.

تاریخ بیهقی از جملهٔ کتب معتبر دری است، که چه از نظر اطلاعات تاریخی و چه از حیث انشای فصیح و بلیغ و استادانهٔ خود مشهور می‌باشد و به همین سبب چندین بار چاپ گردیده است. اینک متنی از آن را به‌طور نمونه می‌خوانیم:

حکایتی از نصر بن احمد سامانی

چنان خواندم در اخبار سامانیان که نصر بن احمد سامانی هشت ساله بود، که از پدر بماند. احمد را به شکار گاه بکشتند، و دیگر روز آن کودک را بر تخت ملک بنشاندند به‌جای پدر. آن شیر بچه ملک زاده‌یی سخت نیکو برآمد و بر همه آداب ملوک سوار شد و بی همتا آمد؛ اما در وی شرارتی و زعارتی و سطوتی و حشمتی به افراط بود و فرمان‌ها عظیم می‌داد از سر خشم، تا مردم از وی در رمیدند و با این همه به خرد رجوع کردی و می‌دانست که آن اخلاق سخت ناپسندیده است.

یک روز خلوتی کرد با بلعمی که بزرگتر وزیر وی بود و ابو طیب مصعبی صاحب دیوان رسالت و هر دو یگانهٔ روز گار بودند در همه ادوات فضل و حال خویشتن به تمامی ایشان براند و گفت من می‌دانم این که از من می‌رود خطایی بزرگ است و لیکن با خشم خویش برنیایم، و چون آتش خشم بنشست پشیمان میشوم. چه سود دارد که گردن‌ها زده باشند و خانمان‌ها بکنده و چوب بی اندازه به کار برده تدبیر این کار چیست؟

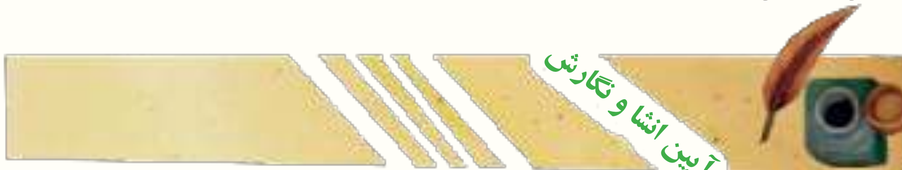
ایشان گفتند مگر صواب آن است که خداوند ندیمان خردمندتر ایستادند پیش خویش، که در ایشان با خرد تمام که دارند رحمت و حلم باشد، و دستوری دهد ایشان را تا بی حشمت، چون که خداوند در خشم شود، با افراط شفاعت کنند و به تلطف آن خشم را بنشانند و چون نیکویی فرماید آن چیز را در چشم وی بیارایند تا زیادت فرماید. نصر احمد را این اشارت سخت خوش آمد و گفت ایشان را بپسندید و گفت من چیزی دیگر برین پیوندم تا کار تمام شود و سخت سوگند خورم که هر چه من در خشم فرمان دهم تا سه روز آن را امضأ نکنند تا در این مدت آتش خشم من سرد شده باشد. آنگاه فرمود و گفت باز گردید و طلب کنید در مملکت من خردمند تر مردمان را و چندان که یافته آید به درگاه آرید، تا آن‌چه فرمودنی است بفرمایم. هفتاد و اند تن را به بخارا آوردند، که رسمی و خاندانی و نعمتی داشتند و از میان شان سه پیر خردمندتر فاضلتر و روزگار دیده تر را پیش احمد آوردند و احمد راز خویش با ایشان بگفت سوگندان سخت گران نسخت کرد به خط خویش و بر زبان براند و ایشان را دستوری داد به شفاعت کردن در هر بابی و سخن فراختر به گفتن. یک سال برین برآمد، نصر حنف قیس دیگر شده بود به حلم، چنان‌که بدو مثل زدند و اخلاق نا ستوده به یکبار از وی دور شده بود.



* نصر احمد سامانی سومین پادشاه سامانی از سال ۳۰۱ تا ۳۳۱هـ . ق. پادشاهی کرد.
* بلعمی وزیر نصر بن احمد سامانی بود نام مکمل او ابوالفضل محمد بن عبدالله بلعمی است.
* ابوطیب مصعبی شاعر معروف دورهٔ سامانی به شمار می‌رود.
* مراد احنف بن قیس تمیمی است، که در میان عرب به بردباری و عقل مشهور بود.

بیاموزیم

۱. ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی در سال ۳۸۵ هـ ق. درحارث آباد بیهق خراسان به دنیا آمد.
۲. بیهقی اوایل عمر را در نیشاپور به تحصیل علم گذرانید و بعد از کسب فضایل به دیوان رسایل سلطان محمود غزنوی راه یافت.
۳. اثر معروف ابوالفضل بیهقی تاریخ مشهورش در شرح سلطنت آل ناصر یا آل سبگتگین در سی جلد می‌باشد.



۲.چگونه متن را آغاز کنیم؟

پس از مقدمه نگارنده باید شروع به مطلب و موضوع نماید. آغاز مطلب باید چنان باشد که از مقدمه جدایی نگیرد. در قسمت موضوع هم نکاتی است که عمده و اساسی بوده اصل و ریشهٔ موضوع را تشکیل می‌دهد و مطالبی هم وجود دارد که در فرع می‌آید. از اینرو نویسنده باید موضوعات اصلی و فرعی را دسته بندی کرده آن‌هایی که شرح مطلب اند؛ در قسمت سوم نوشتهٔ خود توضیح کرده، در صورت امکان مثال‌هایی برای بیان مقصد بیاورد.

در آغاز متن چند نکته را در نظر داشته باشید:

۱. عنوان جالب به موضوع انتخاب کنید؛ مثلاً: جنایت بشر، دروغ شاخدار، بزرگترین راه...
۲. جمله را با یک سؤال آغاز کنید؛ مثلاً: آیا می‌خواهید از عهدهٔ نگارش مطالب برایید؟
۳. در جملهٔ اول ادعای عجیب را بیاورید؛ مثلاً: بشر به آسمان‌ها پرواز می‌کند.
۴. یک فکاهی یا حکایتی کوچک جالب و خنده آور را بیاورید.
۵. به یک ضرب‌المثل یا گفتار بزرگان یا سخن معروفی اشاره کنید.
۶. با یک بیت موضوع را آغازکنید.

کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان دو دو نفر در بارهٔ شخصیت ابوالفضل بیهقی با هم گفتگو نمایند.
۲. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس هرگروه در بارهٔ ارزش تاریخ بیهقی باهم تبادل نظر نموده، نمایندهٔ هر گروه نتیجهٔ بحث شان را به دیگران بیان نماید.
۳. شاگردانی که در مورد تاریخ نویسی معلومات بیشتر دارند، سخنرانی نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. راجع به تصویر زیر با در نظر داشت قواعد نگارش که خواندید، یک متن ادبی بنویسید.





۱. بیهقی را معرفی کنید.
۲. آثار بیهقی را نام برده، بگویید که تاریخ بیهقی دربرگیرندهٔ کدام موضوعات می‌باشد؟
۳. مفهوم حکایتی را که از تاریخ بیهقی خواندید به زبان ساده بیان نمایید.
۴. در نگارش آغاز یک متن،کدام نکات مهم را در نظر بگیریم؟



۱. دو تن از تاریخ‌نگاران معاصر کشور را در کتابچه خود معرفی نموده، روز آینده در صنف قرائت نمایید.
۲. بیت‌های زیر را حفظ کنید:

درخود آن بد را نمی‌بینی عیان ... ور نه دشمن بوده ای خود را به جان
مؤمنان آیینهٔ همدیگر اند ... این خبر از پیمبر می‌آورند

مولانا جلال الدین محمد بلخی

۳. متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده، آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. موزیم ملی برای اولین بار در کدام سال، در کجا و برای چه تأسیس شد؟
۲. در موزیم کدام چیزها نگه‌داری می‌گردد؟
۳. در اولین قانون اساسی کشور کدام کار مهم در رابطه به حفظ آثار تاریخی صورت گرفت؟
٤. افغانستان چه وقت عضویت یونسکو را حاصل نمود و دیگر در کدام ولایات موزیم ایجاد گردید؟
۵. جایزۀ شهزاده کلاوس را کی و برای چه بدست آورد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

موزیم ملی



موزیم ملی افغانستان برای اولین بار در سال ۱۲۹۷ هجری خورشیدی در منطقۀ باغ بالای کابل، برای نگه‌داری آثار تاریخی تأسیس شد. در سال‌های اولیۀ تأسیس این موزیم که در آن دوران «عجایب‌خانه» نام داشت، فقط بعضی از آثار تاریخی مثل نسخه‌های خطی قرآن کریم، صنایع دستی، آثار برجای مانده از جنگ‌های دوران حصول استقلال و بعضی کتاب‌های نایاب در آن نگه‌داری می‌شد.

در ۲۵ عقرب سال ۱۳۰۳هجری خورشیدی، موزیم ملی افغانستان از باغ بالا به ارگ کابل منتقل شد و به شکل رسمی توسط امان الله خان افتتاح گردید. در اولین قانون ا ساسی افغانستان که در زمان امان الله خان به تصویب رسید، یک مادۀ مفصل بر حفریات و حفظ آثار تاریخی و تشکیل محلی برای نگه‌داری آثار تاریخی کشور اختصاص داده شد.

بر اسا س این قانون، مقرر شد که «شعبۀ حفریات و موزه» زیر نظر وزارت معارف فعالیت کند. از مهمترین کارهای این شعبه، کشف آثار تاریخی، حراست از این آثار و انتقال آن‌ها

به موزیم ملی بود.

محمد علی کهزاد مؤرخ و باستان شناس افغان یکی از کسانی بود، که در کنار کاوشگران خارجی به جستجوی آثار تاریخی می‌پرداخت. کشف برخی مواضع و آثار تاریخی افغانستان مرهون تلاش‌های او بوده است.

عضویت در یونسکو

در دورهٔ حکومت محمد ظاهر شاه، افغانستان به عضویت سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی ملل متحدیونسکو پذیرفته شد. با توجه به این که سرزمین افغانستان از نظر تاریخی مهم و دست نخورده باقی مانده بود، توجه کاوشگران کشورهای مختلف به سوی این کشور جلب شد. در این دوران، بعضی از آثار تاریخی موزیم ملی در فهرست آثار تاریخی یونسکو به ثبت رسید و کاوشگرانی از فرانسه، ایتالیا، آلمان و شوروی سابق، برای کشف آثار تاریخی افغانستان به کشور ما آمدند.

در زمان حکومت سردار محمد داوود خان و با کشف آثار مهم تاریخی که هر روزه از دل خاک بیرون کشیده می‌شد و به موزیم ملی در کابل منتقل می‌گردید، این موزیم به یکی از گنجینه‌های مهم منطقه تبدیل شد. از ویژه‌گی‌های مهم موزیم ملی افغانستان این بود که تمام آثار به نمایش گذاشته شده در آن، از داخل کشور کشف گردیده بود.

آثار موزیم

برجسته‌کاری‌های مرمرین بودایی، عاج هندی، آثار سنگی متعلق به ماقبل تاریخ، برنزهای رومی، مسکوکات دوره‌های مختلف، مجسمه‌های قبل از میلاد، بخشی از آثار موزیم ملی را تشکیل می‌دهد.

آثار تاریخی از دوران صدر اسلام نیز بخش دیگری از موزیم را تشیکل می‌داد، که از مهم ترین این آثار می‌توان به قرآن کریم به خط کوفی منسوب به قلم حضرت عثمان بن عفان رضی‌الله‌عنه خلیفهٔ سوم اسلام، آیاتی از قرآن مجید منسوب به خط حضرت امام حسن و نیز به قرآن کریم خط کوفی که در سال‌های ۱۳۳۴ هـ.ش. در شهر «غلغله» کشف شده بود اشاره کرد.

از مهمترین آثار هنری دیگر موزیم ملی افغانستان می‌توان به آثار میناتوری از استاد

کمال‌الدین بهزاد اشاره کرد.

با توجه به کثرت آثار کشف شده، علاوه بر کابل در شهرهای هرات، میمنه، غزنی، بلخ و قندهار نیز چند موزیم به‌وجود آمد، که موزیم هرات با بیش از ۴۰۰۰ اثر تاریخی، بیشترین آثار را در خود جای داده بود.

عمراخان مسعودی از مسؤولان موزیم کابل با چند تن از همکارانش توانست که با تلاش مسلکی و وطن‌دوستانهٔ خود در دوران جنگ‌های تحمیلی بیش از بیست هزار اثر موزیم را به جاهای امن منتقل کرد، تا از بین نرود.

وی در سال ۱۳۸۴ خورشیدی جایزهٔ جهانی «شاهزاده کلاوس» هالند را به خاطر نجات آثار موزیم افغانستان دریافت کرد. وی نهمین دریافت کنندهٔ جایزهٔ شاهزاده کلاوس به شمار می‌رود.

موزیم ملی افغانستان اکنون در دارلامان قرار دارد که تا سال ۱۳۷۱هـ ش. نزدیک به ۱۰۰ هزار اثر تاریخی را در خود جای داده و یکی از جاذبه‌های توریستی مهم افغانستان به حساب می‌آمد. در ساختمان بازسازی شدهٔ موزیم ملی افغانستان اکنون نزدیک به ۴۰ هزار اثر قرار دارد که در میان آن‌ها آثار برجای مانده از دوره‌های یونان- باختری، کوشانیان و دورهٔ اسلامی به چشم می‌خورد.

مجسمه‌های بودا و کتیبهٔ سرخ کوتل از مهمترین آثار موجود، در موزیم ملی افغانستان است که توجه هر بیننده‌یی را به خود جلب می‌کند.

کار باز سازی این موزیم با هزینهٔ ۳۵۰ هزار دالر در سال ۲۰۰۳ میلادی آغاز شد و یک سال بعد به پایان رسید.



* موزیم از کلمهٔ یونانی((mousein)) موزیون گرفته شده، در ابتدا برای معابد یونانیان به کار برده می‌شد؛ اما با گذشت زمان برای مکان یا محلی که در آن آثار مقدس و گران‌بها نگه‌داری می‌شد به کار می‌رفت؛ ولی اکنون موزیم، محل و یا جایی را گویند که در آن آثار تاریخی و باستانی خیلی با ارزش که نمایانگر تاریخ و فرهنگ جامعه بوده و مربوط ادوار مختلف تاریخ یک کشور می‌باشد؛ جهت حفظ و نگه‌داری در آن‌جا گذاشته می‌شود تا از خطر ضایع شدن مصون باشد.

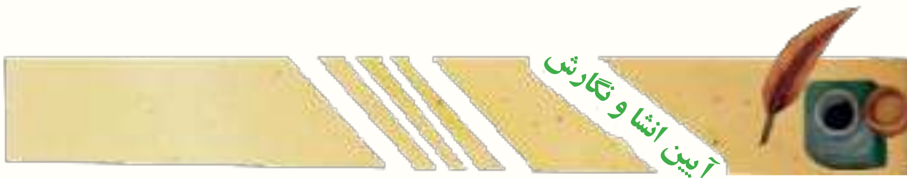
بیاموزیم

۱. موزیم ملی افغانستان برای اولین بار در سال ۱۲۹۷ هـ . ش. در منطقهٔ باغ بالای کابل، برای نگه‌داری آثار تاریخی تأسیس شد.

۲. در دورهٔ حکومت محمد ظاهر شاه، افغانستان عضویت سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی یونسکو را حاصل کرد و بعضی از آثار تاریخی موزیم ملی در فهرست آثار تاریخی یونسکو به ثبت رسید.

۳. برجسته‌کاری‌های مرمرین بودایی، عاج هندی، آثار سنگی متعلق به ماقبل تاریخ، برنزهای رومی، مسکوکات دوره‌های مختلف، مجسمه‌های قبل از میلاد، بخشی از آثار موزیم ملی را تشکیل می‌دهد.

۴. با توجه به کثرت آثار کشف شده، علاوه بر کابل در شهرهای هرات، میمنه، غزنی، بلخ و قندهار نیز چند موزیم به‌وجود آمد که موزیم هرات بیش از ۴۰۰۰ اثر تاریخی را در خود جای داد.



۳. شرح و بسط موضوع

شرح و بسط مهمترین و اساسی ترین قسمت نگارش به حساب می‌آید. واضح است که مخلوط کردن این عناصر در نگارش ناپسند بوده از زیبایی مطلب می‌کاهد.

در درس گذشته در بخش آیین انشا و نگارش خواندیم که نکات و مفاهیم اساسی مطلب که به شرح و بسط کافی ضرورت دارد، باید توسط نویسنده، موضوعات اصلی و فرعی دسته‌بندی گردیده موضوعاتی که قابل شرح اند؛ توضیح شوند، در صورت امکان مثال‌هایی برای بیان مقصود آورده شود. مطلبی که بیان می‌گردد، باید با ارائهٔ دلایل منطقی به صورت روشن و آشکار توضیح داده شود تا خواننده، مقصود و پیام موضوع را به آسانی دریابد و به مشکل مواجه نگردد. شرح مطالب آنقدر هم زیاد و طولانی نباشد که باعث ملال خاطر خواننده گردد.

نویسنده بعد از توضیح مطلب با مهارت خاص موضوعی را که گسترده است با یک ارتباط دقیق، موضوعات را جمع بندی نموده به یک نتیجه‌گیری کلی از بحث برسد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ اهمیت موزیم ملی کشور با هم گفتگو نمایند.
۲. چند تن از شاگردان در مورد مسؤولیت‌های دولت و مردم برای حفاظت آثار تاریخی و جلوگیری از قاچاق آن سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر با استفاده از قواعد نگارش که خواندید متنی بنویسید و شرح و بسط موضوع را در آن نشان دهید.





۱. موزیم از کدام کلمه گرفته شده و به کدام مفاهیم به کار رفته است؟
۲. در مورد تأسیس موزیم ملی کشور چه می‌دانید؟
۳. کدام آثار در موزیم نگه‌داری می‌گردد؟
۴. عمرا خان مسعودی کیست و چه کار مهم را انجام داده است؟
۵. امروز چقدر ازآثار تاریخی در موزیم ملی باقی مانده است و مربوط کدام دوره هاست؟
۶. در نگارش یک مطلب شرح و بسط موضوع چقدر مهم پنداشته می‌شود؟



۱. در بارهٔ اهمیت آثار تاریخی نظریات تان را بنویسید.
۲. بیت‌های زیر راحفظ نمایید:

علم بال است مـــرغ جانـت را — بر سـپهـر او بـرد، روانـت را
علم دل را به‌جای جان بـاشد — سـر بی علم بد گمان بـــاشد
دل بی علم چشم بی نور است — مرد نادان ز مردمی دور است

اوحدی مراغه یی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس چهاردهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. متن درس در بر گیرندۀ خاطرۀ کدام شخص است؟
۲. از بین متن کدام مشکلات معلولین را در جامعه در می‌یابیم؟
۳. برخورد نادرست مردم را با معلولین چگونه ارزیابی می کنید؟
٤. از لابلای درس کدام نکات مهم و با ارزش اخلاقی را می‌یابید؟

در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

من هم مانند شما هستم



من هم مانند شما یک انسان استم. هم غم را می‌شناسم و هم خوشی را می‌دانم که چیست؟ من هم مثل شما می‌دانم، که چه خوب و چه بد است. فرق افرادی مثل من و شما انسان‌هایی که از سلامت کامل برخوردارید، فقط در این است که ما به دلایل گوناگون یکی از اعضای بدن خود را از دست داده ایم و به نام معلول شناخته می‌شویم. بعضی افراد مانند من در اول انسان‌هایی سالمی بودند؛ ولی اکنون بر اثر عوامل ناخواسته درد معلول بودن را تحمل می کنند.

پس ای انسان‌هایی که در سلامتی قرار دارید، به خصوص آنانی‌که عیب معلول بودن ما را بسیار ظالمانه به رخ ما می‌کشید و ما را می‌آزارید، بدانید که ما شما را دوست داریم و می‌توانیم مثل شما در پیشرفت جامعه به نحوی سهم بگیریم.

ای انسان‌های سالم، آیا شما گاهی فکر کرده اید که چرا عده‌یی می‌کوشند معلولیت ما را به رخ بکشند؟ آیا خود شما از این جمله بوده اید؟ و یا اینکه اگر خود چنین نبوده اید؛ اما در برابر این چنین عمل غیر اخلاقی بی تفاوت بوده، هرگز برای اصلاح این روحیه تلاش و اعتراض نکرده اید؟

دوستان من، اجازه دهید خاطرۀ خود را برای‌تان بنویسم. این خاطره هم تلخ است و هم شیرین. هم در آن نا امیدی را راه است و هم امید را سهمی.

«روزی در خانه‌یی مهمان شدیم. تصادفاً در جمع مهمانان، ما دو نفر معلول بودیم. صاحب خانه با مهربانی از ما استقبال کرد. مهمانان پیوسته می‌آمدند؛ اما هر کسی که از راه می‌رسید، اولین نگاهش ما را نشانه می‌گرفت؛ البته نباید بی انصاف بود و هر نگاه را نشان تحقیر و اهانت دانست. بعضی از مهمانان با ترحم بما می‌دیدند؛ اما بسیاری بدون آن که چیزی بر زبان بیاورند از حضور ما دلشاد نبودند.

مهمانی آغاز شده بود؛ اما به جز صاحب خانه که گاهی از ما خبری می‌گرفت، همهٔ مهمانان در حلقه‌های خود نشسته بودند. فقط ما دو نفر که هر دو معلول بودیم، مجبور شدیم سر صحبت را بین خود بگشاییم. در این هنگام پیرمردی با موهای سفید وارد محفل شد. همه به احترام او برخاستند. او در حالی که با سر سلام همه را علیک می‌گفت؛ از کنار همه گذشته و مستقیم به سوی ما آمد. در چوکی خالی کنار ما نشست و با ما دست داد. چند دقیقه نگذشته بود، که دو سه مهمان دیگر وارد خانه شدند، یکی از مهمانان که می‌خواست ما صدایش را نشنویم به آن‌ها گفت: بیایید در پهلوی این‌ها منشینید.

پیرمرد وقتی این سخن را شنید، خطاب به آن مرد با صدای آرام گفت: برادر عزیز، من و تو هم اگر به حادثه‌یی گرفتار آییم امکان دارد به این مشکل مواجه شویم؛ مگر ما انسان‌ها را به خاطر دست و پای و چشم شان احترام می‌گذاریم یا به خاطر فکر و انسانیت شان؟ ما همه انسان هستیم و کرامت انسان مهمتر از همه چیز می‌باشد.

مهمانی که آن حرف را زده بود از گفتهٔ خود خجل شده و ساکت گردید. پیرمرد با صدای بلند در حالی که تمام حاضران را مورد خطاب قرار داده بود گفت: خواهران و برادران گرامی که در این مهمانی حضور دارید، بیایید از همین جا درس بگیریم. باید انسانی که به هر دلیلی معلول شده است، چرا معلول بودنش بر جسته شده و تمام عمر از آن رنج بکشد؟ انسان‌های معلول از نظر حقوق انسانی و احترام اجتماعی نه‌تنها که هیچ کمی ندارند؛ بلکه اراده و کار بعضی از آن‌ها نشان می‌دهد، که نسبت به بسیاری از انسان‌های سالم به جامعه و اطرافیان خود بیشتر مفید واقع گشته اند.

کسی که معلولیت یک شخص را به رخش می‌کشد و عوض خطاب آن انسان به نام و یا حرفه و مهارت او، با عیب جسمی طبیعی و یا عیبی که از حادثه‌یی پیدا کرده، صدایش می‌کند در حقیقت خود از نظر اخلاقی معیوب و معلول است.

مهمانان گفته‌های پیر مرد روشن ضمیر را مورد تصدیق قرار می‌دادند. یکی از مهمانان که خانم جوانی بود، خطاب به پیرمرد گفت: «پدر محترم من به یاد ندارم، که در زنده‌گی کدام انسان را به خاطر معلول بودنش مورد توهین قرار داده باشم و از این جهت خود را در کمال آرامش وجدان حس می‌کنم.»

پیر مرد در جوابش گفت:«بلی دختر عزیزم! تو انسان بسیار خوبی هستی؛ اما با وجود آن این کار تو کافی نیست. هر انسان نه‌تنها به معلولین توهین نکند؛ بلکه بکوشد به دیگران نیز بفهماند که اهانت به معلولین اهانت به انسانیت است. کسی‌که خود توهین نمی‌کند؛ اما در برابر توهین دیگران به معلولین بی تفاوت می‌ماند و بدان اعتراض نمی‌کند، خواسته یا نخواسته در آن گناه شریک می‌گردد. برای ما دین مقدس اسلام و قوانین انسانی آموخته است که همه انسان‌ها را از نظر کرامت انسانی یک‌سان پنداشته به کمک هر انسان نیازمند بدون چشمداشت پاداشی بشتابیم.»

بلی چنین بود که صحبت‌های آن پیرمرد بر مهمانان تأثیر گذاشته در پایان مهمانی، ما خود را با دیگران یکجا یافتیم. این خاطره که با اندوه شروع شده بود. با خوشحالی برای من باقیمانده است.

فاروق فارانی



* متنی را که خواندید، یک متن تحلیلی و در عین حال آموزشی و تربیتی است. ضرورت پاکسازی فکری، اخلاقی و معنوی جامعه مطالبی را طلب می‌کند، که آن‌را به نام تحلیل موضوعات فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی یاد می‌کنند. این نوع بحث‌ها را فلسفهٔ عملی نیز مینامند که همان مبحث اخلاق را در بر می‌گیرد.

اجزای تحلیل بحث اخلاق و پرداختن به مشکل معلولین در جامعه در طی این نوشته معرفی گردید و از سوی دیگر باید بدانیم که خاطره و خاطره‌نویسی بخشی از ادبیات داستانی می‌باشد و هر داستان دارای مقدمه، طرح موضوع، حل مشکل و نتیجه‌گیری می‌باشد، که در این داستان طرح مسأله، خاطرهٔ خاص یک معلول بود، پرورش داستانی موضوع، طرح، حل مشکل و نتیجه‌گیری از موضوع معلولین به عنوان یک مشکل سراسری انسانی صورت گرفت و دریافتیم که معلولین در جامعه مانند سایر انسان‌ها حق کامل دارند؛ نباید به آن‌ها صرف ترحم نماییم؛ چرا که انسان‌ها همه نه به خاطر اعضای وجود شان؛ بلکه بر پایهٔ اندیشه و کرامت انسانی خود محترم اند. پس چرا یک عده از انسان‌های ناآگاه با معلولین آن طوری که شایستهٔ شان است بر خورد نمی‌کنند؟

ما باید توجه جدی داشته باشیم که به برخورد ناشایسته با معلولین نپرداخته و مهمتر از

آن مانع شویم که انسان‌های معلول از جانب کسان دیگری مورد توهین قرار نگیرند و بدانیم که مشکل معلولین در جامعه تنها به خود شان مربوط نبوده؛ بلکه این مشکل مربوط تمام جامعه انسانیست. ما منحیث یک انسان وظیفه داریم تا در مقابل بی توجهی به معلولین هرگز خاموش نباشیم.

بخوانیم و بدانیم

۱. انسان‌های معلول از نظر حقوق انسانی از سایر انسان‌ها کم نیستند؛ بلکه اراده و کار بعضی از آن‌ها نشان می‌دهد که نسبت به افراد سالم در جامعه بیشتر مفید واقع شده اند.

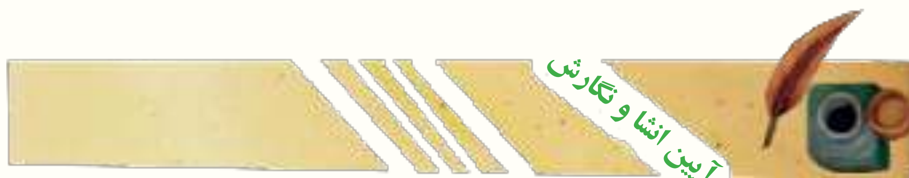
۲. ما انسان‌ها را به خاطر فکر و انسانیت شان احترام می‌گذاریم.

۳. ما همه انسان هستیم و کرامت انسان مهمتر از همه چیز می‌باشد.

۴. کسی‌که خود توهین نمی‌کند؛ اما در برابر توهین دیگران به معلولین بی‌تفاوت می‌ماند و بدان اعتراض نمی‌کند، در آن گناه شریک می‌گردد.

۵. یکی از ارزش‌هایی اخلاقی این است که در جامعه با تمام انسان‌ها برخورد نیک داشته به شخصیت آن‌ها احترام داشته باشیم.

۶. انسان‌های آگاه با معلولین چنان رویه‌یی می‌نمایند، که هرگز آن‌ها احساس کمبود نکنند.



٤. نتیجـه: در هر نوع نگارش چه کوتاه باشد چه طولانی، نتیجه‌گیری از مطلب مورد نظر حتمی است. نتیجه خلاصهٔ نگارش را باید در بر داشته باشد؛ البته حسن ختام آن است، که نویسنده سخن خود را با الفاظ نرم، ملایم و دلکش به پایان برساند؛ زیرا آخرین چیزی که از نوشته در ذهن خواننده باقی می‌ماند، همان نتیجه است. ازین رو لازم است، که نتیجه به صورت موجز در برگیرنده و مناسب همهٔ موضوع باشد. اگر ایجاب می‌کرد با یک تبصرهٔ شاعرانه یا یک بیت آن را خاتمه بخشید.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و در رابطه به این که چگونه باید با انسان‌های معلول برخورد کرد؟ یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.
۲. شاگردان یک یک نفر به نوبت نتیجهٔ درس را بیان کنند.
۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ نتیجه‌گیری در نگارش با هم بحث و گفتگو نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.
۴. چند شاگرد به نوبت پیام اصلی درس را بیان نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در بارهٔ تصویر پایین در کتابچه‌های‌تان متنی بنگارید و نتیجهٔ کلی آن را مشخص نمایید:





۱. چرا اصلاح جامعه و مردم در چگونگی برخورد با معلولین ضرور است؟
۲. آیا بی توجهی و سکوت ما در برابر کسانی که برخورد نا درست با معلولین می کنند، صحیح است؟
۳. چگونه می‌توان به کرامت انسانی سایر انسان‌ها احترام گذاشت؟
۴. زمانی‌که پیرمرد، پهلوی افراد معلول نشست، می‌خواست چه را برای سایر مهمانان سرمشق قرار دهد؟
۵. آیا اعتراض آن پیرمرد به کسانی که حرف‌های ناشایست را به کار برده بودند درست بود؟
۶. آیا دین مقدس اسلام و اصول انسانیت اجازه می‌دهد که ما به انسان‌های معلول به خاطر مشکلی که دارند توهین نماییم؟
۷. کسانی که به معلولین اهانت روا می‌دارند و مشکل‌شان را به رخ‌شان می‌کشند چگونه انسان‌هایی اند؟
۸. نتیجه‌گیری در نگارش چه سود دارد؟



۱. اگر خاطرۀ پیرامون معلولین دارید بنویسید و یا در بارۀ بر خورد تان با معلولین معلومات دهید.
۲. بیت‌های زیر را به حافظه بسپارید:

بنی آدم اعضای یکدیگر انـد — که در آفرینش ز یک گوهراند
چو عضوی به درد آورد روزگار — دگـر عضوها را نمانـد قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی — نشاید که نامت نهنـد آدمـی

سعدی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس پانزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. ازدیاد نفوس شهری و تراکم وسایط ترانسپورتی چه تأثیرات مثبت و منفی را در قبال دارد؟
۲. محیط چگونه آلوده می‌گردد؟
۳. آلوده‌گی محیط زیست چه تأثیری روی زنده‌گی موجودات زنده می‌گذارد؟
٤. برای جلوگیری از آلوده‌گی محیط زیست چه باید کرد؟
۵. وظایف و مسؤولیت‌های ما، در حفظ محیط زیست کدام هاست؟

در پایان معرفی، سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

حفظ محیط زیست



ازدیاد نفوس شهری، انکشاف صنایع، استخراج معادن، تراکم و سایط ترانسپورتی، ایجاد تأسیسات فلزکاری و غیره. از یک سو امکانات رفاه و آسایش را برای بشر فراهم آورده است؛ از سوی دیگر موجب ضرر به محیط گردیده، زنده‌گی انسان‌ها و سایر موجودات زنده را تهدید می‌نماید. اکنون معلوم گردیده است که ازدیاد نفوس شهری، فعالیت‌های صنعتی، ترانسپورتی و بهره برداری از ذخایر طبیعی را افزایش داده و موازی به آن آلوده‌گی آب، هوا و حتا خاک نیز افزایش یافته است. تجربه نشان می‌دهدکه در شهرهای بزرگ جهان؛ مانند: لندن، توکیو و برخی از شهرهای ایالات متحدهٔ امریکا هزاران تن از رهگذر آلوده‌گی هوا و تعداد بیشماری ازحیوانات بحری و بری از اثر آلوده‌گی آب و هوا جان خود را از دست داده اند.

برای جلوگیری از آلوده‌گی محیط زیست و عواقب ناگوار آن در اکثر کشورهای جهان برنامه‌های وسیع روی دست بوده و در حال تطبیق است. برخی از این کشورها مسایل مربوط به محیط زیست را در نصاب تعلیمی مکاتب شامل نموده، سعی می‌نمایند که هر فرد جامعه به نوبهٔ خود از خصوصیات محیطی خود آگاه بوده در حفظ و نگهداشت آن سهیم باشد.

درکشور ما افغانستان مشکلات زیادی؛ مانند: تخریب زمین‌های زراعتی، توسعهٔ صحرا، محدود شدن منابع آبی، قطع جنگل‌ها، محو و نابودی حیات وحش و بالآخره آلوده‌گی مناطق شهری دامنگیر مردم بوده، روز تا روز به آن افزوده می‌شود.

چند دهه جنگ این وضعیت را بیشتر از پیش وخیمتر ساخته است. فرش ماین‌ها، مهاجرت‌ها تخریب خانه‌ها، دهکده‌ها، مکاتب، چشمه‌ها، کاریزها، قطع و حریق جنگل‌ها، قطع درختان کنار جاده و صدها عوامل دیگر اند که به مشکلات محیطی این سرزمین افزوده است. اگر وضع بدین منوال ادامه یابد، ممکن است فاجعه‌یی رخ دهد، که غیر قابل جبران باشد؛ بنابرآن بهتر است که همه اعم از ارگانهای دولتی، مؤسسات غیر دولتی، سازمان‌های اجتماعی و حتا اشخاص و افراد مسلکی دست به‌دست هم داده یک فضای سالم محیطی را فراهم سازند.

مشکلات محیط زیست در افغانستان بسیار زیاد است، که تعدادی از آن‌ها را یاد آور می‌شویم و راه‌های حل آن را جستجو می‌نماییم.

نبود سیستم کانالیزاسیون که منشأ اصلی آلوده‌گی آب و هوا در شهرها می‌باشد؛ سبب بروز امراض ساری گردیده، صحت و سلامت شهروندان را به مخاطره می‌اندازد. نبود شبکه‌های آب‌رسانی یکی از مشکلاتی است که در اغلب شهرهای کشور به مشاهده می‌رسد. شهروندان بیشتر از چاه‌های آب استفاده می‌نمایند. این چاه‌ها نسبت این که به نظافت آن‌ها توجه لازم صورت نمی‌گیرد. بعضاً آلوده گردیده، مشکلات صحی را بار می‌اورد؛ هم‌چنان در بسیاری از شهرها مردم از وسایط ترانسپورتی خیلی کهنه و پر دود استفاده می‌نمایند. این نوع موترها که روز تا روز به تعداد آن‌ها افزوده می‌شود، هوای شهرها را آلوده ساخته، مزاحمت‌های زیادی را در جریان زنده‌گی مردم به بار می‌آورند.

عدم علاقه به ایجاد کمربندهای سبز محافظوی و یا احداث جنگل‌ها در اراضی برهنه و عاری از فرش درخت همچنان مسأله‌یی است که کشور ما را از مزایایی فرش‌های سبز نباتی بی بهره می‌سازد. قسمت اعظم ساحهٔ کشور، دشت، کوه و یا صحرا است به منظور ایجاد محیط سالم، نیاز به طرح و تطبیق پلان‌های وسیع جنگل کاری می‌باشد که باید مورد توجه قرار گیرد.

راه‌های جلوگیری از مشکلات محیط زیست

۱. منع قطع تمام جنگل‌های طبیعی
۲. منع شکار حیوانات وحشی به خصوص حیواناتی که در معرض انقراض قرار دارند.
۳. ایجاد و توسعهٔ شبکه‌های کانالیزاسیون و شبکه‌های آب آشامیدنی در شهرها.
۴. تجهیز وسایط نقلیه به و سیلهٔ فلترهای تصفیه.
۵. طرح و تطبیق پلان‌های و سیع برای گسترش جنگل در اطراف شهرها و ساحات برهنه.

در کشور ما که سیستم کانالیزاسیون رواج ندارد؛ از بیت الخلاهای آزاد استفاده می‌شود. گاهی این بیت الخلاها به کوچه‌ها سرازیر گردیده، محیط کوچه را که محل عبور و مرور مردم و جای بازی اطفال است؛ آلوده می‌سازد. علاوه برآن بسیاری از خانواده‌ها عادت دارند، که مواد زاید غذایی، خاک جاروب و صابون آب را که منبع فاسفیت بوده و خیلی مضر است؛ روی کوچه‌های عمومی میندازند، که این خود به آلوده‌گی محیط خانه‌ها و کوچه‌های عمومی میفزاید. این آلوده‌گی در اثر باران‌های تند، آب‌های جوی‌ها، دریاها و حتا چاه‌ها را که همه روزه مورد استفادهٔ مردم قرار دارد آلوده می‌سازد امراض گوناگون را که صحت و سلامت انسان را به مخاطره میندازد به بار می‌آورد.

این موضوع را باید بدانیم، که خداوندﷻ در زمرهٔ هزاران نعمت بزرگ خویش که برای بشر ارزانی فرموده، یکی هم ماحول و محیط زیست سالم انسان است که بشر باید به بهترین وجه از آن سود برده و شکر نعمت هایش را به‌جا آورد.

با پیشرفت ساینس و تکنالوژی در قرن بیستم این موضوع واضح گردید که علم و تکنالوژی اگر از یک‌طرف رفاه و آسایش را به ارمغان آورده از سویی دیگر چهرهٔ مداخله‌های بشر را بر طبیعت برملا ساخته که اثرات سوء و ناگوار آن، بقای انسان را به خطر مواجه می‌سازد. دانشمندان محیط زیست پس از تحقیقات اثرات ناگوار مداخلات انسان را بر طبیعت به دیدهٔ شک و تردید نگریسته و اعلام نمودند؛ اگر مداخلات انسان در طبیعت بدین منوال ادامه یابد، بقای بشر بر روی کرهٔ زمین به خطر مواجه می‌گردد.

و ظایف و مسؤولیت ما در برابر محیط زیست

به منظور زنده‌گی با سعادت و آیندهٔ درخشان وظیفهٔ تمام مردم است، که در حفظ محیط زیست سهم ارزنده داشته باشند، اگر بخواهیم با جهان رقابت سالم داشته باشیم، ضرور پنداشته می‌شود که موضوع محیط زیست را در نظر داشته و در حفظ آن سعی نماییم. تخریب و آلوده‌گی محیط زیست دو قسم صورت می‌گیرد: یکی آلوده‌گی طبیعی و دوم تخریب محیط زیست توسط انسان.

پس باید در جهت حفظ محیط زیست توجه جدی مبذول گردد. از قطع جنگلات جلوگیری به عمل آمده، مردم از انداختن کثافات به روی سرک‌ها و کوچه‌ها خودداری نمایند و در پاک نگه‌داشتن محیط خانه، مکتب، کوچه و شهر تلاش همه جانبه نموده صحت و

سلامت خود و هموطنان خود را تضمین کنند. می‌باید همهٔ شهروندان به ارزش و اهمیت محیط زیست پی برده و با در نظر داشت این موضوع که حفاظت از محیط زیست وظیفهٔ اسلامی و وطنی هر فرد می‌باشد وظایف و مسؤولیت خود را در برابر کشور ادا نمایند.

بیاموزیم

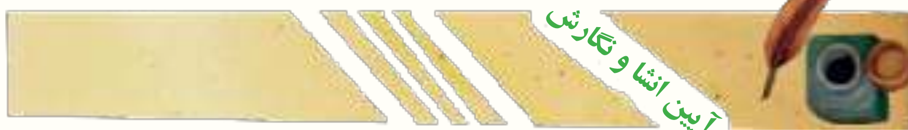
۱. با ازدیاد نفوس شهری فعالیت‌های صنعتی، ترانسپورتی و بهره برداری از ذخایر طبیعی افزایش یافته و موازی با آن آلوده‌گی آب، هوا و حتا خاک نیز افزایش می‌یابد.

۲. در افغانستان مشکلات زیادی؛ مانند: تخریب زمین‌های زراعتی، توسعهٔ صحرا، محدود شدن منابع آبی، قطع جنگل‌ها، محو و نابودی حیات وحش و آلوده‌گی محیط زیست دامن‌گیر مردم این سرزمین بوده، روز تا روز به این مشکل افزوده می‌شود.

۳. به منظور زنده‌گی با سعادت و آیندهٔ درخشان وظیفهٔ تمام مردم است، که در مسایل و موضوعات محیط زیست سهم ارزنده داشته باشند.

۴. باید در زمینهٔ حفظ محیط زیست توجه جدی مبذول گردد. از قطع جنگل‌ها جلوگیری به عمل آمده، مردم از انداختن کثافات بروی سرک‌ها و کوچه‌ها خودداری نمایند.

۵. باید به ارزش و اهمیت محیط زیست پی برده، با در نظر داشت این موضوع که حفاظت از محیط زیست وظیفهٔ، اسلامی و وطنی هر فرد می‌باشد وظایف و مسؤولیت خود را در برابر کشور ادا نماییم.



تنوع در نگارش فقره‌ها و جمله ها

در نگارش، صورت جمله‌ها و فقره‌ها باید از هر نظر متنوع باشد. در برخی صنوف ابتدایی شاگردان در اثنای حکایت یا نوشتن یک یا دو حرف ربط؛ مانند و، باز... را پیوسته و تکرار در هر جا به کار می‌برند. این عادت تکرار، خوش‌آیند نیست؛ زیرا نوشتهٔهای شان را خسته‌کن می‌سازد؛ بنابراین در نوشتن باید تنوع در ترکیب کلمه‌ها، فقره‌ها و جمله‌ها در نظر گرفته شود. با آنکه فقره‌ها منظم و مرتب باشد؛ اگر از جملات طولانی پر پیچ ترکیب گردیده باشند، خسته‌کن جلوه می‌کنند؛ پس باید از جملات مختلف (جمله‌های ساده، پرسشی، امری و...) استفاده کرد. تنوع در نگارش فقره‌ها و جمله‌ها نوشتهٔ ما را زیبا ساخته، ما را به حیث یک نویسندهٔ موفق در جامعه تثبیت می‌کند.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در رابطه به حفظ محیط زیست، یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.
۲. شاگردان یک یک نفر به نوبت در مورد مشکلات محیطی سخنرانی نمایند.
۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارۀ تنوع در نگارش فقره‌ها و جمله‌ها با هم بحث و گفتگو نموده؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.
۴. چند شاگرد به نوبت در مورد راه‌های حل مشکلات محیطی نظریات شان را ابراز نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در بارۀ تصویر زیر در کتابچه‌های تان یک متن ادبی بنویسید و در نگارش آن تنوع در فقره‌ها و جمله‌ها را رعایت نمایید.





۱. آلوده‌گی محیط زیست چه تأثیری بالای زنده‌گی موجودات زنده می‌گذارد؟
۲. عوامل ایجاد مشکلات محیط زیست در افغانستان کدام‌ها اند؟
۳. کدام راه‌های حل را برای رفع مشکلات محیطی باید در نظر گرفت؟
۴. تخریب و آلوده‌گی محیط زیست به چند قسم صورت می‌گیرد؟
۵. چگونه می‌توانیم سهم خود را در حفاظت محیط زیست ادا نماییم؟
۶. تنوع در نگارش فقره‌ها و جمله‌ها چه تأثیری روی نوشتهٔ ما دارد؟
۷. چه باید کرد تا نوشتهٔ ما خسته‌کن جلوه نکند؟



۱. مشکلات محیط زیست در منطقهٔ تان را لست نموده راه‌های حل آن را پیشنهاد نمایید.
۲. بیت زیر را حفظ نمایید:

بـی آزاری و راستـی بـرگـزین   چو خواهی که یابی به داد آفرین

فردوسی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سؤال‌های زیر باشد:

۱. پروین اعتصامی کی بود و از چند ساله‌گی به سرودن شعر پرداخت؟
۲. اندیشه‌های او چگونه در اشعارش انعکاس یافته است؟
۳. او در شعر از کی پیروی می‌کرد؟
٤. اولین دیوانش در کدام سال توسط کی به چاپ رسید؟
۵. پروین در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
٦. اشعار او را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

پروین اعتصامی



پروین اعتصامی شاعر نامدار معاصر از سخنوران توانای شعر فارسی دری است. وی در سال ۱۲۸۵ هـ ش. در خانواده‌یی که اهل علم و ادب بودند در ایران متولد شد. جدش میرزا ابراهیم خان مستوفی و پدرش یوسف اعتصام‌الملک نویسنده و مترجم چیره‌دستی بود که برعلاوهٔ زبان مادری‌اش به زبان‌های ترکی، عربی و فرانسوی نیز تسلط کامل داشت.

پروین در کودکی همراه پدر به تهران رفت و به تحصیل ادامه داد. و از سن سیزده ساله‌گی به سرودن شعر پرداخت از همان سن، استادان و صاحب نظران از قریحهٔ سرشار و استعداد عالی او دچار حیرت می‌شدند. طلوع کوکب درخشان طبع پروین در آسمان ادب پارسی شگفت‌انگیز بود.

پروین در قصاید خود ازحیث الفاظ پیرو شاعران قرن پنجم و ششم به خصوص ناصر خسرو بلخی است و در قطعات و مثنوی‌های پر ارزش و غزل‌ها و غیره سخن او بیشتر رنگ سخن عراقی را دارد و غالباً ساده و روان است؛ اما اندیشه‌های وی، نو و متضمن نکات مهم اجتماعی، اخلاقی و انتقادی است. تمثیلات نغز و اندرزهای حکیمانهٔ او در همهٔ آثارش مایهٔ اعجاب خواننده می‌شود. او در غالب آثار خویش به حیث مادری مهربان است که با فرزندان دلبند خود سخن می‌گوید و به نصیحت و اندرز آن‌ها می‌پردازد. پروین اعتصامی

در خلق مناظرها و پرسش‌ها و پاسخ‌هایی‌که غالباً میان اشخاص، اشیا، جانوران و گیاهان ترتیب می‌دهد و از آن طریق به نتایج اخلاقی می‌رسد دست توانایی داشته است. روح انسان دوستی، مهربانی و شفقت را می‌توان از سطر سطر اشعار او دریافت. پروین منادیِ اخلاق، تهذیب نفس و عزت انسانی بود. شعرش زمزمهٔ درس محبت است. وی تقریباً در همهٔ آثارش شاعر حقیقت جو و واقع بین بوده و درک او نسبت به مبدأ حیات روشن و تحت تأثیر اعتقادات دینی و اندیشه‌های عرفانی می‌باشد.

نخستین دفتر شعر پروین اعتصامی در سال۱۳۱۴ هـ. ش. به همت برادرش انتشار یافت و بی درنگ نظر محافل ادبی، به خصوص زنان را که رفته رفته برای شرکت جستن در امور اجتماعی به عرصهٔ جامعه وارد میشدند، به خود جلب کرد و سبب تشویق آن‌ها گردید. دیری نگذشت که پروین در شمار معروفترین سخنوران زمان خود قرار گرفت و اشعارش قبول عام شد. پروین سرانجام در سال۱۳۲۰هـ. ش. به بیماری حصبه (محرقه) مبتلاشده در سن ۳۵ ساله‌گی وفات یافت و در شهر قم به خاک سپرده شد.

نمونهٔ سخن

در آن سرای که زن نیست، اُنس و شفقت نیست
در آن وجود که دل مرد، مرده است روان
به هیچ مبحث و دیباچه یی، قضا ننوشت
برای مرد کمال و برای زن نقصان
زن از نخست بود رکن خانهٔ هستی
که ساخت خانهٔ بی پای بست و بی بنیان؟
زن ار به راه متاعب نمی‌گداخت چو شمع
نمی شناخت کس این راه تیره را پایان
چو مهر،گرکه نمی‌تافت زن به کوه وجود
نداشت گوهری از عشق، گوهر اندرکان
فرشته بود زن، آن ساعتی که چهره نمود
فرشته بین، که برو طعنه میزند شیطان
اگر فلاطون و سقراط، بوده اند بزرگ
بزرگ بوده پرستار خردی ایشان
به گاهوارهٔ مادر، به کودکی بس خفت
سپس به مکتب حکمت، حکیم شد لقمان
چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه
شدند یکسره، شاگرد این دبیرستان

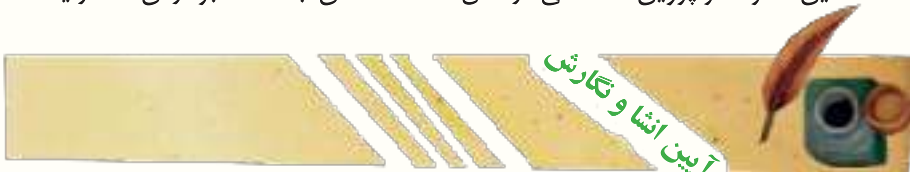
حـدیث مـهـر، کجـا خـوانـد طفـل بـی‌مـادر؟
نـظام و امـن، کجـا یافـت مـلک بی سلـطـان؟
وظیفهٔ زن و مرد، ای حـکیـم، دانـی چـیسـت؟
یکـی است کشتـی و آن دیــگـری کشتیبــان
چـو نـا خداست خـرد مـند و کشتی‌اش محکم
دگـر چه بـاک ز امـواج و ورطــه و تــوفـــان
بــه روز حــادثــه، انـدریـم حــوادث دهــــر
امیـد سعـی و عمـل هاست هم از ین هـم ازآن
هــمیشه دخــتـر امـروز، مــادر فــرداسـت
ز مـــــادر اســت مـیسر، بـزرگـــی پــسران
اگــر رفــوی زنــان نـکــو نبـــود، نـداشـت
بـه جــز گسیخته‌گی، جــامـهٔ نـکـو مـــردان
تـوان و تـوش ره مـرد چـیست، یـــاری زن
حطـام و ثــروت زن چـیست مـهــر فـرزنـدان
زن نـکـوی، نـــه بـانـــوی خانه تنها بـــود
طبیـب بـود و پــرسـتـار و شحــنـه و دربــان
بـه روزگـار سلامـت، رفــیـق و یـار شـفــیق
بـــه روز سانـحـه، تیمــارخـــوار و پشتیبــان
ز بیـش و کم، زن دانــا نـکـرد روی تــــرش
بــه حـرف زشـت، نـیالـود نیک‌مـرد دهـــان
چه زن، چه مرد،کسی شـد بـزرگ و کــامروا
که داشت میوه‌یی از بــاغ عــلـم، در دامــان
زنــی کـه گـوهـر تعـلـیم و تـربیت نخـــریـد
فــروخـت گـــوهــر عـمـر عــزیـــز را ارزان
کسی است زنده که از فضل، جامه‌یی پـوشـد
نـه آن کـه هیچ نیــرزد، اگـــر شـود عـریـان
چه حلهٔیی است گــران تـر زحیلـت دانـش؟
چه دیبــه‌یی است نـکــوتــر زدیبهٔ عرفــان؟
نـه بـانو است کـه خــود را بزرگ می‌شمـرد
بــه گـوشـواره و طــوق و بـه یـارهٔ مــرجــان
چو آب و رنگ فضیلت به چهره نیست، چه سود
ز رنــگ جـامـهٔ زربـفـت و زیـــور رخــشان
بـرای گـردن و دســـت زن نـکـو، پـرویـــن
سزاست گـوهـر دانش، نـه گــــوهـر الـــوان



* ناصر خسرو بلخی یکی از شاعران و نویسنده‌گان قرن پنجم هجری به شمار می‌رود، وی در سرودن اشعار تعلیمی که حاوی پند و اندرز است دست بالایی داشته است.
* عراقی: فخرالدین ابراهیم متخلص به عراقی از غزل‌سرایان و عارفان قرن هفتم هجری بود،که مجموع اشعارش به ۵۸۰۰ بیت می‌رسد.
* لقمان حکیم: بعضی از مؤرخان او را پسر کاکای ابراهیم علیه‌السلام می‌دانند. نام او در قرآن کریم صریح آمده است و به حکمت منسوب است.

بیاموزیم

۱. پروین اعتصامی شاعر نامدار معاصر ایران از سخنوران توانای شعر فارسی دری است. وی در سال ۱۲۸۵ هـ‌ش. در خانواده‌یی که اهل علم و ادب بودند پا به عرصهٔ هستی نهاد.
۲. او از سن سیزده ساله‌گی به سرودن شعر پرداخت و همواره استادان و صاحب‌نظران از قریحهٔ سرشار و استعداد خارق العادهٔ او دچار حیرت می‌شدند.
۳. اندیشه‌های وی نو و متضمن نکات مهم اجتماعی، اخلاقی و انتقادی است، تمثیلات نغز و اندرزهای حکیمانهٔ او در همهٔ آثارش مایهٔ اعجاب خواننده می‌شود.
۴. پروین منادی اخلاق، تهذیب نفس و عزت انسانی بود.
۵. نخستین دفتر شعر پروین اعتصامی در سال ۱۳۱۴ هـ. ش. به همت برادرش انتشار یافت.



انتخاب واژه و تعبیر

هر معنایی را می‌توان در نگارش به تعبیرهای گوناگون بیان کرد. در انتخاب تعبیر مناسب، چند شرط را باید رعایت کرد: نوع نوشته، مخاطب، مقصودی که در نظر است. در نوشته‌های علمی، واژه‌ها و تعبیرات به معنای حقیقی خود به کار می‌روند؛ اما در نوشته‌های خیال انگیز، از جمله شعر و داستان، گاهی به حکم ضرورت، تعبیرهای غیر مستقیم؛ مانند: مجاز، کنایه و تمثیل را باید برتر شمرد؛ مثلاً: در نوشته‌های علمی شب همان شب است؛ ولی در شعر زلف به شب تشبیه می‌گردد و یا جهالت و نادانی به تاریکی شب مانند می‌شود.

در هر زبانی، الفاظی هست که دلالت به نمادی(سمبول) دارد؛ مانند: کبوتر (صلح)، باز(جنگ)، نرگس(خود شیفته‌گی، شوخ چشمی)، مورچه(سخت کوشی)، یخ (سردی و سکوت) خارا (سختی)؛ همچنین گاهی، به‌جای نام بردن از چیزی، عنوانی به کار می‌برند که صفت شاخص آن چیز است و ردالتعبیرخوانده می‌شود؛ مثل: شاه ستاره‌گان(خورشید)، عروس آسمان(ماه) مهتر عالم (حضرت رسول اکرم ﷺ، دبیر فلک (عطارد) و....

کاربرد این گونه واژه‌ها و تعبیرات، نوشتهٔ ما را زیبا و جالب می‌سازد.

بهره‌جویی از مثل‌ها نیز هم سخن را رنگین و هم معانی را خوش گوار می‌نماید. مثل‌ها در هر زبانی بارهای فرهنگی دارند، که سوابق اساطیری، تاریخی، آداب، رسوم و باورهای مردمی را منعکس می‌سازند.

بهره‌گیری درست از گنجینهٔ لغوی برای آراستن سخن به شرطی میسر است که با مناسبات انواع کلمات آشنا باشیم؛ مثلا: بدانیم چه صفتی را به چه موصوف می‌توان نسبت داد یا چه فعلی را در چه بافتی می‌توان به کار برد؛ همچنین باید مترادفات، متضادها، نمادها، ردالتعبیرها را شناخت و هر عنصر جمله را در جای مناسب آن به کار برد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند، در مورد شخصیت ادبی پروین اعتصامی و چند تن از شاعران زن در ادبیات دری بحث و گفتگو نمایند و از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده نتیجه را به دیگران انتقال دهد.

۲. چند تن از شاگردان به نوبت در مورد نقش زنان در ادبیات سخنرانی نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.

۲. در بارهٔ تصویر زیر با در نظر داشت قواعد نگارش که در بالاخواندید، متن ادبی بنویسید.





۱. در مورد زنده‌گی پروین اعتصامی و فعالیت‌های ادبی وی چه می‌دانید؟
۲. شعری را که از پروین اعتصامی خواندید در مورد چه بود؟
۳. مفهوم شعر پروین اعتصامی را طور خلاصه بیان کنید؟
۴. نگارش علمی و ادبی از لحاظ کاربرد واژه‌ها چه تفاوت دارد؟
۵. در انتخاب مناسب تعبیرات کدام شرایط را باید رعایت کرد؟
۶. ردالتعبیر چیست با مثال واضح سازید؟
۷. چگونه می‌توان از گنجینهٔ لغوی در آراستن سخن استفاده نمود؟



۱. شعری را که خواندید به نثر تبدیل کنید.
۲. بیت زیرین را حفظ نمایید:

نرگس از چشم تو دم زد بر دهانش زد صبا　　　درد دندان دارد اکنون می‌خورد آب از قلم

صایب تبریزی

۳. متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس هفدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های پایین باشد:

۱. نقش انسان در اجتماع چگونه ثابت می‌شود؟
۲. تبعیض در جامعه چه پیامدهایی را در قبال دارد؟
۳. دین مبین اسلام چه نقشی را در زنده‌گی انسان‌ها از نظر تفاهم ایفا نموده است؟
٤ پیام اصلی درس چیست؟

در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

تفاهم و همدیگر پذیری



تابستان بود، خورشید گرمتر از هر وقت می‌درخشید. روزهای زیبایی بود، من و بچه‌های هم‌سن و سالم در صنف دهم درس می‌خواندیم. همه روزه با شوق و علاقهٔ فراوان به طرف مکتب روان می‌شدیم و درس‌ها را با دقت زیاد دنبال می‌کردیم. در صنف ما بچه‌های با هوش و با استعداد زیاد بودند هر یک تلاش می‌کردند تا از دیگرا ن پیشی بگیرند. آن‌چه فضای صنف را بر هم می‌زد جنگ و جدال بچه‌ها بود. در میان همه طارق، رجب علی، تیمور و حسن بیشتر باهم درگیر بودند. آن‌ها در مکتب و بیرون از مکتب همواره به جنگ می‌پرداختند. این حالت مرا سخت آزار می‌داد. هر چند من و احمد کوشش می‌کردیم که آن‌ها را بفهمانیم تا از جنگ و جدال دست بکشند؛ اما هیچ سودی نداشت.

روزی معلم داخل صنف شد و بچه‌ها را پریشان یافت و با بسیار مهربانی پرسید: شاگردان عزیز، چرا همهٔ تان پریشان به نظر می‌رسید؟ بچه‌ها بدون این که لب به سخن بگشایند سر

بر زیر انداخته خاموش ماندند. معلم با زیرکی موضوع را دنبال کرد تا آن که به اصل موضوع پی برد و با این پرسش درس را آغاز کرد.
شاگردان عزیز، چگونه می‌توانید باهم در فضای برادری، برابری، تفاهم و همدیگر پذیری زنده‌گی نمایید؟
شاگردان جواب‌های مختلف دادند. معلم درس را چنین آغاز نمود:

انسان موجودی است اجتماعی، هیچ انسانی را نمی‌توان دریافت که دور از اجتماع به تنهایی زنده‌گی نماید این امر ناممکن است. زمانی نقش انسان در اجتماع ثابت می‌گردد، که در برابر هم‌نوعانش مهربان بوده، حس انسان دوستی را در نهاد خود تقویه نماید و بدون در نظر داشت زبان، مذهب، قوم، ملیت و نژاد با تمام انسان‌ها برخورد نیک داشته در فضای برادری، برابری، اتفاق و اتحاد با تفاهم و همدیگر پذیری زنده‌گی کنند؛ زیرا همهٔ انسان‌ها در جامعه دارای حقوق مساوی می‌باشند.

یکی از اساسات عمدهٔ خود ارزشی خویش را به حیث یک انسان با دیگران مساوی دانستن است. در جامعه‌یی که انسان‌ها به اساس قوم، طبقه، رنگ، نژاد و جنسیت از حقوق شان محروم ساخته می‌شوند و ارزش کرامت انسانی را نمی‌دانند؛ در حقیقت اینگونه تبعیض باعث ایجاد بدبینی، حساسیت و تنفر شده عواقب ناگوار را در قبال دارد. در این حال صلهٔ رحم، درک حالت و مجبوریت‌های طرف مقابل و واقعبینی ضعیف می‌شود، یا از بین می‌رود. در اثر ضعیف شدن درک حالت طرف مقابل است که از حقوق حقهٔ آن چشم‌پوشی می‌شود.

دین مبین اسلام در سلسلهٔ ادیان سماوی یگانه دینی است که با طرح و پیریزی اساسات بشردوستانه، اجتماعات بشری را به وسیلهٔ عاطفه و ترحم با هم وصل نموده و تقویه روحیه بشر دوستی را راه مهم و اصل با اهمیت تنظیم و بهبود حیات اجتماعی می‌داند.

تاریخ به و ضاحت نشان می‌دهد که در دوره‌های قبل از اسلام انسان‌ها در دریای پرتلاطم ظلم و بیداد، اسارت و برده‌گی، خونریزی و آدمکشی و دیگر مفاسد اخلاقی دست و پا می‌زدند تا آنکه آفتاب درخشان اسلام جهان را روشن گردانید و به انسان‌ها درس نوع پروری، بشردوستی، همدیگرپذیری و صلح و صفا آموخت و به پیروان خود امر نمود که برادروار با هم زنده‌گی نمایند. قبل از بعثت حضرت محمد مصطفیﷺ فرزندان عرب تشنه به خون یکدیگر بودند. قبیلهٔ دشمن قبیلهٔ دیگری بود و همچنان در خانواده‌ها سلسله جنگ‌هایی آشتی ناپذیر و طولانی موجود بود؛ اما وقتیکه حضرت محمدﷺ مبعوث شدند نه‌تنها به خون ریزی‌های ناحق پایان داده شد؛ بلکه رشتهٔ محکم دیگری را نیز با خود آورد که عبارت از دین بود و این رشته محکم توانست اقوام از هم دور و متفرق را باهم وصل

نماید. بین قبایل مختلف چنان رابطهٔ برقرا کرد که مردم عداوت‌های دیرنهٔ خود را کنار گذاشتند.

خداوندﷻ می‌فرماید: «ای مؤمنان، از خداوند بزرگ بترسید چنانچه می‌باید. ممیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید. به دین خداوند با اتفاق و اتحاد متمسک شوید و از تفرقه خود داری نمایید و نعمت پروردگار را که به شما ارزانی فرموده به یاد آرید آن وقت که با هم دشمن بودید. پس خداوند در دل‌های تان الفت و محبت انداخت و در اثر آن میان شما رشتهٔ اخوت و برادری بر قرار گردید.» [آل عمران: ۱۰۲- ۱۰۳]

حضرت نبی کریم ﷺ فرموده اند: رابطهٔ مسلمان بامسلمان مانند دیواریست که بعض آن با بعضی دیگر آن استحکام می‌یابد؛ یعنی هم‌چنان‌که خشت‌های دیوار با هم پیوند و ارتباط دارد و به تخریب برخی از آن، عمارت با خطر انهدام مواجه می‌شود، مسلمانان هم در صورت تفرقه و عدم تعاون با یکدیگر، نظام اجتماعی خود را از دست داده در منجلاب بدبختی به سوی تباهی سقوط می‌نمایند.

از این حدیث مبارک پیامبر اسلام، نوع دوستی، اتحاد و اتفاق اسلام هویداست، که بنیاد انسانیت به نوع دوستی و برادری استوار می‌باشد بدون در نظر داشتن این اصل کاخ حیات اجتماعی استحکام نخواهد یافت. نوع دوستی، نفع رسانی به هم‌نوعان، زیست باهمی، معاونت با تهی دستان، احترام متقابل و سایر محاسن اجتماعی از اساسات دین مقدس اسلام به شمار می‌رود.

پس باید همهٔ ما در خانواده، مکتب و بالاخره در سطح اجتماع با تفاهم و همدیگر پذیری زنده‌گی نماییم. زنده‌گی در فضای صمیمیت، دوستی، اتحاد و اتفاق سبب پیشرفت و ترقی کشور ما می‌گردد. بدین ترتیب ما رسالت خود را در برابر وطن و مردم به حیث یک فرد مسلمان ایفا می‌نماییم.

زمانی‌که درس به پایان رسید بچه‌ها به اشتباه خود پی بردند و هر کدام خود را ملامت نمودند. طارق، تیمور، رجب علی و حسن که بیشتر از همه خود را مقصر می‌دانستند؛ از یک دیگر معذرت خواستند و همدیگر را در آغوش گرفتند و در مقابل همه عهد بستند که کوشش می‌کنند تا همدیگر را درک کرده با تفاهم مشکلات شان را حل نمایند. بچه‌ها همه درس معلم را مؤثر دانستند و تفاهم و همدیگر پذیری را سر مشق زنده‌گی خویش قرار دادند. من بی‌اندازه خوشحال شدم و همان روز گویا در لباس نمی‌گنجیدم و با خوشی تمام به طرف خانه روان شدم.

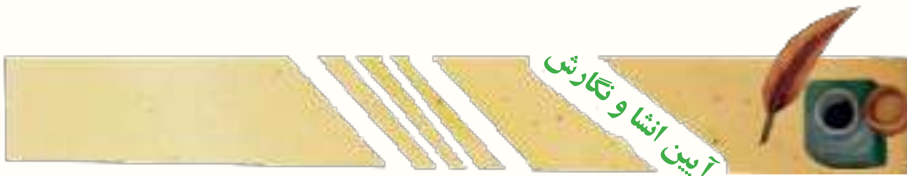
بیاموزیم

۱. انسان موجودیست اجتماعی، زمانی نقش انسان در اجتماع ثابت می‌گردد، که در برابر هم‌نوعانش مهربان بوده، حس انسان دوستی را در نهاد خود تقویه نماید.

۲. دین مبین اسلام یگانه دینی است که با طرح و پیریزی اساسات بشر دوستانه اجتماعات بشری را به وسیلهٔ عاطفه و ترحم با هم وصل نموده و تقویهٔ روحیهٔ بشر دوستی را راه مهم و اصل با اهمیت تنظیم و بهبود حیات اجتماعی می‌داند.

۳. نوع دوستی، نفع رسانی به هم‌نوعان، زیست باهمی، معاونت با تهی دستان، احترام متقابل و سایر محاسن زنده‌گی اجتماعی از اساسات دین مقدس اسلام به شمار می‌رود.

۴. مسلمان واقعی کسی است، که بدون در نظر داشت زبان، مذهب، قوم، ملیت و نژاد با تمام انسان‌ها برخورد نیک داشته در فضای برابری، اتفاق و اتحاد با تفاهم و همدیگر پذیری زنده‌گی نماید.



کار برد دقیق کلمه‌ها: در نگارش هر قدر کلمه‌ها و لغت‌ها را بیشتر بدانیم کار ما آسانتر می‌گردد؛ باید از تفاوت کلمه‌ها آگاهی داشته باشیم.

وقتی می‌توانیم خوبتر و بهتر توجه خواننده را جلب کنیم که حاکمیت خویش را بر زبان بیشتر سازیم و نکتهٔ دیگر آن است که بر اهمیت تفاوت بین کلمه‌ها آگاهی داشته باشیم و ذوق به‌کار بردن کلمه‌های دقیق را در خود انکشاف دهیم. بین کلمه‌های که یک معنای مشترک دارند تشخیص و امتیاز قایل شویم. این کار در نتیجهٔ مطالعه و تمرین حاصل می‌گردد. هر قدر کلمه‌ها را در جای معین به کار بریم و در کاربرد کلمه‌ها در نگارش دقیق باشیم نوشتهٔ ما زیبا می‌شود.

چند نکته را باید در نظر داشت:

۱. پیشوندها و پسوندها و ریشه‌های معروف را باید آموخت. چنین معلومات در به کار بردن کلمه‌های دقیق و حصول معنای کلمه‌های غیر مأنوس ما را کمک می‌کند.

۲. وقتی معنای کلمه‌یی در کتاب لغت یا فرهنگ دیده می‌شود، کلمه‌های مترادف، متضاد،

و مشابه آن نیز مطالعه گردد.

۳. لغت‌هایی را که تازه در هنگام مطالعه با آن برمی‌خوریم باید در کتابچه یادداشت بگیریم.

۴. کوشیده شود که کلمه‌ها و اصطلاحات علمی را در یک هفته و کلمه‌های فلسفی را در هفته دیگر و به همین قسم کلمه‌های مختلف را در هفته‌های ما بعد مطالعه و یادداشت بگیریم.

۵. تبدیل نمودن نظم به نثر و بر عکس آن. این روش ذخیرهٔ لغت را زیاد می‌سازد؛ زیرا گاهی شخص مجبور می‌شود فکر یک جملهٔ نثر را در نظم به یک کلمه افاده کند و با نثر کردن شعرها کلماتی را دریابد که معانی و تفسیرهای هیجانی شاعر را به‌طور واضح نشان دهد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به سه گروه تقسیم شوند؛ سپس هر گروه در بارهٔ تفاهم و همدیگر پذیری با هم گفتگو نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان نماید.

۲. دو شاگرد به نوبت در بارهٔ مزایای همدیگر پذیری در مقابل صنف سخنرانی نمایند.

۳. در گروه‌های پنج نفری راجع به کاربرد کلمات در نگارش صحبت کنید. و نمایندهٔ هر گروه خلاصهٔ مطالب را برای دیگران بیان نماید.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود املا بنویسید.

۲. در مورد تصویر زیر متنی بنویسید و با در نظر داشت درس آیین نگارش در کاربرد کلمات دقت نمایید.





۱. شاگردان چرا با هم جنگ و جدال می‌کردند چی باعث شد تا آن‌ها به اشتباه شان پی ببرند؟
۲. در ترجمهٔ آیتی که خواندید خداوندﷻ بیشتر روی کدام موضوع تأکید نموده است؟
۳. بنیاد انسانیت به چه استوار است؟
۴. کدام موضوعات اساسات دین مقدس اسلام را تشکیل می‌دهد؟
۵. از درس چه نتیجه گرفتید؟
۶. در درسی که خواندیدکدام نکته بیشتر حایز اهمیت بود؟
۷. در کدام صورت می‌توانیم حاکمیت خود را بر زبان بیشتر سازیم؟
۸. تبدیل نمودن نظم به نثر، در نگارش چه تأثیر دارد؟
۹. کدام نکات را در به کارگیری کلمات در نگارش رعایت نماییم؟



۱. در مورد اینکه در بین اعضای خانواده تفاهم ایجاد شود، کدام راه‌ها را پیشنهاد می‌کنید؟ شماره وار بنویسید.
۲. بیت پایین را حفظ نمایید:

پس زبان محرمی خود دیگرست
همـدلـی از همزبـانی بهترسـت
مولانا

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس هجدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سؤال‌های زیر باشد:

۱. در گذشته بلخ به کدام نام‌ها یاد می گردید؟
۲. شهر بلخ به وسیلهٔ کی‌ها ویران شد؟
۳. بلخ از لحاظ فرهنگی چگونه شهر ی بوده است؟
٤. بلخ مرکز کدام مدنیت بود؟
۵. از چهره‌های برجستهٔ بلخ نام ببرید.
٦. در بارهٔ شهر مزار شریف چه می‌دانید؟

در پایان معرفی، سؤالها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

بلـخ باستـان



بلخ یکی از ولایت‌های باستانی کشور ما است که به نام‌های ام البلاد (مادر شهر ها) قبة الاسلام، بلخ بامی و شهر شاهان اساطیری و پیشدادی معروف است. این شهر از لحاظ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در طول قرن‌ها اهمیت فراوان داشته است.

بلخ که روزگاری باختر نامیده می‌شد، یکی از شهرهای مشهور و آبادان جهان بود. این شهر به وسیلهٔ سربازان چنگیزکاملاً ویران و مردمش قتل عام گردید و دیگر نتوانست آن عظمت پارین خود را باز یابد. خرابه‌های بلخ قدیم اکنون ناحیهٔ وسیعی را اشغال کرده‌است.

بلخ منطقهٔ حاصلخیز و نقطهٔ پیوند برای بازرگانی میان شرق و غرب، و نیز برای بیش از هزار سال، محلی برای تبادلات بازرگانی و هنری بود.

ده قرن قبل از میلاد در افغانستان تمدن باشکوه با روش‌های اجتماعی و اقتصادی وجود داشت و هنر در جامعه راه خود را گشوده بود.

پادشاهان قدیم بلخ عبارت بودند از: پیشدادیان، کیانیان، اسپه‌ها که در شاهنامه فردوسی و روایات مؤرخان نیز از آن‌ها یاد شده است. اگر به گذشته نظر کوتاهی بیندازیم در می‌یابیم، که آریانای کهن در محور شهر باستانی بلخ مدنیت درخشان پنجهزار ساله را داشت. مدنیتی که شامل افغانستان کنونی، هند، فارس (ایران) و آسیای میانه میگردید. قبل از گسترش دین مقدس اسلام، مدنیت آریایی به عنوان یکی از تمدن‌های باستانی در تاریخ قدیم جهان همیشه بحث‌های علمی دارد. بلخ مرکز و آغازگر زبان اوستایی و دین زردشتی بود. زردشت خود اهل و متولد شهر بلخ بود و به قول بیشتر مستشرقین زادگاه زردشت را بلخ، که در گذشته به نام بخدی یاد می‌شد، می‌دانند.

بنا بر روایتی بنیادگذار بلخ، جمشید یَما بوده‌است. در زمان‌های پیش از اسلام بلخ مرکز و آغازگر زبان اوستایی و دین زردشتی بود و در دوره‌های فرمانروایی خاندان موریایی هند و کوشانیان از مراکز دین بودایی و محل معبد معروف «نو بهار» بود.

اولین حملهٔ مسلمانان به بلخ در سال ۶۵۲ م. (۳۲ هـ . ق.) به سرکرده‌گی احنف بن قیس صورت گرفت. بلخ در سال ۴۳ هـ . ق. دوباره به تصرف مسلمانان درآمد؛ ولی در زمان قتیبهٔ بن مسلم(متوفی۹۶ هـ . ق.) بود که کاملاً مغلوب آنان شد. در دورهٔ اعراب، بلخ همراه با هرات، نیشاپور و مرو یکی از چهار رکن خراسان بود. در سال ۱۱۸ هـ . ق. اسد بن عبدالله قسری پایتخت خراسان را از مرو به بلخ منتقل کرد و این شهر رونق یافت.

عمرو لیث صفاری نزدیک بلخ مغلوب اسماعیل سامانی شد و به قتل رسید و بلخ تحت سلطهٔ سامانیان درآمد. در سال ۴۵۱ هـ . ق. سلجوقیان تصرفش کردند و در دورهٔ تیموریان ۹۱۱ هـ . ق. تا اندازه‌یی شکوه گذشته را باز یافت؛ ولی پس از بنای مزارشریف در بیست کیلومتری آن، بلخ رو به انحطاط گذاشت.

امروز در ولایت بلخ که یکی از ولایات شمال افغانستان و مرکز آن شهر مزار شریف است به فاصلهٔ تقریباً بیست کیلومتر به سوی شمال در کنار شاهراه بلخ – جوزجان شهر کوچک بلخ موقعیت دارد. این شهر کوچک همان شهرباستانی بلخ است که باکلمهٔ ویدی بهاکری رابطه داشته و این کلمه بعدها در زبان یونانی باکتریا گردید، که مرکز معروف مدنیت گریک و بودیک بود. بلخ مرکز ولایت‌های باکتریا و تخارستان گردید. زبان دری با تخارستان رابطه دارد و گاهوارهٔ رشد و نموی آن باکتریا و تخارستان بوده است. شهرکوچک بلخ امروز نیز بازماندهٔ این مدنیت‌های باستانی را درسینهٔ خود دارد. در دورهٔ اسلامی، بلخ یکی از مراکز عمدهٔ این مد نیت شد و به **قبة** الاسلام بلخ شهرت یافت.

در شهر کوچک بلخ امروز نیز مزارهای بزرگان دین، عرفای عالی مقام و شعرای بزرگ دیده می‌شود. ازجاهای دیدنی این شهر کوچک، ویرانهٔ مدرسهٔ سبحانقلی خان، مسجد و

معبد خواجه محمد پارسا، مسجد نه گنبد، مزار محمد بن حسین خطیبی پدرکلان حضرت مولانا، مزار رابعۀ بلخی، مزارخواجه عکاشه وغیره می‌باشد.

پروژۀ بازسازی شهرکوچک بلخ درسال ۱۳۱۲هـ ش. مطابق ۱۹۳۴م. شروع شد. امروز مزار و مسجد خواجه محمد پارسا در مرکز این شهر واقع است. بلخ یکی ازمراکز صنایع پنبه، پوست قره قل و قالین می‌باشد. بادام کاغذی و خربوزۀ بلخ هم در سراسر افغانستان شهرت دارد.

شعرای بزرگ و دانشمندان عالی مقام چون رابعۀ بلخی، دقیقی بلخی، عنصری بلخی، ابن سینای بلخی، ابوالمؤید بلخی، شهید بلخی و ستارۀ درخشان ادب عرفانی ما حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی از همین شهر برخاسته اند. خوشبختانه امروز ولایت بلخ هنوز مهد وکانون فرهنگی است، که نویدآیندۀ درخشان فعالیت‌های علمی و فرهنگی این ولایت را با خود دارد. مکتب‌های نوبهار بلخ، شقیق بلخی وفریدۀ بلخی نیز در شهرکوچک بلخ موقعیت دارد. شهر مزار شریف مرکز ولایت بلخ است و یکی از شهرهای فرهنگی کشور بوده که اعمارتی بر مقبره حضرت علی رضی‌الله‌عنه در عصر حکومت سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند او امیر علی شیر نوایی بنا شده که شهر را رونق بیشتر داده است. در آغاز سال نو مردم از سراسر افغانستان و کشورهای همسایه جهت تجلیل از میله عنعنوی نوروز عازم شهر مزار شریف می‌شوند. در این ایام شهر مزار شریف پر از مهمان می‌باشد. مردم مزارشریف مهماندار بوده مانند سایر مردم کشور ما مهمان نواز استند و از مهمانان شان پذیرایی گرم می‌نمایند.



* پیشدادی: نخستین سلسلۀ آریایی که به روایت شهنامه فردوسی شاهان آن از کیومرث شروع و به گرشاسپ ختم می‌شود.
* اسطوره: صورت عربی شدۀ واژه هستوریا به معنای افسانه، قصه و سخن پریشان است که جمع آن اساطیر می‌شود.
* مسجد خواجه پارسا: این مسجد از دورۀ تیموری باقی مانده است که دارای مشخصات معماری آن دوره می‌باشد. این مسجد به یاد بود خواجه ابو نصر بن محمد بن محمودحافظی بخارایی در سال۸۵۶ هـق. توسط حاکم بلخ میر فرید ارغون ساخته شد.
* مسجد نه گنبد: این بنا قدیمی ترین مسجد اسلامی در افغانستان است. نظر به گفتۀ باستان شناسان این مسجد قبلاً معبد بودایی بوده که در دورۀ اسلامی به مسجد تبدیل گردید.
* مدرسۀ سبحانقلی خان حاکم بلخ که در قرن ۱۷ م ساخته شده است. این مدرسه مانند

مدارس بخارا بوده و۱۵۰ اتاق داشته که افراد زیادی در آن درس می‌خواندند. این مدرسه در جریان جنگ‌های پیهم تخریب گردیده است.

بیاموزیم

۱. بلخ ولایت باستانی کشور ما است که به نام‌های ام‌البلاد (مادر شهر ها)، **قبةالاسلام**، بلخ بامی یادشده است.

۲. این شهر از لحاظ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در طول قرن‌ها اهمیت زیادی داشته است.

۳. شعرای بزرگ و دانشمندان عالی مقام چون رابعهٔ بلخی، دقیقی بلخی، عنصری بلخی، ابن سینای بلخی، ابوالمؤید بلخی، شهید بلخی و ستارهٔ درخشان ادب عرفانی ما مولانا جلال الدین محمد بلخی از همین جا برخاسته اند.

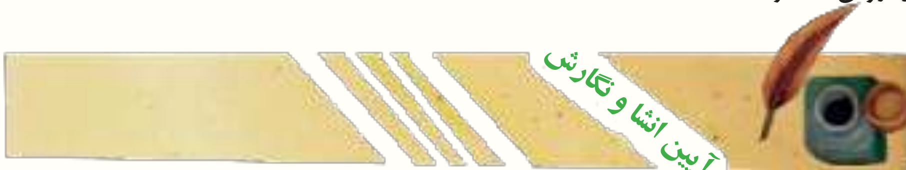
۴. بلخ منطقهٔ حاصل‌خیز و نقطه‌یی پیوند برای بازرگانی میان شرق و غرب، و نیز برای بیش از هزار سال، محلی برای تبادلات بازرگانی و هنری بود.

۵. آریانای کهن در محور شهر باستانی بلخ مدنیت درخشان پنجهزار ساله را داشت. مدنیتی که شامل افغانستان کنونی، هند، فارس (ایران) و آسیای میانه میگردید.

۶. خوشبختانه امروز ولایت بلخ مهد و کانون فرهنگی است، که نوید آیندهٔ درخشان فعالیت‌های علمی و فرهنگی این ولایت را با خود دارد.

۷. بلخ یکی ازمراکز صنایع پنبه، پوست قره قل و قالین می‌باشد. بادام کاغذی و خربوزهٔ بلخ هم در سراسر افغانستان شهرت دارد.

۸. شهر مزار شریف مرکز ولایت بلخ است و یکی از شهرهای فرهنگی کشور بوده که در آن عمارتی بر مقبرهٔ حضرت علی رضی‌الله‌عنه در عصر حکومت سلطان حسین بایقرا بنا شده و شهر را رونق بیشتر داده است.



توجه به قواعد دستوری

توجه به‌دستور زبان موجب جلوگیری از اشتباهات در نگارش می‌گردد و به ما کمک می‌کند، که جمله‌های بهتر، ساده، واضح و قوی ترتیب گردد. همین که قواعد دستوری را در نگارش در نظر بگیریم فاعل، فعل، قید هر کدام آن را در جایگاه مناسب به کار ببریم، نوشتهٔ ما

عاری از نواقص خواهد بود. در سراسر نوشته باید قواعد دستوری را رعایت کنیم و ارکان و اجزای جمله را در جای مناسب آن به کار ببریم.
چند نکتهٔ مهم را در نظر باید داشت:
الف- نخست جمله‌ها باید تا حد امکان کوتاه، کامل و رسا باشند؛ چنان‌که خواننده منظور نویسنده راخوب بفهمد.
ب- اگر نهاد(مبتدا) جمله جاندار باشد، لازم است که فعل جمله متناسب با آن باشد. یعنی با نهاد مفرد، فعل مفرد و با نهاد جمع، فعل به صیغهٔ جمع به کار رود. به جمله‌های پایین دقت کنید:

انسان پاک رستگار می‌شود. (درست)

انسان‌های پاک رستگار می‌شوند. (درست)

انسان‌های پاک رستگار می‌شود. (نادرست)

ج- حذف فعل یا بخشی از آن باید به قرینهٔ لفظی صورت گیرد، مگر در موارد خاص؛ مانند: جمله‌های تعجبی که حذف فعل، بدون قرینهٔ لفظی هم عیبی ندارد. در هرحال، اگر تکرار فعل به زیبایی فعل لطمه نزند، فعل جمله را کامل بنویسید؛ اما یک حذف نادرست، از ارزش نوشتهٔ شما می‌کاهد.
مثال:
ما وارد و به کار پرداختیم. (نادرست است-شدیم بدون قرینه حذف شده است.)
ما وارد و مشغول کار شدیم. (درست است- حذف «شدیم» به قرینهٔ لفظی است.)

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به سه گروه تقسیم شوند؛ سپس هر گروه در بارهٔ مدنیت‌های بلخ باستان با هم گفتگو نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان نماید.
۲. دو شاگرد به نوبت در بارهٔ یکی از چهره‌های پر افتخار بلخ باستان در مقابل صنف سخنرانی نمایند.
۳. در دسته‌های پنج نفری راجع به شهر یا منطقهٔ زیست خود صحبت کنید. اگر در محل زیست شما هم آثار تاریخی وجود داشته باشد و یا صنایع محلی آن مشهور باشد؛ در بارهٔ آن باهم مشوره کنید و نمایندهٔ هردسته خلاصهٔ مطالب را برای دیگران بیان نماید.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود املا بنویسید.
۲. در مورد این تصویر متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.





۱. بلخ در گذشته به کدام نام‌ها یاد می‌شد؟
۲. بلخ درکدام سمت افغانستان واقع است؟
۳. از چند شاعر و دانشمند بلخ نام بگیرید.
۴. آثار تاریخی بلخ کدام‌ها اند؟
۵. توجه به قواعد دستوری در نگارش چه اهمیت دارد؟



۱. در بارهٔ میلهٔ عنعنه‌یی گل سرخ متنی بنویسید.
۲. این بیت را حفظ کنید:

آشنایی‌های ظاهر پردهٔ بیگانه‌گیست آب و روغن است در یک جویبار از هم جدا

بیدل

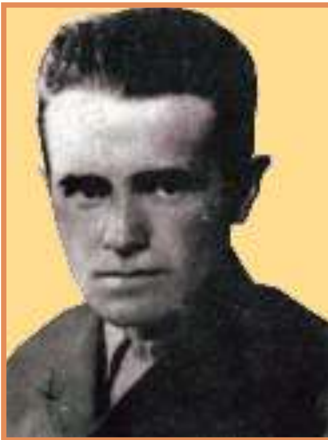
۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سؤالهای زیر باشد:

۱. شاه عبدالله بدخشی کی بود؟
۲. در مورد تحصیلات و فعالیت‌های بدخشی چه می‌دانید؟
۳. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
٤. او چه کارهایی را انجام داد؟
۵. آثار او را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در پایان، سؤالها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

شاه عبدالله یمگی بدخشی



شاه عبدالله یمگی بدخشی یکی از چهره‌های بارز ادبیات کشور، فرزند محمد سید خان در سال ۱۲۹۱ هـ‌ش. در جرم بدخشان چشم به جهان گشود؛ وی تعلیمات نخست را تا صنف چهارم در مکتب رشدیهٔ زادگاهش فرا گرفت؛ سپس مقدمات زبان عربی و علوم دینی را آموخت و جهت آموزش بیشتر رهسپار کابل گردیده و در لیسهٔ غازی شامل شد. بار نخست در سال ۱۳۰۸ هـ‌ش. به حیث خزانه دار جرم، کارمند گمرک در زیباک و تالقان به کار گماشته شد و پس از یک سال در ریاست تنظیمهٔ ولایت قطغن و بدخشان به کتابت گماشته شد؛ در سال ۱۳۱۲هـ. ش. در آن‌جا مدیر تحریرات شد. در سال۱۳۱۶ هـ. ش. صدراعظم کشور او را به کابل فرا خواند و شاه عبدالله تا سال ۱۳۲۶ هـ‌ش. در صدارت عظمی وظیفهٔ مدیریت داشت. وی از فاکولتهٔ حقوق و علوم سیاسی فارغ التحصیل شد. چندی بعد عضو انجمن ادبی کابل گردید.

وی به زبان‌های دری، پشتو، اردو، عربی و انگلیسی آشنایی داشت و در میان روشنفکران از محبوبیت زیادی برخوردار بود. یمگی پس از برکناری امان الله خان، به جرم طرفداری از او، در خان آباد زندانی شد. بعد از آن سال‌ها در تبعید به سر برد و در سال‌های پایانی عمر، به بیماری سل مبتلا شد، برای درمان به هند سفر کرد و چند بار هم در شفاخانهٔ علی آباد بستری گردید و در سال۱۳۲۷ هـ. ش. در سن ۳۶ ساله‌گی و فات یافت. جسدش را در مرکز

جرم بدخشان انتقال داده در گورستان آبایی‌اش به خاک سپردند.

آثار شاه عبدالله یمگی بدخشی

۱. ارمغان بدخشان: این اثر نخستین اثر شاه عبدالله است، که در سال ۱۳۱۱هـ ش. در بارهٔ شاعران بدخشان نگاشته شده است؛ این تذکره در سه جلد به نشر رسید. بار دیگر به کوشش فرید«بیژند» با نگارش مقدمهٔ کوتاه و افزایش معرفی چند تن از شعرای متأخر در سال۱۳۶۷هـش. به تیراژ دو هزار نسخه در مطبعهٔ کابل به چاپ رسید.

۲. فرهنگ علما و فقهای افغانستان: این اثر شناسنامهٔ ۳۲۴ تن از رجال نامور، دانشمند، فقیه محدث، عارف و پیشوای مذهبی است، که از زمان امام ابو حنیفه(رح) تا سدهٔ هفتم هجری قمری را در بر می‌گیرد. وی می‌خواست این فرهنگ را به معاصران خود بکشاند؛ اما مرگ مجال تکمیل آن را برایش نداد و این اثر ناتمام ماند.

از سبک و شیوهٔ نگارش آن چنین بر می‌آید که این اثر به صورت **دایرة** المعارف به ترتیب الفبا نوشته شده است. یمگی در تألیف این اثر بیشتر از کتب و مآخذ عربی استفاده کرده است.

۳. تاریخ یفتلی ها: این اثر یک تحقیق تاریخی می‌باشد که نویسنده دوران امپراتوری یفتلی‌ها را در آن بررسی کرده است.

۴. قاموس زبان‌های آریایی افغانستان: این کتاب، فرهنگ لغات زبان‌های پامیری می‌باشدکه در دو جلد ترتیب شده است. جلد نخست آن شامل واژه‌گان لهجه‌های (گویشهای) موجود پامیری (اشکاشمی، منجی، زیباکی، روشانی و شغنی) بوده. این مجلد از طرف ریاست«پشتو تولنه» به نام «د افغانستان د ځینو ژبو او لهجو قاموس» در سال ۱۳۳۹هـ ش. با افزایش واژه‌های پشتو به‌جای معادل عربی آن‌ها در کابل به چاپ رسیده است.

شاه عبدالله بدخشی مقدمهٔ شیوایی در مورد اسلوب تحقیق زبان‌ها و علم زبان‌شناسی معاصر و رشته بندی آن به ویژه زبان‌شناسی مقایسی نوشت که می‌توان با استفاده از آن پیوندهای کهن سال مردمان گوناگون و وجوه مشترک زنده‌گی آن‌ها را که در گذشته‌های دور با هم اشتراکاتی داشته اند؛ رد یابی کرد. جلد دوم در شرح واژه‌گان شغنی، پراچی و پشه‌یی می‌باشد، که تا هنوز به چاپ نرسیده است. افزون برین مقاله‌ها و نوشته‌هایی نیز از او به صورت جداگانه در مجله‌های کابل و آریانا به چاپ رسیده است.

یمگی مانند سایر ادبای بدخشان ذوق شعری هم داشت، که یکی از غزل‌هایش را به گونهٔ نمونه می‌خوانیم:

غیر من هیچ کسی تشنهٔ دیـدار تو نیست — عاشق موی میـان و گل رخسار تو نیسـت
لاله تنها نبود خـــون به دل از شوق رخت — یکدلی‌نیست که زین واسطه افگار تو نیست
نگـهٔ مسـت تـــو تـاراج دل زارم کـــرد — فتنــه‌ها نیست کـه در دیدهٔ بیدار تو نیست

ماه من شهرت رویت به جهان شور افگند		چه حوادث که در این صفحهٔ رخسار تو نیست
والهٔ حسن جهان سوز تـو خوبان جهـان		کو عزیزی کـه در این مصر خـریدار تونیست

رسته از تربت یمگی به تماشای تو گل
چه توان کرد در این منظره آثار تو نیست

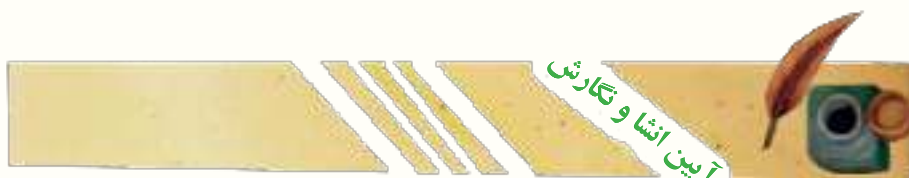


* یمگـان یکی از دره‌های سرسبز و خوش آب و هوای بدخشان است. این ساحه از کوه‌های انجمن، سرچشمهٔ دریای کوکچه آغاز میابد و تا شهرک جرم بدخشان۱۵۴ میل فاصله را در بر می‌گیرد. در جنوب آن نورستان و در جنوب غربش پنجشیر واقع است. کان لاجورد در درهٔ کران در انتهای جنوبی آن که از سالیان دراز بدین سو مورد استفاده قرار دارد، بیش از همهٔ آن را معروف ساخته است. روزگاری یکی از شاخه‌های اساسی شاهراه ابریشم یمگان و حوالی آن بوده است که بخارا، هندوستان، چین وکابل را باهم وصل می‌کرد و اهمیت استراتیژیک تجارتی داشت. از دیر زمان گاه شاهان محلی و زمانی زمامداران خراسان ماوراءالنهر و هندوستان بر آن حکم می‌راندند.
* شاه محمد سعید خان، از معززین بدخشان بود؛ در دورهٔ امانی حاکم درواز و هواخواه نهضت مشروطه به شمار می‌رفت.

بیاموزیم

۱. شاه عبدالله یمگی بدخشی فرزند محمد سعید خان در سال ۱۲۹۱هـش. در جرم بدخشان چشم به جهان گشود.
۲. یمگی تعلیمات ابتدایی را در زادگاهش فرا گرفت؛ سپس مقدمات زبان عربی و علوم دینی را آموخت و تحصیلاتش را در لیسهٔ غازی کابل به پایان رسانید؛ سپس از فاکولتهٔ حقوق و علوم سیاسی فارغ‌التحصیل شد.
۳. یمگی با وجود سرگرمی‌های امور اداری لحظه‌یی از تحقیق و آموزش باز نمی‌ایستاد. وی به زبان‌های دری، پشتو، اردو، عربی و انگلیسی آشنایی داشت.
۴. شاه عبدالله پس از بر کناری امان الله خان، به جرم طرفداری از او، در خان آباد زندانی شد. بعد از آن سال‌ها در تبعید به سر برد و در سال۱۳۲۷ هـ. ش. در سن ۳۶ ساله‌گی وفات یافت.

۵. آثار شاه عبدالله یمگی بدخشی عبارت اند از: ارمغان بدخشان، فرهنگ علما و فقهای افغانستان، تاریخ یفتلی‌ها، قاموس زبان‌های آریایی افغانستان، حقوق در اسلام و افزون برین مقالات و نوشته‌هایی نیز از او به صورت جداگانه در مجله‌های کابل و آریانا به چاپ رسیده است.



توجه به املا در نگارش: یکی از مهمترین و عمده ترین موضوعات در نگارش درست نوشتن کلمه‌ها می‌باشد. هرگاه به املا توجه صورت نگیرد؛ معنای کلمه‌ها و جمله‌ها تغییر کرده باعث پراکنده‌گی در نوشتهٔ ما می‌گردد؛ خواننده به مشکل مواجه شده معنای درست متن را گرفته نمی‌تواند. در املای واژه‌ها و وصل و فصل ترکیب‌ها باید دقت داشته باشیم و هرگز لغاتی که املای درست آن‌را نمی‌دانیم، به کار نبریم یا به کتاب لغت مراجعه نماییم. گاهی تلفظ نادرست هم موجب اشتباه در املا می‌گردد.

چند راهنمایی برای املای کلمه‌ها

فعل‌هایی که با (ا) شروع می‌شود؛ مانند: «افکندن، انداختن، اندوختن، افراشتن، افتادن» هرگاه با جزء پیشین «ب» یا«ن» همراه شود، حرف (ا) به صورت «ی» در می‌آید:

ب+ افکندم	بیفکندم
ب+ انداختیم	بینداختیم
ب+ اندوز	بیندوز
ب+ افتادند	بیفتادند
ب+ افزود	بیفزود

فعل‌هایی که با (آ) شروع می‌شوند؛ مانند: «آمدن، آوردن، آسودن، آراستن، آشامیدن و آلودن» هنگام پیوستن به جز پیشین «ب» علامت مد آن به «ی» تبدیل می‌شود:

ب + آمد	بیامد
ب + آوردیم	بیاوردیم
ب + آلودند	بیالودند

چنین ننویسیم	**چنین بنویسیم**
سئوال	سؤال
مسئله	مسأله
هیئت	هیأت
جرئت	جرأت
مسئول	مسؤول
زکوة و صلوة	زکات و صلات
داود، کاوس	داوود، کاووس
طاوس	طاووس

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در رابطه به شخصیت و فعالیت‌های شاه عبدالله یمگی بدخشی، یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.
۲. یک یک نفر از شاگردان به نوبت در مورد اهمیت آثار شاه عبدالله بدخشی سخنرانی نمایند.
۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارۀ این که چگونه می‌توانند نشانه‌گذاری را در نگارش مراعات نمایند، با هم بحث و گفتگو نموده؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در بارۀ تصویر زیر در کتابچه‌های تان یک متن ادبی بنویسید و در آن نشانه‌گذاری را رعایت نمایید.



منظرۀ ولایت بدخشان



۱. شاه عبدالله بدخشی کی بود؟
۲. در مورد تحصیلات و فعالیت‌های شاه عبدالله بدخشی چه می‌دانید؟
۳. شاه عبدالله چرا زندانی شد؟
۴. قاموس زبان‌های آریایی افغانستان اثر کیست و در چند جلد نگاشته شده است؟
۵. ارمغان بدخشان در برگیرندهٔ کدام موضوع می‌باشد؟
۶. نشانه‌گذاری در نگارش چه اهمیت دارد؟
۷. هرگاه در نگارش توجه به املا صورت نگیرد با چه مشکل روبه رو خواهیم شد؟



۱. یک تن از شخصیت‌های ادبی و فرهنگی کشور را که در متن، نامی از آن‌ها برده شده است نظر به علاقمندی تان معرفی نمایید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:

ره نیک مردان آزاده‌گیر   چو ایستاده یی، دست افتاده‌گیر

سعدی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سؤال‌های زیر باشد:

۱. عوامل اعتیاد چیست؟
۲. عوامل فردی و اجتماعی اعتیاد کدام‌ها اند؟
۳. آیا داشتن دوستان ناشایسته در اعتیاد شخص نقش دارد؟

در پایان معرفی، سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

عوامل اعتیاد به مواد مخدر



استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن می‌تواند، عوامل متعدد و مختلفی داشته باشد؛ از قبیل عوامل فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، جنگ‌ها، مهاجرت‌ها و غیره. از میان عوامل فوق به‌طور مشخص می‌توان از دو عاملی که نسبت به عوامل دیگر در اعتیاد و روی آوردن افراد به مواد مخدر بیشتر تأثیر گذار اند نام برد، که عبارت اند از: عوامل فردی و عوامل اجتماعی.

عوامل فردی: تمامی اسباب و علت هایی که از خود شخص منشأ گرفته و منتج به اعتیاد وی به مواد مخدر می‌گردد، به نام عوامل فردی یاد می‌شوند. در زیر نمونه‌ها و مثال‌های عوامل فردی را که باعث اعتیاد یک شخص به مواد مخدر می‌گردد نام می‌بریم:

دورهٔ نو جوانی: پر مخاطره‌ترین دوران از نظر رو آوردن به مواد مخدر دورهٔ نوجوانی است. در این دوره نزد بعضی افراد دارای تربیت ضعیف و سست‌اراده میل به استقلال و مخالفت با والدین به اوج می‌رسد. چنین اشخاص به خاطر خود نمایی، ارزش‌هایی خانواده‌گی را زیر پا می‌نمایند. علاوتاً حس کنجکاوی که از خصوصیات بارز این دوره است باعث تشویق فرد به مصرف مواد مخدر می‌گردد.

عدم اعتماد به نفس: عدم اعتماد به نفس و یا عوامل دیگر شخصیتی با مصرف مواد ارتباط دارد. به هر اندازه‌یی که شخص ارادهٔ ضعیف، فقدان کنترول بر خواهشات نادرست و تربیت‌ناپذیری و بالاخره ضعف اعتماد به نفس داشته باشد به همان پیمانه زودتر به مخدرات آغشته می‌شود.

اختلال روانی/ افسرده‌گی: بیشترین موارد اعتیاد به مواد مخدر با اختلال روانی رابطه دارد که بارزترین آن‌ها همانا افسرده‌گی، اختلال‌های شخصیتی و اجتماعی می‌باشد.
بی سرپرستی: بعضی از جوانان و نوجوانان در موقعیت‌ها و شرایطی قرار دارند، که آن‌ها را در معرض خطر مصرف مواد مخدر قرار می‌دهد. مهمترین این موقعیت‌ها بی‌سرپرستی و یا فرار آن‌ها از خانه می‌باشد. جوانان در همچو موقعیت‌ها زود تر و آسانتر شکار آلوده‌گی به مواد مخدر می‌شوند.

نگرش مثبت به مواد مخدر: یکی از عوامل اعتیاد به مواد مخدر پیدا کردن نگرش مثبت و قضاوت خوش بینانه نسبت به مخدرات است. بعضی از معتادان فکر می‌کنند، که گویا مواد مخدر در رفع دردهای جسمی و خسته‌گی، کسب آرامش روانی، روحیۀ قوی و بخشیدن جرأت و غیره خیلی مؤثر است؛ درحالی‌که اعتیاد به مواد مخدر سر انجام این قدرت‌ها را از انسان‌ها می‌گیرد.
تأثیرات مؤقت و زود گذر مواد مخدر بر فرد: مواد نشئه آور و مخدر مثل الکول، هیرویین، کوکایین و غیره بعضی اوقات به ویژه در مراحل آغازین استعمال، یکنوع سرخوشی و آرامش کاذب را به همراه دارد، که این حالت افراد معتاد را وادار به مصرف دایمی مواد مخدر می‌کند؛ بدون اینکه از پیامدهای ناگوار و عواقب وخیم آن آگاهی داشته باشند.

عوامل اجتماعی: نابسامانی‌های موجود در محیط خانواده و یا اجتماع که به نحوی منجر به اعتیاد اشخاص به مواد مخدر می‌گردد به نام عوامل اجتماعی یاد می‌شود.
در زیر چند عامل اجتماعی را که سبب مبتلا شدن یک فرد به مواد نشئه آور می‌گردد، به گونۀ مثال ذکر می‌نماییم:

- عدم مراقبت جدی و غفلت والدین از فرزندان شان؛
- داشتن دوستان ناشایسته و معتاد به مواد مخدر؛
- نبود قوانین و مقررات جدی بر ضد مواد مخدر و یا ضعف در تطبیق قوانین؛
- موجودیت بازار خرید و فروش مواد مخدر؛
- بیکاری یا نداشتن مصروفیت سالم؛
- عدم موجودیت تبلیغات مؤثر علیه مواد مخدر؛
- محرومیت‌های اجتماعی نوجوانان، جوانان و حتا بزرگ سالان؛
- فقر اقتصادی و یا غنای اقتصادی؛
- عدم آگاهی از دساتیر و احکام اسلامی و اخلاقی.

* عدم آگاهی از اضرار مواد مخدر به خصوص اضراری که در دراز مدت ظاهر می‌گردد.

تحقیقاتی که بالای معتادان تحت مداوا انجام شده است، نشان می‌دهد که اکثر یت معتادان افرادی اند، که قبل از اعتیاد دچار عقده‌های حقارت، افسرده‌گی، گوشه‌گیری و حس بد بینی نسبت به هم‌نوعان بوده اند و اغلباً با خانواده‌های خویش روابط نادرست داشته و یا در کشمکش با اعضای خانواده قرار داشته اند.

در حقیقت می‌توان گفت: که فشارهای روانی، عقده‌ها، احساس خود کم بینی و محرومیت‌ها درحدود ۸۰ فیصد عامل اساسی روی آوردن افراد به مواد مخدر می‌باشد. در پهلوی عوامل فوق یکعده عوامل دیگری نیز در روی آوردن افراد به مواد مخدر تأثیرگذار است:

شکست در زنده‌گی افرادی، که در اهداف خویش ناکام مانده اند. برای رهایی از فشارهای روحی و افسرده‌گی، به مواد مخدر پناه می‌برند؛ همچنان کسانی‌که دارای شخصیت ضعیف بوده و در اجتماع مورد توجه قرار نمی‌گیرند دچار عقدهٔ حقارت می‌گردند و در صدد آن می‌شوند، که خود را به شکلی از اشکال تبارز بدهند، تا مورد توجه قرار گیرند و مردم به آن‌ها احترام قایل گردند. برای حصول این مقصد این اشخاص عقده مند می‌خواهند به خود یک شخصیت ولو کاذب هم باشد، بسازند که پناه‌بردن به مواد مخدر و از آن طریق توجه مردم را به خود جلب نمودن یکی از این موارد است.



* هیرویین: یکی از مشتقات تریاک بوده و نام کیمیاوی آن«دی استیل – مورفین» می‌باشد. در سال ۱۸۷۴م. توسط یک دانشمند انگلیسی کشف شد. این ماده توسط عملیه تقطیر از مورفین استحصال می‌شود.

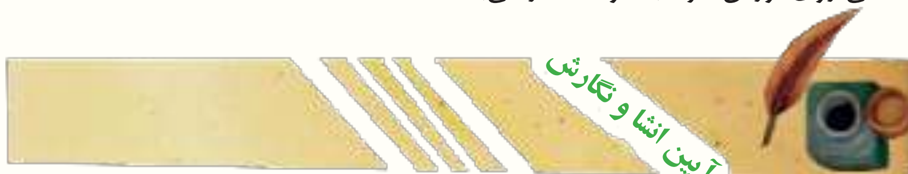
هیرویین یک ماده مخدر بسیار قوی و کشنده بوده و قدرت مسموم کننده‌گی پنج برابر مورفین را دارا و خاصیت اعتیاد آوری آن خیلی شدید است و گذشته از زیان‌های اجتماعی و اقتصادی، عامل ده‌ها نوع بیماری جسمی و روحی از قبیل: ایدز، زردی، تضعیف سیستم دفاعی بدن، افسرده‌گی، تشنج، ضعف حافظه، انقباضات شدید معده، احساس ضعف و کسالت و انواع سرطان‌ها می‌باشد.

در شریعت اسلامی هر آن‌چه پاک و مفید است مشروع و هر آن‌چه مضر و زیان آور و ناپاک است، ممنوع می‌باشد؛ بنابر این مواد مخدر و نشئه‌آور از قبیل شراب، چرس، تریاک، هرویین، مورفین، کوکایین و غیره مواد نشئه‌آور که بدون شک زیان‌های جسمی و روحی، اجتماعی و اقتصادی بی‌شماری دارند، به‌طور قطع ممنوع است؛ پس بدین اساس استفاده و عملی نمودن

دساتیر اسلام در مورد ترک و از بین بردن مواد مخدر وسیلهٔ خوبی برای سعادت بشر، رفاه همه‌گانی و ایجاد یک جامعهٔ با ثبات و مبرا از مواد مخدر به حساب می‌روند.

بیاموزیم

۱. استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن، عوامل متعدد و مختلفی دارد. ازقبیل عوامل فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ا قتصادی، جنگ‌ها، مهاجرت‌ها و غیره.
۲. تمام علت هایی که از خود شخص منشأ گرفته و منتج به اعتیاد وی به مواد مخدر می‌گردد. به نام عوامل فردی یاد می‌شوند.
۳. نابسامانی‌های موجود در محیط خانواده و یا اجتماع که به نحوی منجر به اعتیاد اشخاص به مواد مخدر می‌گردند، به نام عوامل اجتماعی یاد می‌شوند.
۴. فشارهای روانی، عقده‌ها، احساس خود کم بینی و محرومیت‌ها درحدود۸۰ فیصد عامل اساسی روی آوردن افراد به مواد مخدر می‌باشد.



رعایت نشانه‌گذاری در نگارش

برای اینکه هر نوشته، منظور نویسندهٔ آن را کامل و دقیق برساند، علامت‌های خاصی را در آن به کار می‌برند؛ مثلاً: جملهٔ «نادیه از سفر برگشت» را در نظر می‌گیریم. چون در آخر آن علامتی وجود ندارد فهمیده نمی‌شود، که جمله خبری است یا پرسشی یا تعجبی. حال سه نوع علامت را در آخر آن به کار می‌بریم.

۱. نادیه از سفر برگشت.
۲. نادیه از سفر برگشت؟
۳. نادیه از سفر برگشت!

در جمله‌های فوق می‌بینیم که مفهوم هرکدام با گذاشتن علامت واضح و آشکار شد؛ بنابراین نویسنده با گذاشتن علامت مورد نظر خود، می‌تواند منظورش را بهتر برای خواننده انعکاس دهد.

فواید نشانه‌گذاری

۱. مطالب و هدف‌های نویسنده را به خوبی روشن می‌سازد.
۲. لحن سخن و بسیاری ازعواطف تند و ملایم نویسنده را به خواننده منتقل می‌سازد.
۳. به خواننده کمک می‌کند تا نوشته را درست تر وآسانتر بخواند و در نتیجه منظور نویسنده را بهتر درک کند.

نقطه(.)

۱. در پایان جمله‌های امری و خبری به کار می‌رود؛ مثلاً:
همهٔ مردم به نوشتن نیاز دارند.
هرگز از خداوند غافل نشوید.
۲. هرگاه که حرف اول کلمه یا اسمی به صورت اختصاری بیاید.
افغانستان در سال ۱۲۹۸هـ . ش. به استرداد استقلال موفق شد.

سؤالیه (؟)

۱. این علامت در آخر جمله‌های پرسشی می‌آید:
خانهٔ شما کجاست؟

علامت تعجب!

۱. در آخر جملهٔ تعجبی می‌آید: راستی، عجب روزگاری است!
۲. بعد از اصوات و گاهی بعد از منادا قرار می‌گیرد: به به! زنهار! عجب! خوشا! آفرین! خدایا!

ویر گول یا کامه(،)

۱. در پایان جمله‌های ناقص پیرو می‌آید:
هنگامی که وارد شد، شادمان به نظر میرسید.
چو بد کردی، مباش ایمن زآفات.
۲. هر گاه چند کلمه در جمله، دارای نقش مشترک باشند دو تای آخر آن را با حرف «و» به هم می‌پیوندیم؛ اما بقیه را باعلامت ویرگول:
هر دانش آموز با هوشی نسبت به درس، کوشش، علاقه و پشتکار دارد.

سیمیکولن(؛)

۱. برای جداکردن جمله‌هایی که از جهت ساختمان و مفهوم، مستقل به نظر میرسند؛ ولی در یک عبارت طولانی، از جهت بیان کلی یک مطلب، به یکدیگر پیوسته باشند و یا از یک حکم کلی پیروی کنند:
نه هر که به قامت مهتر؛ به قیمت بهتر.
الهی! می‌پنداشتم که تو را شناختم؛ اکنون آن پنداشت و شناخت را در آب انداختم.

خط فاصله(-)

۱. هرگاه بخشی از یک نوشته به صورت سؤال و جواب یا بحث و مکالمه باشد، گوینده‌گان آن مشخص نباشد، برای بار نخست نام‌ها را می‌نویسند؛ ولی پس از آن، سخن هر کدام را بعد از خط فاصله در اول سطر می‌نویسند.

دیروز حسین را دیدم؛ از او پرسیدم:

- حالت چطور است؟
- خوب استم.
- امتحاناتت چطور شد؟
- کامیاب شدم.

گیومه«»

در موارد زیر به کار می‌رود:

۱. هنگامی که سخنی را عیناً از کسی یا جایی نقل قول کنند؛ مثلاً: پیامبرﷺ فرموده اند:«طلب علم بر هر مسلمان فرض است.»

۲. هرگاه بخواهند عنوان آثار هنری، مقاله، شعر یا کتاب را در جمله‌یی بیاورند؛ مانند: سعدی «بوستان» را در ۶۵۵ هـ .ق. سرود و «گلستان» را در ۶۵۶ هـ . ق. نوشت.

شارحه یا دو نقطهٔ بیانی (:)

هرگاه در جمله به سخن کسی یا مطلبی از جایی اشاره شود؛ سپس عین آن مطلب نقل شود؛ مانند:

معلم گفت: شاگرد خوب همیشه با همصنفان خود برخورد نیک می‌داشته باشد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ عوامل اعتیاد، یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.

۲. یک یک نفر از شاگردان به نوبت در مورد اضرار مواد مخدر سخنرانی نمایند.

۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ فواید نشانه‌گذاری با هم بحث و گفتگو نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.

املا و نگارش

۱. متنی که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در بارۀ تصویر داده شده در کتابچه‌های تان یک متن ادبی بنویسید و در آن نشانه‌گذاری را رعایت نمایید.





۱. کدام عوامل باعث اعتیاد شخص به مواد مخدر می‌شود؟
۲. عوامل فردی اعتیاد را نام بگیرید.
۳. فشارهای روانی چه تأثیری در معتاد شدن شخص به مواد مخدر دارد؟
۴. استفادۀ مواد مخدر را از دیدگاه اسلام چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۵. چرا بعضی از جوانان به مواد مخدر معتاد می‌گردند؟
۶. عوامل اجتماعی اعتیاد در بر گیرندۀ کدام موضوعات می‌باشد؟

۷. چرا نشانه‌گذاری در نگارش اهمیت دارد؟
۸. علامت سیمیکولن در کدام جمله‌ها به کار می‌رود؟
۹. موارد استعمال گیومه را بیان نمایید.
۱۰ در مورد کاربرد کامه در جمله چه می‌دانید؟



۱. کدام راه‌ها را برای جلوگیری از اعتیاد به مواد مخدر پیشنهاد می‌کنید؟
۲. بیت‌های زیر را حفظ کنید:

جان بی علـم تن بمیراند — شـاخ بی بـــار دل بـگریانـد
علم باشد دلیل نعمت وناز — خنک آن را که علم شد دمساز

سنایی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. زبان‌شناسان زبان‌های جهان را چگونه تقسیم بندی کرده اند؟
۲. چرا زبان‌شناسان به تقسیم بندی به اساس خانواده روی آوردند؟
۳. خانواده‌های زبان‌ها را نام بگیرید.
٤. کدام خانوادهٔ زبان بیشتر از همه مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است؟
٥. خانوادهٔ زبان‌های هند و اروپایی شامل کدام زبان‌هاست؟
٦. خانواۀ زبان‌های حامی سامی کدام کشورها را در بر می‌گیرد؟
۷. خانوادهٔ زبان‌های آلتایی یا تورانی شامل چند شاخه مهم می‌باشد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

خانوادهٔ زبان‌ها

زبان چون مهمترین و سیلهٔ ارتباط میان مردم جهان است، از دیر باز مورد توجه و بررسی محققان و زبان‌شناسان قرار گرفته است. هر چند تعیین دقیق تعداد زبان‌هایی که مردم جهان بدان سخن می‌گویند دشوار است؛ زیرا باز شناختن زبان‌های اصلی از زبان‌های فرعی و گویش‌ها (لهجه‌های) محلی کار آسانی نیست؛ باز هم زبان‌شناسان صرف نظر از زبان‌های فرعی گویش‌های محلی، شمار زبان‌های جهان را بیش از سه هزار تخمین کرده اند. زبان‌شناسان برای مطالعه بیشتر و تثبیت زبان‌های هم‌ریشه به بخش بندی زبان‌ها پرداختند. نخست به بخش‌بندی بر اساس ساختمان زبان پرداختند؛ سپس با پیشرفت زبان‌شناسی تطبیقی و تاریخی و با کشف این نکته که بسیاری از زبان‌ها از اصل واحد به‌وجود آمده اند به‌جای طبقه بندی بر پایه ساختمان به طبقه‌بندی بر اساس خانواده روی آوردند. فرض کردند چند زبان مشابه و نزدیک به هم از یک زبان قدیمی‌تر به نام زبان مادر جدا شده است و بر این اساس برای زبان‌ها این خانواده‌ها را قایل شدند.

۱.خانوادهٔ زبان‌های هند و اروپایی

هیچ خانوادهٔ زبانی مثل هند و اروپایی به‌طور همه جانبه مطالعه نشده است. روش‌های واقعی زبان‌شناسی تاریخی در کاوش‌ها و بررسی‌های خانوادهٔ هند و اروپایی انکشاف یافته اند؛ همچنین هند و اروپایی یک خانوادهٔ خیلی دلچسپ است؛ زیرا بیشترین اسناد نوشتاری شاخه‌های آن از زمان‌های مختلفی حفظ شده است.

زبان‌های هند و اروپایی، به مجموعهٔ زبان‌هایی گفته می‌شود که دارای ریشهٔ مشترک بوده

و دامنهٔ آن از نیم‌قارهٔ هند تا قارهٔ امریکا گسترده می‌باشد.

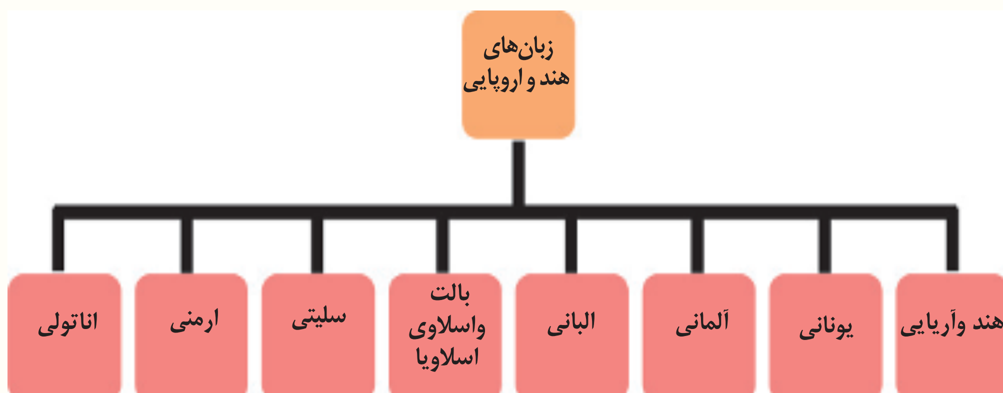
پیرامون نخستین پرورشگاه زبان‌های هند و اروپایی، عقاید و آرای مختلفی وجود دارد؛ ولی بیشتر دانشمندان، سرزمین‌های بین سردریا و آمودریا را مهد نخستین آن می‌دانند که گوینده‌گان آن، نخست از مناطق متذکره برخاسته، از راه جنوب اورال و شمال بحیرهٔ خزر به سمت خاور رهسپار شدند و برخی دیگر از شمال اکسوس (رود آمو) به طرف جنوب مهاجرت نمودند.

میان زبان‌های هندواروپایی؛ مانند: لاتین، سانسکریت و... مشابهت‌هایی وجود دارد، که این تشابهات نه‌تنها در عرصهٔ همگونی واژه ها؛ بل از دیدگاه دستوری نیز همانندی‌هایی را دارا می‌باشند.

تشابه‌دستوری این زبان‌ها را نخستین بار در سال (۱۸۷۶م.) گرامر مقایسوی به اثبات رسانیده و وانمود ساخت. این امر مبین آن است که روزگاری گوینده‌گان این زبان‌ها باهم زنده‌گانی مشترک داشته اند و در آغاز از زبان مشترکی استفاده می‌نمودند. که آن زبان را به نام زبان مادر و ((هند و اروپایی)) نامیده اند؛ سپس به مرور زمان، زبان‌ها و گویش‌های متعدد دیگری از آنِ زبان اصلی زاده شده و گوینده‌گانی زیادی توسط آن زبان سخن گفته اند.

چنانچه قبلاً متذکر شدیم، نه‌تنها میان واژه‌های این زبان‌ها مشابهت‌هایی به مشاهده میرسد؛ بل در ترکیب دستوری آن‌ها نیز همگونی‌هایی هویداست، که سبب بنیادین این تشابهات را دانشمندان، منوط به روابط تجارتی، آیینی، همسایه‌گی، مهاجرت‌ها و برخی عوامل دیگر می‌دانند.

زبان‌های باستانی سرزمین ما نیز از مشتقات هند و اروپایی بوده است، که دارای فروعات و شاخه‌های بی‌شماری بوده و مشهورترین آن‌ها باختری باستان، اوستایی و پهلوی خراسانی می‌باشد. اینک جهت وضاحت بیشتر و بهتر، شاخه‌بندی زبان مادر را در جدول زیر، چنین به مطالعه می‌گیریم:



شاخهٔ هند و آریایی زبان‌های (باستانی و نوین) هند، ایران، افغانستان و برخی کشورهای دیگر همسایه را دربر می‌گیرد. مهمترین و کهن ترین این زبان‌ها، زبان سانسکریت است. کهن ترین متن‌هایی که از این زبان در دست است و یداها می‌باشند، که تاریخ نوشتن آن‌ها به پیشتر از۱۲۰۰ق.م. می‌رسد. بسیاری زبان‌های نوین هند از قبیل: بنگالی، هندی و مراتی از پساینده‌گان گونه‌های سانسکریت به شمار می‌روند. درجانب آریایی، دو زبان مهم فرس باستان و اوستا می‌باشد. از فرس باستان سنگ‌نوشته‌هایی از سده‌های ششم و پنجم میلادی در دست است. از اوستا کتاب‌های مقدس آیین زردشتی در دست است، که در حدود سال‌های ۱۲۰۰ ق. م. نوشته شده و زبان‌های فارسی– دری، کردی، پشتو و اوسی را در بر می گیرد.

سه شاخهٔ دیگر هند و اروپایی که هر کدام زبان جداگانه‌یی را می‌سازند ارمنی، یونانی و البانی می‌باشند. کهن ترین متن‌های ارمنی از سده‌های پنجم ق.م تاریخ‌گذاری می‌شود؛ اگر چه برخی از بخش‌های حماسهٔ هومر، الیاد و اودیسه شاید تا ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد برسد. زبان یونانی در نسخه‌هایی از سدهٔ هفتم چهره نما می‌شود.

شاخهٔ آلمانی هندو اروپایی به سه بخش خاوری، شمالی و باختری تقسیم می‌شود و زبان‌های نوین آلمانی شمالی دنمارکی، نارویژی، سویدنی و آیسلندی می‌باشد.

دستهٔ بالت و سلاوی به دو دستهٔ فرعی جدا می‌شود: بالتی و سلاوی، که زبان‌های لیتوانی و لتوی اساس دستهٔ بالتی را تشکیل می‌دهد و این زبان‌ها در جمهوری لتوانی و لتوی هنوز هم گپ زده می‌شود. گوینده‌گان زبان‌های سلاوی بسیار زیاد اند؛ که مهمترین زبان‌های سلاوی روسی می‌باشد؛ همچنان زبان‌های اوکراینی، چک، سلواک، کروتی و بلغاری نیز شامل این دسته می‌باشند.

۲. خانوادهٔ زبان‌های سامی، حامی

پس از هند و اروپایی، دسته‌یی که بسیار بالای آن تحقیق صورت گرفته خانوادهٔ سامی است، که شامل زبان‌های سراسر شبه جزیرهٔ عربستان و قسمتی از سرزمین‌های عراق، سوریه، لبنان، فلسطین، اردن و افریقای شمالی، حبشه و سومالی است. این خانواده به دو شاخه تقسیم می‌شود:

الف) شاخهٔ سامی: شامل زبان‌های اکدی کهن (بابلی، آشوری) کنعانی، فنیقی، آرامی، سریانی، عربی، عبری و حبشی می‌باشد.

ب) شاخهٔ حامی: شامل زبان‌های قبطی، مصری، نوشته‌های هیروگلیفی، زبان‌های لیبیایی و بربری قدیم می‌باشد.

۳. خانوادهٔ زبان‌های اورالی یا فینو اوگریک

شامل زبان‌های فنلاندی،لاپنی، مجاری، استونی و همچنین زبان‌هایی، که در اورال و

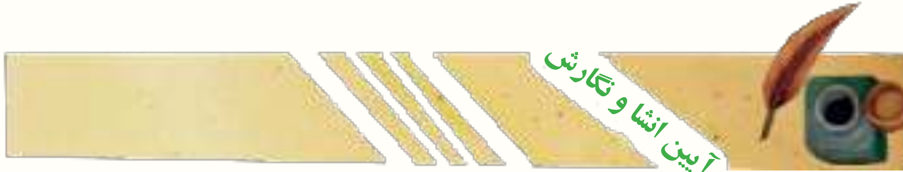
بعضی از نقاط شوروی سابق به آن‌ها سخن گفته می‌شوند.
٤. خانواده آلتایی یا تورانی: آلتایی سه شاخه مهم دارد.
الف) شاخۀترکی: بر علاوه زبان ترکی این شاخه شماری از زبان‌های آسیای میانه؛ مانند: اوزبیکی، قزاقی، قرغزی وغیره را در بر می‌گیرد.
ب) شاخۀ تونگوز: یکی از زبان‌های این شاخه مانچو است. زبان‌های ایقینکی و گولدی است؛ که این زبان‌ها را قبیله‌های پراکنده در سایبریای شمالی به کار می‌برند.
ج) شاخۀ منگولیایی: زبان رسمی مردم منگولیا و زبان‌های اقلیت‌های شوروی سابق وچین را در بر می‌گیرد.
٥. خانوادۀ زبان‌های چینی و تبتی: شامل زبان‌های چینی، تبتی، برمایی، سیامی می‌باشد.
٦. خانوادۀ زبان‌های افریقایی: شامل زبان‌های سومالیایی، گینه‌یی و بانتو می‌باشد.
٧. خانوادۀ زبان‌های اقیانوسیه: شامل زبان‌های اندونیزی، پلنزی و ماله می‌باشد.



* در نام‌گذاری خانواده‌های زبان راهی است که توسط آن، خانواده را از روی نام، جاهایی که در منتهای فراخنای جغرافیایی خانواده افتیده باشد، نام می‌دهند. از این نگاه، به نام هند و اروپایی معروف است؛ زیرا وابسته‌های آن از هند در خاور گرفته تا اروپا در باختر پخش شده است.

بیاموزیم
۱. زبان‌شناسان شمار زبان‌های جهان را بیش از سه هزار تخمین کرده اند.
۲. زبان‌شناسان با در نظر داشت این موضوع، که بسیاری از زبان‌ها از اصل واحد به‌وجود آمده اند، تقسیم بندی زبان‌ها را به اساس خانواده نمودند.
۳. زبان‌ها به خانواده‌های هند و اروپایی، حامی، سامی، اورالی، تبتی و چینایی، افریقایی و اقیانوسیه تقسیم گردیده اند.
۴. زبان‌های هند و اروپایی، به مجموعۀ زبان‌هایی گفته می‌شود که دارای ریشۀ مشترک بوده و دامنۀ آن از نیم‌قارۀ هند تا قارۀ امریکا گسترده می‌باشد.
۵. میان زبان‌های هند و اروپایی؛ مانند: لاتین، سانسکریت و... مشابهت‌هایی وجود دارد، که این تشابهات نه‌تنها در عرصۀ همگونی واژه ها؛ بل از دیدگاه دستوری نیز همانندی‌هایی را

دارا می‌باشند.
۶. شاخهٔ هند و آریایی زبان‌های(باستانی ونوین) هند، ایران، افغانستان و برخی کشورهای دیگر همسایه را در بر می‌گیرد.
۷. شاخه‌های دیگر هند و اروپایی که هرکدام زبان جداگانه‌یی را می‌سازند؛ عبارت اند از: زبان ارمنی، یونانی، آلمانی سلیتی، اناتولی، تخاری، بالت و سلاوی و البانی می‌باشند.



نگارش تشریحی: نوشته‌هایی را گویند که در آن موضوعی با موشگافی و دقت هر چه بیشتر شرح داده شده باشد. این نوع نوشته‌ها را به دو دستهٔ عینی و ذهنی تقسیم می‌کنند:
۱. نگارش تشریحی عینی: عبارت است از نوشته‌هایی که نویسنده صحنه یا موضوعی را به چشم خود دیده؛ سپس جزء جزء آن را به روی کاغذ آورده باشد. طوری‌که شنونده یا خواننده بتواند به خوبی آن منظره یا آن شی را در نظر مجسم کند. در این نگارش‌ها هر چه دقت در مشاهده باشد و ریزه کاریها تشریح شده باشد رنگ و جلوهٔ آن زیادتر است. نثرهای تاریخی؛ مانند: نثر تاریخ بیهقی نیز جزء این نوشته‌ها می‌باشد.
۲. نگارش تشریحی ذهنی: در این نگارش‌ها نویسنده صحنه یا موضوعی را در ذهن خویش مجسم کرده و شرح جزئیات آن را داده باشد، طوری که برای خواننده تصور گردد که نویسنده خود شاهد بوده و به چشم دیده باشد؛ مثلاً: داستان ابن سماک بیهقی را می‌توان از جمله این نگارش‌ها دانست.
اگر شاگردان به نوشته‌های تشریحی ذهنی و عینی، خود را عادت دهند، در آینده نویسنده‌گان خوب خواهند شد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در رابطه به خانوادهٔ زبان‌ها، یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.
۲. شاگردان یک یک نفر به نوبت در مورد خانوادهٔ زبان‌های هند و اروپایی سخنرانی نمایند.
۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ نگارش‌های تشریحی با هم بحث و گفتگو نموده؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.
۴. چند شاگرد به نوبت در مورد زبان‌های رایج در کشور معلومات بدهند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در بارهٔ تصویر پایین در کتابچه‌های تان یک متن ادبی بنویسید و در آن نشانه‌گذاری را رعایت نمایید.





۱. زبان‌شناسان زبان‌های جهان را به کدام بخش‌ها تقسیم بندی کردند؟
۲. زبان‌شناسان با در نظر داشت کدام اصل، بخش بندی زبان‌ها را به اساس خانواده انجام داده اند؟
۳. خانوادهٔ هند واروپایی شامل کدام زبان‌هاست؟
۴. در زبان‌های هند و اروپایی کدام مشابهت‌ها وجود دارد؟
۵. خانوادهٔ حامی، سامی کدام زبان‌ها را در بر می‌گیرد؟
۶. شاخهٔ هند و آریایی کدام کشورها را در بر می‌گیرد؟
۷. شاخهٔ تونگوز شامل کدام خانوادهٔ زبانی بوده و شامل کدام زبان‌ها می‌شود؟
۸. نگارش تشریحی به چند دسته تقسیم گردیده، هر کدام را نام بگیرید؟
۹. نگارش‌های تشریحی عینی را توضیح نمایید.
۱۰. نگارش‌های تشریحی ذهنی چگونه نگارشی است؟



۱. در رابطه به نقش زبان در زنده‌گی مطلبی بنویسید و در آن نشانه‌گذاری را رعایت نمایید.
۲. ابیات زیرین را حفظ کنید:

هیچ شادی نیست اندر این جهان — بر تر از دیدار روی دوستان
هیچ تلخی نیست بر دل تلخ تر — از فراق دوستان پر هنر

رودکی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. غلام محی الدین انیس کی بود؟
۲. او در کدام عصر میزیست؟
۳. او چه کارهایی را انجام داد؟
٤. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
۵. آثار او را چگونه ارزیابی می کنید؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

غلام محی‌الدین انیس



غلام محی‌الدین انیس فرزند غلام نقشبند، زادگاه اصلی‌اش ولسوالی مقر ولایت غزنی است. تاریخ تولدش دقیق معلوم نیست کودکی وی مقارن دوره زمامداری عبدالرحمان خان (۱۲۵۸-۱۲۷۹هـ‍ش.) بود به نسبت اختناق در کشور و مظالمی که عبدالرحمان خان علیه قوم **اندړ** و مبارز مشهور ملا مشک عالم در غزنی نموده بود، سه هزار خانواده تحت ظلم و شکنجه قرار گرفتند. خانوادۀ انیس تبعید گردیده و در مصر سکونت اختیار کرد.

انیس در آن‌جا توانست که از روح مکتب سیدجمال‌الدین افغانی و اندیشۀ شاگردان مصری‌اش به خصوص شیخ عبده در قاهره، استفادۀ اعظمی برده و تحصیلات خود را در مصر تکمیل نماید. آن زمان در قاهره، که خیزش‌های فکری، سیاسی ضد استعماری به خصوص استعمار انگلیس مشغولیت مهم آن متفکران را احتوا می‌کرد، محی الدین از اوضاع بی اطلاع نبود و همیشه سعی داشت دو باره به افغانستان برگردد و مصدر خدمت به وطن آبایی‌اش شود. وی با اسماعیل افندی عضو هیأت افغانی در مصر، تصمیم گرفت به افغانستان بر گردد. همین بود، که در سال ۱۳۰۲خورشیدی به هرات برگشت و به تدریس علوم اجتماعی و زبان عربی به جوانان اهل علم آغاز کرد و هم کتابی را به نام ندای طلبۀ معارف (حقوق ملت) نوشت و در مطبعۀ هرات به چاپ رسانید.

زمانی‌که اولین قانون مطبوعات آزاد در دورهٔ امان‌الله خان در سال ۱۳۰۳هـ . ش. نافذ گردید. انیس به کابل آمد. او با مطالعهٔ جو سیاسی، شرایط اجتماعی و آماده‌گی دولت با پذیرش نشریه‌های آزاد غیر دولتی در فضای مساعد قانون مطبوعات، موقع یافت تا آرزوی دیرینهٔ خود (نشر یک جریدهٔ آزاد) را در کابل به منصهٔ عمل بگذارد. انیس پس از جاگزین شدن در کابل جریدهٔ انیس را تأسیس کرد. این جریده برای بار نخست به حیث یک جریدهٔ آزاد ملی به تاریخ ۱۵ثور۱۳۰۶ هـ . ش. به نگارنده‌گی و سرمحرری غلام محی الدین انیس در شهر کابل در ۴۵ صفحه به نشرات آغاز کرد.

محی‌الدین در اولین روزنامه اهدافش را چنین بیان کرد: «هدف اساسی انیس تهیه و نشر مطالب قانونی، روحی و ادبی به غرض آگاهی عموم مردم و بیشتر مامورین بوده است.» محتوای جریده بیانگر احساسات ملی و وطندوستی، حفظ استقلال کشور و نشر اخبار اختراعات و اکتشافات در ساحهٔ تمدن، رویدادهای داخلی و خارجی، تعلیم و تربیه و تدبیر منزل بود. انیس خودش اخبار را نوشته و حروف‌چینی و چاپ می‌کرد. این پشت‌کار وی باعث محبوبیت جریدهٔ انیس گردید. چاپ این نشریه در زمان حبیب الله کلکانی طور مؤقت معطل گردید. در سال ۱۳۱۷هـ . ش. دوباره به فعالیت آغاز نمود و نظر به دید انتقادی که داشت در زمان محمد نادرشاه، پادشاه آن وقت این نشریه متوقف گردیده، محی الدین به زندان کشانده شد و در زندان به بیماری سل مبتلا گردیده در آن‌جا وفات یافت؛ سپس سرورجویا، عبدالرشید لطیفی، محمد عثمان صدقی، محمد هاشم میوندوال و تعداد دیگر مسؤولیت این روزنامه را به عهده گرفتند. این نشریه تا امروز نشرمی‌گردد.

آثـار

ندای طلبه یا حقوق ملت: این اثر به تشویق شجاع‌الدوله وزیر امنیهٔ دوره امان الله خان که در آن زمان نایب الحکومهٔ هرات نیز بود، در هرات چاپ شد.

این کتاب در حقیقت یک رمان اجتماعی است که در مورد آزادی و قانون نوشته شده است.

بحران و نجات: این اثر در مورد وقایع اخیر دورهٔ امانیه و حبیب الله کلکانی نوشته شده است.

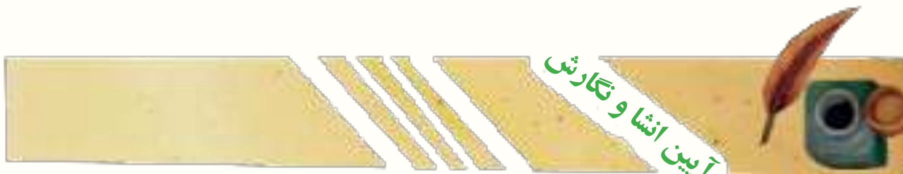
غلام محی الدین انیس نقش برازنده ای در حیات مطبوعات و تحقیقات کشور ما دارد.



مطبوعات در دورهٔ امانیه: در تاریخ مطبوعات افغانستان دورهٔ میان سال‌های۱۲۹۷ –۱۳۰۷ش. دوره امانیه از دوره‌های رونق انتشار نشریه‌های آزاد بود. در این دوره این امکان فراهم آمد؛ تا به‌جای دولت که تا آن زمان تنها ناشر مطبوعات بود، اشخاص به انتشار نشریات خصوصی دست بزنند. انیس با مدیریت بهتر و با گردآوری تمام فن آوری لازم توانست نیازهای خود را به شکل مستقل برآورده کند و بهترین نشریهٔ آزاد نخستین دوره از دوره‌های بر شمردهٔ رونق این نوع نشریات باشد. از ویژه‌گی‌های انیس انتقال روحیهٔ ملی گرایی به خواننده‌گان، عمومی بودن مطالب و جذب مخاطبان بسیار و از اهداف آن بیداری ذوق نویسنده‌گی در خواننده‌گان به ویژه دانش آموزان بود که انیس را در راه رسیدن به این هدف موفق دانسته اند.

بیاموزیم

۱. انیس با استفاده از اندیشه‌های سید جمال‌الدین تحصیلاتش را در مصر تکمیل کرد.
۲. غلام محی الدین انیس در سال ۱۳۰۶خورشیدی به هرات برگشت و به تدریس علوم اجتماعی و زبان عربی به جوانان اهل علم آغاز کرد.
۳. جریدهٔ انیس، به حیث جریدهٔ آزاد ملی در سال ۱۳۰۶هـ . ش. به نشرات آغاز کرد.
۴. ندای طلبه، بحران و نجات از جملهٔ آثار غلام محی الدین است.



نگارش توصیفی یا وصفی: در این گونه نگارش نویسنده منظره‌یی را که به چشم دیده است نه‌تنها تشریح می کند؛ بلکه زیبایی‌ها و یا زشتی‌های آن را به صورت دلپسند جلوه می‌دهد و در چشم و دل خواننده می‌آراید. عمده ترین هنری که نویسنده در نوشتهٔ وصفی به کار می‌برد تخیل است؛ بنابر این نوشتهٔ وصفی را باید مخلوطی از حقیقت و تخیل دانست، که قدرت نویسنده آن‌ها را با هم آمیخته و به صورت دلپذیر در آورده است. در ادبیات کلاسیک زبان فارسی دری، نثر توصیفی بسیار اندک است؛ زیرا اول اینکه نثر نسبت به شعرکمتر است؛ دوم اینکه نثرهایی هم هست که بیشتر جنبه تاریخی دارد. از واقعات زنده‌گی سخن می‌گوید و جنبه وصفی آن کمتر است؛ اما در شعر آنقدر پرده‌های بدیع رنگارنگ وصف به ملاحظه می‌رسد که خواننده از این همه زیبایی به اعجاب و شگفتی دچار می‌شود.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در دو گروه در رابطه به شخصیت غلام محی‌الدین انیس باهم گفتگو نموده و از هر گروه یک نفر نتیجهٔ بحث شان را بیان نماید.

۲. شاگردان دودو نفر در این رابطه که چگونه خود را به مطالعهٔ اخبار عادت دهند باهم مباحثه نمایند.



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.

۲. در بارهٔ تصویر در کتابچه‌های تان متنی بنویسید.



۱. غلام محی‌الدین انیس کی بود، شخصیت وی را در مطبوعات کشور چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

۲. در مورد به اندیشه، طرز تفکر و فعالیت‌های انیس در مطبوعات معلومات دهید.

۳. نگارش توصیفی چگونه نگارشی است؟

۴. آیا وصف بیشتر در نثر کلاسیک وجود داشته یا در شعر؟



۱. در بارهٔ نقش مطبوعات درکشور به‌طور فشرده متنی بنویسید.

۲. قطعهٔ زیرین را حفظ کنید:

زمانــه پنــدی آزاده وار داد مـــــرا — زمانه را چو نکو بنگری همه پند است

به روز نیک کسان آرزو مبر زنهار — بسا کسان که به روز تو آرزو مند است

بهارستان جامی

۳.متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی درس روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس بیست سوم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سؤال‌های زیر باشد:

۱. شعر زیر در مورد چه سروده شده است؟
۲. شعر درس از کیست؟ شاعر آنرا مختصراً معرفی کنید.
۳. شعر خداشناسی در بر گیرندهٔ کدام مفاهیم می‌باشد؟
٤. در این شعر کدام صنایع بدیعی به کار رفته است؟

در پایان معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

خدا شناسی

چه گویی اندرین چرخ مدور — کزو تابد همی مهر منور
وز او هر شب درخشانند تا روز — هزاران جرم نورانی مدور
چه گویی اندرین اجناس مردم — به تصویر دگر هر یک مصور
یکی را از شقاوت داغ بر دل — یکی را از سعادت تاج بر سر
چه گویی اندرین دو مرغ پران — همه ساله گریزان یک زدیگر
یکی را از سیاهی قیرگون بال — یکی را از سپیدی سیمگون پر
چه گویی اندرین سر گشته پیلان — معلق از هوا با کوس و خنجر
گهی پاشند بر کهسار کافور — گهی بارند بر گلزار گوهر
چه گویی اندرین تاریک مرکز — کزو خیزد نبات و زر و گوهر
گرفته صد هزاران کالبد را — به درد و داغ در آغوش و در بر
تو پنداری که خود چندین عجایب — به وصف اندر یک از دیگر عجبتر
شود بی صانعی هرگز مهیا؟ — شود بی قادری هرگز مقدر؟
کجا باشد چنین اندیشه ممکن؟ — کرا باشد چنین گفتار باور؟
که بی خلاق باشد خلق عالم — که بی نقاش باشد نقش دفتر
چو بنده عاجز است از پروراندن — خداوند توانا و توا نگر
یکی از عدل او در چاه و زندان — یکی از فضل او بر تخت و منبر
ببین تأثیر او در شرق و در غرب — ببین آثار او در بحر و در بر
حقیقت‌دان که بی فرمان او نیست — به گیتی ذره‌یی از نفع و از ضر
گواهی ده که بی تقدیر او نیست — به عالم نقطه‌یی از خیر و از شر
از آن روزی تفکر کن که ایزد — به حق باشد میان خلق داور
چنان باید که تخمی کاری امروز — که فردایت همی نیکی دهد بر

امیر معزی



* معـزی: امیرالشعرا ابوعبدالله محمد بن عبدالملک از شاعران بزرگ قرن پنجم دورهٔ سلجوقی بود که در دربار معزالدین ملک‌شاه بن آلپ ارسلان می‌زیست. تخلص او به معزی به مناسبت انتسابش به دربار می‌باشد. لقب امیر را هم ملک شاه برای وی اعطا کرد. معزی تا فوت ملک‌شاه در دربار او بود. پس از آن مدتی را در هرات، نیشاپور و اصفهان گذراند و بعد به خدمت سنجر بن ملک‌شاه رسید و تا آخر عمر در دربار او ماند.

اشعار معزی شامل قصاید و غزلیاتی است که در نهایت ساده‌گی و خالی از تکلف می‌باشد. در قصایدش اشارات تاریخی و جود دارد و به بسیاری از وقایع عصر سلجوقی پرداخته است.

* کافور: دارویی است خوشبو و سفید رنگ که از درخت کافور به‌دست می‌آید، درخت کافور در جنگل‌های نواحی شرقی آسیا و مناطق کوهستانی شرق هند، چین و جاپان می‌روید و بلندی آن به ۵۰ متر می‌رسد.

بیاموزیم

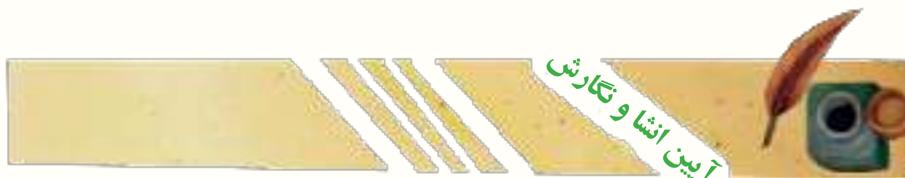
۱. تمام کاینات و همه چیز را که در کاینات می‌بینیم؛ مانند: ستاره‌گان، اجرام سماوی و غیره صانع قادر یعنی خداوندﷻ خلق کرده است.

۲. در بر و بحر، شرق و غرب نشانه‌های قدرت خداوندﷻ را می‌بینیم و می‌دانیم که همه چیز به ارادهٔ او است.

۳. ای انسان به روز قیامت فکر کن و بدان که خداوندﷻ در آن روز داور است. پس تو امروز کار نیک انجام بده، تا در آن روز ثمرش را بگیری.

۴. امیرالشعرا ابوعبدالله محمد معزی بن عبدالملک از شاعران بزرگ قرن پنجم دورهٔ سلجوقی بود.

۵. اشعار معزی شامل قصیده‌ها و غزل‌ها است که در نهایت ساده‌گی و خالی از تکلف می‌باشد. در قصیده‌هایش اشارات تاریخی وجود دارد و به بسیاری از وقایع عصر سلجوقی پرداخته است.



نگارش تخیلی: گاهی نوشته‌ها نه تشریحی و نه وصفی است؛ اما حالت شادی یا غم را در روح خواننده ایجاد می‌کند و او را با افکار نویسنده شریک می‌سازد. این نوع نوشته‌ها را تخیلی می‌نامند.

از کلمه تخیلی نباید چنین استنباط کرد که آن‌چه زادهٔ خیال و اندیشه است، نوشته تخیلی نامیده می‌شود؛ بلکه همان‌گونه که در نوشته‌های تشریحی گفته شد، گاهی انسان منظره، حالتی یا داستانی را در ذهن خود ایجاد مجسم کرده و باکمک تخیل خود و آن را به صورت نوشته‌یی به خواننده بیان می‌کند. بنابرآن مقصود از نوشتهٔ تخیلی، نوشته‌یی نیست که ذهن و اندیشه انسانی منظره یا حالتی را صرفاً دور از واقعیت تخیل کرده باشد؛ بلکه مقصود ایجاد ارتباطی است میان حوادث مختلف و صحنه‌های متفاوت از پدیده‌های عینی و ذهنی تا حالتی را که نویسنده انتظار دارد، در خواننده ایجاد کرده و قدرت خیال‌پروری اش را به نمایش نگذارد. این نوع نوشته‌ها بیشتر نمایندهٔ روح نویسنده می‌باشند. نویسنده با ذهن خلاقش حالات خود و ماحول خود را به خواننده انعکاس می‌دهد. این گونه نوشته‌ها غالباً با قدرت تخیل همراه بوده، هنرمندانه و گیراست.

کار گروهی و سخنرانی

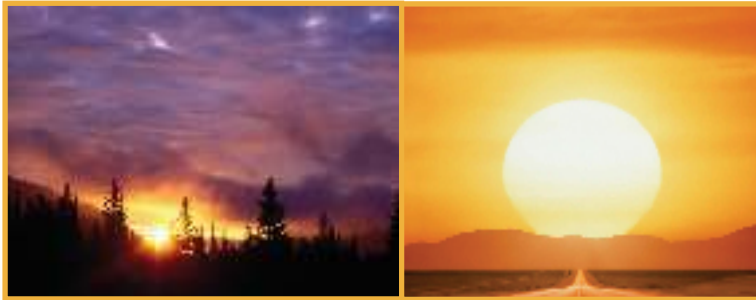
۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده؛ سپس هر گروه در بارهٔ پیام شعر خوانده شده باهم گفتگو نموده، نتیجه را به دیگران بیان نمایند.

۲. یک تن از شاگردان در رابطه به خدا شناسی و عظمت کاینات سخنرانی نماید.

۳. چند تن از شاگردان به نوبت در رابطه به نگارش تخیلی آن‌چه آموختند اظهار نظر نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر با در نظر داشت قواعد نگارشی که خواندید متنی بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.





۱. مفهوم اساسی شعری را که خواندید به زبان ساده بیان کنید.
۲. امیر معزی کی بود؟
۳. در بارۀ نگارش تخیلی چه می‌دانید؟
۴. صنعت ادبی بیت زیر را مشخص نمایید.

یـکی را از سیاهی قیر گون بـال　　　یکی را از سپیدی سیمگون پر



۱. شعری را که خواندید به نثر تبدیل کنید.
۲. بیت زیر را حفظ نمایید:

میراثِ پدر خواهی علمِ پدرآموز　　　کاین مالِ پدرخرج نتوان کرد به یک روز

گلستان سعدی

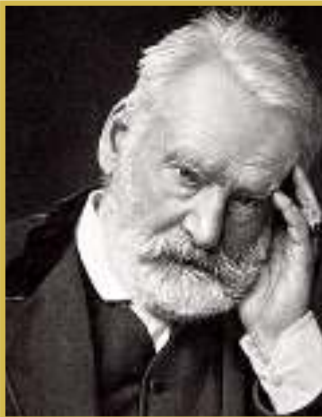
۳. متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. ویکتور هوگو کی بود و چگونه طرز تفکر داشت؟
۲. ویکتور هوگو چه کارهایی را انجام داد؟
۳. هوگو در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
٤. آثار هوگو را چگونه ارزیابی می کنید؟
۵. کتاب بینوایان نوشتهٔ کدام نویسندهٔ مشهور بوده و موضوع آن چیست؟

در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

ویکتور هوگو



ویکتور هوگو درسال ۱۸۰۲میلادی در فرانسه چشم به جهان گشود. وی فرزند سوم جوزف لیوپولدریگزبرت هوگو بود. پدرش در اردوی ناپلیون سمت جنرالی داشت و با اردوی ناپلیون به‌طور منظم سفر می‌کرد. سفرهای دراز مدت پدرش سبب اختلاف پدر و مادرش شد، هر چند این مناسبات از همان آغاز نیز به دلیل تعلقات سیاسی متضاد چندان خوب نبود. مادر هوگو طرفدار خانوادهٔ سلطنتی فرانسه بود و پدرش به حکومت‌های بعدی که آمدند، ابراز وفاداری می‌کرد. اختلاف پدر و مادر در زنده‌گی هوگوی جوان بحرانی عجیب ایجاد نمود و این روح حساس را به دنیای شعر و ادب راند. او ده ساله بود که به سرودن شعر آغاز کرد. او که مجبور شده بود از مادر خود جدا و با پدر رهسپار ناپل و مادرید گردد، به زودی از پدری که سخت پابند مناسبات نظامی بود، جدا شد و به سوی مادر بازگشت و زیر تأثیرعقاید محافظه‌کارانهٔ مادر قرار گرفت و شاعر نظام شاهی و کلیسا شد. بعد از سقوط امپراتوری، هوگو شاگرد لیسهٔ لویی لِي گراند شد و بعد از فراغت شامل فاکولتهٔ حقوق گردید. دوران تحصیل او غیر منظم و غالباً بی هدف بود. زنده‌گانی او در این دوران برایش الهام بخشید تا کرکتر ماریوس را وارد ناول بینوایان کند.

هوگو از۱۸۱۶م. به بعد دنبال قانون را رها کرد. او در این دوران کتابچه‌ها را پی هم با سرودن شعرهای خود یا ترجمهٔ شعرهای ویرژیل شاعر رومی سیاه می‌کرد. هوگو به تشویق مادر خود مجلهٔ ادبی تأسیس کرد و در آن به نقد شعرهای لامارتین پرداخت. درسال ۱۸۲۱م.

مادرش مرد و او با یکی از دوستان دوران کودکی خود ازدواج کرد. درسال ۱۸۲۳م. اولین ناول خود هانس آیلند را نوشت، که در ۱۸۲۵م. چاپ شد. هوگو در شعرهای خود از بحور عروضی متنوع استفاده می‌کرد و تخیل درخشان داشت. او درسال ۱۸۳۰م. چهار مجموعهٔ مهم انتشار داد، که در آن شعر طبیعت گرای را با زنده‌گی خانواده‌گی به هم آمیخته بود؛ اما نیمهٔ دوم قرن نزده دوران واکنش در برابر رومانتیسیسم بود. قسمت عمده و قابل یادآوریی شعرهای هوگو بعد از۱۸۵۰م. به نشر رسید. از جمله سه مجموعهٔ شعری هوگو مخفیانه به چاپ رسید. هوگو خود در آن وقت در تبعید به سر می‌برد. این سرودها فریاد هوگو بر ضد ابتذال مستولی برعصری بود، که دامنگیر لویی ناپلیون و جامعهٔ امپراتوری بود. هوگو در این سرودها برتاریکی‌های عصر خود و روشنایی‌های آینده خوشبینانه تأکید می‌نماید و پیروزی نهایی صلح، آزادی وعدالت اجتماعی را اعلام می‌کند. این مجموعه‌ها شاعر را مرشد اجتماعی معرفی می‌نماید.

هوگو در این روزگار سرشار از احساسات اصلاح‌طلبی بود که می‌خواست مناسبات ظالمانهٔ روزگارش به نفع مردم بینوای جامعه تغییرنماید. این شاعر و نویسندهٔ بزرگ فرانسوی در ۲۲می ۱۸۸۵ م چشم از جهان فرو بست.

آثار معروف هوگو عبارت اند از: کلیسای نوتردام پاریس، کارگران دریا، تاریخ یک جنایت، مردی که می‌خندد؛ اما شاهکار ویکتور هوگو که تقریباً به تمام زبان‌های زندهٔ دنیا، ترجمه گردیده و یکی از کتاب‌های خواندنی ادبیات جهان می‌باشد؛ کتاب معروف بینوایان است. قهرمان اصلی این اثر مردی به نام ژان والژان است، که برای سیرکردن یک کودک گرسنه نانی از یک نانوایی میدزدد. دو سال به همین جرم در زندان می‌ماند و گرفتار یک رشته ماجراهای تلخ و شیرین می‌شود.

هوگو در فضیلت پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ چنین نوشته است:

«می‌دانست که پایان عمرش فرا رسیده، همیشه مشغول نیایش به درگاه پروردگار بود. بسیار کم غذا می‌خورد. با دست خود شیر گوسفندان را می‌دوشید و هنگامی‌که لباسش فرسوده می‌شد خودش به روی زمین می‌نشست و آن را وصله می‌زد.

شصت و سه سال داشت که ناگهان تب بر وجودش راه یافت. قرآن را سراسر باز خواند. آنگاه پرچم اسلام را به‌دست پرچمدار خود داد و بدو گفت: این آخرین بامداد زنده‌گانی من است. بدان که خدای جز خدایی یگانه نیست در راه او جهاد کن. آرام بود؛ اما نگاهش چون نگاه عقابی بلند پروازی بود که نا گزیر به ترک آسمان شده باشد.

آن روز مثل همیشه در ساعت نماز به مسجد آمد. به علی تکیه کرده بود و مؤمنان به دنبالش می‌آمدند. پیشاپیش ایشان همه جا پرچم مقدس در اهتزاز بود، هنگامی‌که به مسجد رسیدند؛

وی روی به مردم کرد و گفت: هان ای مردم!

اگر خداوند اراده نمی‌کرد من آدمی بیسوادی بیش نبودم. کسی بدو گفت: ای رسول خدا! جهانیان همه هنگامی‌که دعوت ترا در راه حق شنیدند ایمان آوردند. روزی که تو پای به هستی نهادی، ستاره‌یی در آسمان ظاهر شد و هر سه برج طاق کسرا فرو ریخت؛ اما او دنبالهٔ سخن را گرفت و گفت: با این همه، ساعت آخرین من فرا رسیده. اکنون فرشته‌گان آسمان در بارهٔ من مشغول شورند.

گوش کنید! اگر من به کسی سخن بد گفته باشم پیش از آن که از جهان بروم به من به بدی سخن گوید. اگر کسی را زده ام مرا بزند. آنگاه چوبی که در دست داشت به سوی حاضرین دراز کرد. بار دیگر وی گفت: ای مردم! به خدا ایمان داشته باشید و در مقابل او سر تعظیم فرود آورید، مهمان نواز، پارسا و داد گستر باشید. باز گفت: هنگام رحلت من از این عالم فراه رسیده است. پس شتاب کنید هر گناهی کرده باشم به من تذکر دهید. مردم خاموش و افسرده از کنار او می‌رفتند. وی صورت خود را در چاه ابوالفدا بشست. مردی از وی سه درهم مطالبه کرد و بی درنگ پرداخت. گفت: تصفیهٔ حساب در اینجا بهتر است تا در میان گور.

مردم با نگاهی پر از مهر مثل نگاه کبوتر بدین مرد پر جلال که دیری تکیه گاه آنان بود؛ می‌نگریستند. هنگامی‌که محمد ﷺ به خانهٔ خود باز گشت، بسیاری بیرون خانه تمام شب را بی آنکه دیده برهم گذارند روی تخته سنگی گذرا ندند.

بامداد روز بعد وی گفت: ای ابو بکر! مرا یاری برخاستن نیست. برای من قرآن بخوان. ابوبکر قرآن می‌خواند و سایرین می‌گریستند.

یکبار همه دیدند که در نگاه او مانند روز تولدش برقی درخشید، دعوت حق را لبیک گفت و آنگاه لرزشی بر وی حکم فرما شد. نفسی آرام لب‌های او را از هم گشود و محمد ﷺ جان به جان آفرین تسلیم کرد.

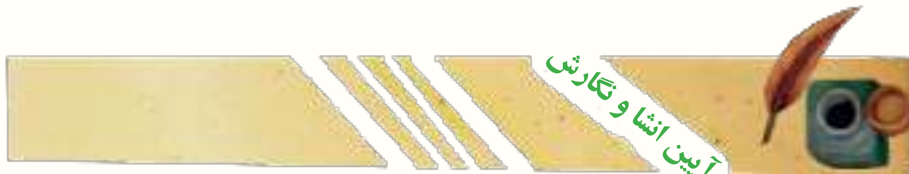
ترجمهٔ ش، شفا



* رومانتیسم: اولین بار در اواخر قرن هژدهم وارد ادبیات فرانسه شد؛ سپس مسیر خود را به ادبیات ایتالیا و اسپانیا در پیش گرفت و در نیمهٔ قرن نزدهم بر ادبیات تمام اروپا حاکم شد. رومانتیسم همان مکتب ادبی است که با مکتب ادبی کلاسیسم یا ادبیات قرون وسطی مخالفت می‌ورزید. دراین سبک نویسنده در بیان تخیل، تجسم و شیوهٔ ا فادهٔ خود آزادی کامل داشت.

بیاموزیم

۱. ویکتور هوگو در سال ۱۸۰۲میلادی در فرانسه چشم به جهان گشود.
۲. وی فرزند سوم جوزف لیو پولدریگزبرت هوگو بود. پدرش در اردوی ناپلیون سمت جنرالی داشت.
۳. هوگو شاگرد لیسهٔ لویی لی گراند شد و بعد از فراغت شامل فاکولتهٔ حقوق گردید.
۴. هوگو جوانی سرشار از احساسات و اصلاح طلبی بود که می‌خواست مناسبات ظالمانهٔ روزگارش به نفع مردم بینوای جامعه تغییر نماید. این شاعر و نویسندهٔ بزرگ فرانسوی در ۲۲می ۱۸۸۵ چشم ازجهان فروبست.
۵. آثار معروف هوگو عبارت انداز: کلیسای نوتردام پاریس، کارگران دریا، تاریخ یک جنایت، مردی که می‌خندد و شاهکار او بینوایان.



نگارش تحقیقی: در این نگارش نویسنده در بارهٔ موضوع علمی، اجتماعی، ادبی، تاریخی و مانند این‌ها یا از راه مشاهده یا مطالعه با دقت هر چه بیشتر و استفاده از منابع ممکن موضوعاتی را فراهم می‌کند و به نوشته آن می‌پردازد. آن‌چه در این نوشته اهمیت دارد، حفظ و امانت‌داری نام نویسنده است، که در ابتدا خواننده‌گان را با دادن منابع موهوم و ضعیف گمراه نسازد. دوم این که آن‌چه را از منابع گرفته است مشخص نماید و آن‌را از خود نشمارد. تا در رعایت امانت کوشا بوده و اصول اخلاقی ماخذ برداری را زیر پا نکند. در نوشته‌های تحقیقی، دانش و آگاهی نویسنده نقش مهمی دارد. این نوشته‌ها باید ساختار درست و منظمی داشته از زبان معیار دور نگردد و در آن پیچیده‌گی فراوان راه نیابد. بخش اصلی این

نوشته‌ها را می‌توان در مقدمهٔ آن بیان کرد؛ سپس به شرح و بسط آن‌ها پرداخت و در پایان، نتیجه و حاصل تحقیق را جا داد. خلاصه آن که نگارش تحقیقی باید پیام یا بیان تازه داشته باشد، مستند، منظم و بهره‌مند از ساخت منطقی بوده با زبان روشن و عاری از شاخ و برگ زاید نوشته شود.

کار گروهی و سخنرانی

۱. پس از تفکر لازم بحث و مناظره نمایید که کدام عوامل در ساختن شخصیت هوگو نقش اساسی داشته است؟

۲. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و شخصیت و کار نامه‌های ویکتور هوگو را با یکی از شاعران و نویسنده‌گان کشور مقایسه نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نمایند.

۳. یک تن از شاگردان در مورد نگارش تحقیقی سخنرانی نماید.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود در کتابچه‌های تان املا بنویسید.

۲. در مورد تصویر زیر متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.





۱. ویکتور هوگو در کدام سال و در کدام کشور تولد شد؟
۲. ویکتور هوگو چند ساله بود که نخستین شعر خود را سرود؟.
۳. کدام انگیزه باعث شد که هوگو ناول بینوایان را بنویسد؟
۴. بینوایان چگونه اثری بوده و در مورد چه می‌باشد؟ واضح سازید.
۵. هوگو در بارۀ حضرت محمد ﷺ چه گفته است؟
۶. در نگارش تحقیقی کدام نکات مهم پنداشته می‌شود؟
۷. در نگارش تحقیقی نویسنده در بارۀ کدام موضوعات و از کدام طریق به نگارش آن می‌پردازد؟



۱. در مورد یکی از چهره‌های معروف ادبیات جهان نظر به علاقۀ تان معلومات جمع آوری نموده روز آینده در صنف قرائت نمایید.
۲. شعر زیر را حفظ کنید:

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت
یک موی ندانست ولی موی شگافت
اندر دل من هزار خورشید بتافت
آخر به کمال ذره‌یی راه نیافت

ابن سینای بلخی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس بیست پنجم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سؤال‌های زیر باشد:

۱. هنرهای هفتگانه به کدام هنرها گفته می‌شود؟
۲. موسیقی از کدام کلمه گرفته شده و به معنای چیست؟
۳. در بارهٔ تاریخچهٔ هنر مجسمه سازی چه می‌دانید؟
٤. هنر تیاتر دارای چه ارزشی می‌باشد؟
٥. در بارهٔ هنر سینما معلومات دهید.

در پایان معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

هنرهای هفتگانه



هنرهای هفتگانه شامل موسیقی، نقاشی، ادبیات، مجسمه‌سازی (پیکر تراشی)، معماری، تیاتر و سینما می‌باشد. هر چند هر کدام این هنرها در بر گیرنده بحث طولانی می‌باشد؛ ناگزیر در این درس به گونهٔ مختصر به معرفی هر کدام به‌طور جداگانه می‌پردازیم.

موسیقی

موسیقی، به هر نوا و صدایی گفته می‌شود که شنیدنی و خوش‌آیند باشد. موسیقی بیان احساسات انسان است به وسیلهٔ اصوات که مهمترین عوامل آن صدا و ریتم می‌باشد.

پیشینیان موسیقی را چنین تعریف کرده‌اند: معرفت الحان و آن‌چه التیام الحان بدان بود و بدان کامل شود.

ارسطو موسیقی را یکی از شاخه‌های ریاضی می‌دانست و فیلسوفان اسلامی نیز این نظر را پذیرفته اند؛ ولی از آن‌جا که همه ویژه‌گی‌های موسیقی؛ مانند: ریاضی مسلم و غیر قابل تغییر نیست؛ بلکه ذوق و قریحهٔ سازنده و نوازنده هم در آن دخالت تام دارد، آن را هنر می‌دانند. در هر صورت موسیقی امروز دانش و هنری گسترده است، که دارای بخش‌های گوناگون و تخصصی می‌باشد. موسیقی، هنری است که با استفاده از گزینش اصوات ویژه و ترکیب آن‌ها با یکدیگر، با استفاده از اصول و قوانین خود، بیان مقصود می‌کند. به همان صورت که در شعر و ادبیات، واژه‌ها نقش اصلی را دارند و در نقاشی، خط و رنگ، در موسیقی نیز اصوات استند که

نقش بیان کننده را به عهده دارند.

منابع تولید اصوات موسیقی، آلات موسیقی و حنجرهٔ انسان است. هنر موسیقی بر حسب شرایط فرهنگی زادگاه خود، انواع و اقسام بسیار زیاد دارد. و هر قوم و ملتی، موسیقی ویژهٔ خود را دارا است. موسیقی در حقیقت بیان اندیشه در قالب اصوات است.

موسیقی در مشرق زمین انواع گوناگون و متفاوتی دارد؛ ولی تقریباً همهٔ آن‌ها در نحوه برداشت از روح و کلیت موسیقی، مشترک اند و علت آن وجود نظام معنوی و تفکر فلسفی مشترکی است، که تمدن‌های مشرق زمین را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

نقاشی یا نگارگری



نقاشی به اثری می‌گویند که رنگ بر روی سطحی مانند کاغذ یا دیوار به‌جا می‌گذارد. نقاشی نسبت به زبان نوشتاری دارای پیشینهٔ بسیار قدیمی است. نقاشی‌های یافت شده در غارها نشان می‌دهد که انسان‌های اولیه با کشیدن نقش حیوانات و شکار شان به نوعی خود را آماده نبرد با آن‌ها می‌کردند. قدامت نقاشی در بین انسان‌ها، شش برابر قدمت استفاده از زبان نوشتاری است. نقاشی هنری است خیال انگیز و نقاشی‌هایی که پیش از تاریخ در جاهای گوناگون به تعداد زیاد کشف شده، در تاریخ مکاتب نقاشی، کهن ترین نقاشی‌های شناخته شده مربوط به ۲۰۰۰۰ ق. م. است.

نقاشی از روزگاران گذشته و در مناطق مختلف دنیا، گوناگون و متفاوت بوده و در طی تاریخ و ماقبل تاریخ نقاشی شیوه و سبک‌های گوناگونی داشته است. نقاشی در حقیقت یک هنر پیچیده است. ما در هر تابلوی بزرگی با دستگاه کاملی از ارزش‌ها روبه‌رو می‌شویم، که پاره‌یی علمی و برخی صوری و بخشی معنوی است.

مجسمه‌سازی، یا پی کر تراشی

این هنر یکی از جالب ترین و پیچیده‌ترین هنرهای آدمی است. مجسمه شامل کنده‌کاری هنرمندانه و ظریف است. کهن ترین مجسمه را متعلق ۳۰۰۰۰ سال پیش دانسته اند. در عصر قدیم مردمان ماقبل تاریخ مجسمه‌هایی از استخوان و عاج می‌ساختند.

مجسمه سازی هنر هم‌گذاری یا ریخت دادن به اشیاء است. که به آن تندیس، پیکره یا مجسمه گفته می‌شود. هر پیکر سه بعدی که به منظور دارا بودن یک بیان هنری آفریده شده را می‌توان تندیس نامید؛ البته باید توجه داشت که هر شکل ترتیب شده را مجسمه نمی‌گویند؛ بلکه باید در ورای آن یک فکر، خلاقیت یا نوآوری وجود داشته باشد.

یونانیان مجسمه‌ها می‌ساختند و در معابد خود قرار داده و آن‌ها را پرستش می‌نمودند. مجسمه‌های سنگی و برنزی بی‌شماری نیز از قهرمانان خود در میدانها و معابر عمومی می‌گذاشتند. مصریان نیز مجسمه‌های خود را به صورت موجوداتی در سنگ یا برنز مجسم می‌کردند و در معابد شان قرار می‌دادند.

بزرگترین مجسمه‌های جهان پیکره‌های بودا بود که در افغانستان موقعیت دارد.



معماری

معماری هنر ساختمان است. عمومی ترین کار معماری طراحی و ساخت خانه‌ها، پل‌ها، مساجد، ساختمان‌های ادارات، کار خانه‌ها و بناها می‌باشد. معماری با هنر نقاشی، مجسمه سازی و موسیقی تفاوت دارد. چرا که معماری نیازهای انسان‌های نخستین و سر پناه را در بر می‌گیرد. معماری در کشور ما تاریخ ۶۰۰۰ سال دارد.

ادبیات

ادبیات هنری است لسانی، که به صورت منثور و منظوم، شفاهی و نگارشی پدید می‌آید. شاعر و نویسنده از زنده‌گی می‌آموزد و آثار ادبی خود به بیان زنده‌گی می‌پردازد. آن‌ها از حادثه و رویدادهای اجتماعی متأثر شده و با بیان مؤثر خویش از زنده‌گی تصاویر زیبا و هنری پدید می‌آورند. آن‌ها رونق دهنده‌گان حیات عادی جامعهٔ خویش اند، که انسان‌ها را در مبارزه بر ضد پلیدی‌ها و سیاه‌کاری‌ها یاری می‌رسانند و به آیندهٔ زیبا و سعادتمند امیدوار می‌سازند. آثاری که به‌طور هنری نوشته می‌شود، بالای انسان‌ها تأثیر زیادی می‌گذارد. از یک طرف احساس زیبایی‌شناسی آن‌ها را پرورش می‌دهد، از سوی دیگر برای انسان درس زنده‌گی می‌دهد. ادبیات هر کشور بازتاب حقایق، زنده‌گی اجتماعی آن کشور است. خوشبختانه ادبیات سرزمین ما با قدامت تاریخی که دارد با ایجاد هزاران اثر هنری در غنای فرهنگ ارزشمند ما نقشی به سزایی را ایفا نموده است.

تیاتر

تیاتر، سینما و تلویزیون پدیده‌های ارتباطی ارزشمندی استند که به کمک آن‌ها می‌توان پیچیده‌ترین مفاهیم و غنی‌ترین اندیشه‌ها را به جامعه جهانی عرضه کرد. اگر چه سوابق و تاریخ هر کدام تحولات هر یک از این پدیده‌ها باهم تفاوت دارد؛ اما از نظر شیوه‌های بیانی آن‌ها بر یکدیگر تأثیرگذار بوده و تا حد زیادی از زبان مشترکی برخوردار اند. آن‌چه که این رسانه‌های ارتباطی را از یکدیگر متمایز می‌کند، وجوه تکنیکی و روش‌های اجرایی در عرضه مفاهیم است که، در طول زمان تحولات چشمگیری یافته است.



تیاتر یا نمایش، سابقهٔ طولانی دارد و آغاز آن به یونان باستان باز می‌گردد. این هنر یکی از ابزار بیانی قدرتمند انسان در عرصه طرح مفاهیم و مسایل انسانی است. تیاتر از نظر ظاهر و شیوه‌های اجرایی تغییرات فراوانی در طول تاریخ دو هزارسالهٔ خود داشته است؛ اما اصول و مبانی آن، یعنی مکان اجرا، بازیگر و طرح نمایش همواره حفظ شده است. در تعریف کلی می‌توان گفت که: تیاتر بیان بی واسطهٔ یک روایت توسط انسان برای انسان دیگر است. نور، صدا، صحنه‌پردازی و ... امکانات و ابزاری استند که برقراری ارتباط بهتر و مطلوب با تماشاگر را تسهیل کرده اند. تیاتر به واسطهٔ شکل ویژهٔ اجرایی خود از محدودیت‌هایی برخوردار است؛ اما به عنوان یک هنر نمایشی، تأثیر چشمگیری بر هنرهای تصویری بعد از خود به ویژه سینما داشته است.

هر نمایشنامه یا نمایش، بازتاب یک شیوهٔ نگرش خاص به زنده‌گی است. هر نویسندهٔ تیاتر آن‌چه را می‌نویسد، از زنده‌گی می‌گیرد و این بدان معناست که تیاتر هیچ وقت از زنده‌گی جدا نبوده و نیست. به وجود آورنده‌گان تیاتر در حقیقت تلاش کرده اند؛ تا واضح سازند که تیاتر آیینهٔ زنده‌گی است و می‌خواهند با به نمایش گذاشتن خوبی‌ها و بدی‌ها در تهذیب اخلاق جامعه نقش داشته باشند و افراد جامعه را به سوی خیر و صلاح رهنمون سازند. با به نمایش گذاشتن ابعاد شخصیت و روابط درست و نادرست، انسان‌ها را متوجه اعمال و رفتار شان سازند.

سینما

در سال۱۸۹۵م. سینما از ابتدای پیدایش، یک هنر نبود؛ بلکه آن را تصویر متحرک می‌خواندند. تقریباً بیست سال طول کشید که سینما تکامل یافت و به عنوان یک هنر شناخته

شد. در آغاز سینما را بیشتر یک پدیدۀ علمی صنعتی می‌دانستند. در سال‌های جنگ جهانی اول سینما به عنوان یک وسیلۀ نمایشی و سرگرمی رونق تجاری یافت؛ سپس قابلیت‌های هنری آن نیز رفته رفته توسط فلم‌سازان اروپایی و امریکایی کشف و شگوفا گردید و در همان سال‌ها آن را هنر هفتم نامیدند.

سینما از جنبۀ خلاقیت و بیان هنری، یک رسانۀ ارتباطی پیچیده است؛ زیرا تولید یا خلق یک اثر سینمایی، مستلزم استفاده و تلفیق اکثر هنرهای ماقبل سینما، از جمله ادبیات، نقاشی، تیاتر، معماری و موسیقی است، همراه با موارد فنی، علمی و اقتصادی که در جریان تولید فلم، فلمساز با آن مواجه است؛ چنانچه تاریخ سینما را با تاریخ سایر هنرها مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که این هنر در مدت کوتاه رشد فوق العاده زیادی داشته است. طوری که هیچ هنری در قرن بیستم به استثنای رسانۀ تلویزیون، نتوانسته با آن از لحاظ محبوبیت، فراگیری و نیروی تأثیر بر عواطف و افکار مخاطب، رقابت کند.

یکی از ویژه‌گی‌های سینما، جمعی بودن آن است که تعداد زیادی تماشاگر می‌توانند در کنار هم و هم زمان در نمایش فلم شرکت کنند. سینما از همان آغاز اختراع خود، توانست فضایی خاص را به منظور سرگرمی جمعی مردم فراهم آورد.

سینما از آغاز تا امروز مراحل گوناگونی را طی کرده است، که نخست سینما صامت یا بدون صدا و فلم‌ها سیاه و سفید بود؛ سپس از اواخر دهۀ۱۹۲۰م. عصر فلم صدادار آغاز شد و عامل صدا عملاً سینما را به صورت یک هنر سمعی و بصری درآورد. از اواخر سال ۱۹۳۰ م. با اختراع فلم رنگه سینمای رنگه به میان آمد.

بیاموزیم

۱. هنرهای هفتگانه شامل موسیقی، نقاشی، ادبیات، مجسمه سازی، معماری، تیاتر و سینما می‌باشد.

۲. موسیقی، هنری است که با استفاده از گزینش اصوات ویژه و ترکیب کردن آن‌ها با یکدیگر، با استفاده از اصول و قوانین خود، بیان مقصود می‌کند.

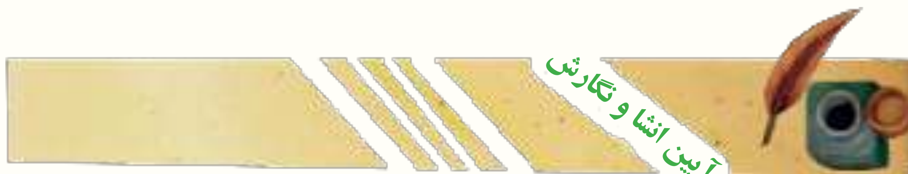
۳. نقاشی هنری است خیال انگیز، که قدامت آن پیشتر از زبان نوشتاری است.

۴. پیکر تراشی یکی از جالب ترین و پیچیده‌ترین هنرهای آدمی است، که شامل کنده کاری هنرمندانه و ظریف می‌باشد.

۵. کهن‌ترین مجسمه را متعلق به۳۰۰۰۰ سال پیش دانسته اند. در عصر قدیم مردمان ماقبل تاریخ، مجسمه‌های از استخوان و عاج می‌ساختند.

۶. تیاتر یا نمایش، سابقهٔ طولانی دارد و آغاز آن به یونان باستان باز می‌گردد. این هنر یکی از ابزار بیانی مؤثر انسان در عرصه طرح مفاهیم و مسایل انسانی است.

۷. سینما هنر هفتم به حساب می‌آید و یکی از ویژه‌گی‌های سینما، جمعی بودن آن است که تعدادی زیادی تماشاگر می‌توانند در کنار هم و هم زمان در نمایش فلم شرکت کنند.



نگارش مطبوعاتی: مراد از نوشته‌های مطبوعاتی، نوشته‌هایی اند که در روزنامه‌ها، مجله‌ها و دیگر نشریه‌ها درج و عامهٔ مردم از قشرها و سطوح فرهنگی گوناگون، مخاطبان آن‌ها به شمار می‌روند. این نوشته‌ها عنوان‌های متعددی دارند، از جمله سر مقاله، خبر، گزارش خبری، تفسیر، مصاحبه عنوان‌های دیگر نیز ممکن است به ورزش، جوانان، زنان، صحت، خانواده و امور فرهنگی اختصاص یابد.

انواع این نوشته‌ها، به مقتضای کار ویژهٔ آن‌ها، در برخی از خصوصیات، مشترک اند، در عین آنکه هر کدام از آن‌ها برای خود ویژه‌گی‌هایی دارند. مهمترین خصوصیت مشترک آن‌ها تازه بودن و زنده بودن موضوع آن‌هاست؛ مثلاً: تازه ترین حادثه، کتاب، فلم، نمایش در آن‌ها مطرح می‌شود. بحث‌های نظری محض و مطالب خشک و بی روح مناسب مطبوعات نیست؛ خصوصیت مشترک دیگر، زبان آن‌هاست که زبان روزنامه‌یی نام گرفته است و آن زبانی است معاصر، مردم‌پسند، بی پیرایه.

سرمقاله: موضوع اصلی سر مقاله مهمترین حادثه و مسألهٔ روز است. در سر مقاله باید یک موضوع عمده شگافته شرح و بسط داده شود. نباید حد اکثر بیش از یک ستون روزنامه را اشغال کند. سرمقاله سخنگوی روزنامه است؛ لذا در نگارش آن باید دقت کافی صورت گیرد.

خبر: خبر باید کوتاه، مؤثر و حاوی همه اطلاعاتی باشد که خواننده‌گان کنجکاو جویای آن اند. زبان خبر برعلاوه ساده‌گی و بی پیرایه‌گی، باید موجز و دارای بار معنایی زیاد باشد.

گزارش خبری (رپورتاژ): می‌تواند چند ستون روزنامه را اشغال کند زبان آن باید شیرین و دلچسپ باشد. در آن برای توصیف زنده، فنون بلاغی در حد اعتدال به کار رود.

مصاحبه: به پرسش‌های مصاحبه کننده بسته‌گی دارد که پرسش‌هایش باید مغز دار و پر مایه باشد زبان مصاحبه برحسب مورد، گاه خود مانی و صمیمی و گاه رسمی با مراعات نزاکت‌های سیاسی و تشریفاتی است.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ هنرهای هفتگانه، یک گروه از گروه دیگر پرسش‌هایی طرح نمایند.

۲. سه شاگرد به نوبت نتیجهٔ درس را بیان نماید.

۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شده و در بارهٔ تهیه خبر با هم بحث و گفتگو نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران شرح کند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.

۲. در بارهٔ تصویر پایین در کتابچه‌های تان متنی بنگارید و نتیجهٔ کلی آن را مشخص نمایید.





۱. هنرهای هفتگانه را نام بگیرید.
۲. موسیقی از کدام واژه گرفته شده و چگونه از موسیقی تعریف شده است؟
۳. در باره هنر پیکرتراشی چه می‌دانید؟
۴. در مورد به هنر تیاتر معلومات دهید.
۵. سینما تا کنون کدام مراحل را طی کرده است؟
۶. مراد از نوشته‌های مطبوعاتی کدام نوشته‌ها است؟
۷. زبان روز نامه‌یی چه نوع زبان است؟
۸. موضوع اصلی سرمقاله را چه تشکیل می‌دهد؟



۱. در مورد هنر نقاشی در افغانستان معلومات تان را بنگارید.
۲. بیت ها زیر را حفظ کنید:

خوشا کمال و هنر خُرما خردمندی — که شاخسار وجودش زدانش آرد بـر
هنر به نزد خردمند بس خطیر آید — چنان‌که در نظر مرد جوهری جوهر

ادیب الممالک فراهانی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده‌گی بگیرید.

درس بیست ششم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. رباعی به کدام قالب شعری گفته می‌شود؟
۲. رباعی چه وقت و در کجا به‌وجود آمد؟
۳. کدام شاعران رباعی سروده اند؟
٤. عمر خیام کی بود و رباعیات وی دارای کدام مفاهیم می‌باشد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

رباعـــی

رباعی عبارت از قالب شعری‌یی است که دارای چهار مصراع بوده، مصراع اول دوم و چهارم آن دارای قافیۀ واحد باشد. معنای رباعی اغلب در مصراع آخر تکمیل می‌گردد. رباعی در ادبیات عرب وجود ندارد. این قالب شعری در آغاز دور اسلامی در سرزمین ما پدید آمد. از دوره سامانیان از شهید بلخی، ابوشکور بلخی و رودکی رباعیات لطیفی در دست است؛ سپس ابن سینا، ابو سعید ابو الخیر، بابا طاهر عریان و خواجه عبدالله انصاری رباعی‌های ماندگاری سروده و سر انجام این قالب شعر با عمر خیام به ذروه کمال رسید. پس از آن شاعران دیگری چون مولانا جلال الدین محمد بلخی، سعدی، حافظ، بیدل و... رباعی‌هایی سروده اند.

عمر خیام رباعی‌سرای بی‌نظیر: حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشاپوری از دانشمندان و ریاضی‌دانان و شاعران بزرگ اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم می‌باشد. او معاصر سلطان ملک شاه سلجوقی بود. وی بر علاوه از نجوم در فلسفه، طب و حکمت استاد بود. رباعیات خیام شهرت جهانی دارد و به اغلب زبان‌های زندۀ دنیا ترجمه شده است. این رباعیات بسیار ساده بوده، شامل معانی عالی و عمیق فلسفی و حکمی در الفاظ موجز و کوتاه می‌باشد. خیام را یکه‌تاز میدان رباعی‌سرایی می‌دانند؛ اکنون به‌طور نمونه چند رباعی می‌خوانیم:

این یک دو سه روزه نوبت عمر گذشت
چون آب به جوبیار و چون باد به دشت
هـرگـز غـم دو روز، مـرا یـاد نـگشت
روزی که نیامدست و روزی که گذشت

❋ ❋ ❋

پیش از من وتو لیل و نهاری بودست
گـردنده فـلک نیز به کـاری بودست
هر جا که قـدم نهی تو بر روی زمین
آن مرد مـک چشم نگاری بوده است

❋ ❋ ❋

روزی که گذشته است از او یاد مکن
فـردا کـــه نـیامده است فریاد مـکن
بـر نامـــده و گـذشـته بـنیاد مـکن
حالی خوش بـاش و عمر بر باد مکن

❋ ❋ ❋ رباعی از ابو سعید ابوالخیر

بهتر ازین در جهـان چـــه بود کار
دوست بر دوست رفت و یار بر یـار
آن همه اندوه بود و این همه شادی
آن همه گفتار بود و این همه کردار

❋ ❋ ❋ رباعی از خواجه عبدالله انصاری

در راه خـدا دو کـعبه آمد حاصـل
یک کعبهٔ صورتست یکی کعبهٔ دل
تـا بتـوانـی زیـــارت دل‌ها کـــن
کـافزون ز هزار کعبه آمد یک دل



* ابوسعیدابوالخیر از نخستین سخنگویان متصوف قرن چهارم هجری خراسان بود که رباعیاتش را وسیلهٔ بیان مطالب فلسفی و عرفانی کرد.

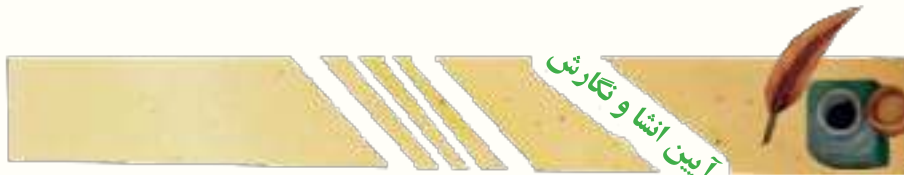
بیاموزیم

۱. رباعی عبارت از قالب شعری است که دارای چهار مصراع بوده، مصراع اول دوم و چهارم آن دارای قافیهٔ واحد باشد.

۲. رباعی در ادبیات عرب وجود ندارد این قالب شعری در آغاز دوره اسلامی در سرزمین‌های خراسان پدید آمد.

۳. از دوره سامانیان از شهید بلخی، ابوشکوربلخی و رودکی رباعیات لطیفی در دست است. بعداً ابن سینا، ابو سعید ابو الخیر، بابا طاهر عریان و خواجه عبدالله انصاری بدان روی آوردند و با عمر خیام به پایه کمال رسید.

۴. رباعیات خیام شهرت جهانی دارد و به اغلب زبان‌های زندهٔ دنیا ترجمه شده است. این رباعیات بسیار ساده بوده شامل معانی عالی فلسفی در الفاظ موجز و کوتاه می‌باشد.



تقلید چیست؟

تقلید از روی کار کسی کاری را انجام دادن است. تقلید از خواص اجتماعی شخصیت است که در اجتماع شکل می‌گیرد. تقلید در مود، نگارش، آواز خوانی و همه موارد وجود دارد. شخصی که دارای جهان‌بینی نیست و ذوق و سلیقه خودش مطرح نمی‌باشد؛ کوشش می‌نمایند که همواره تقلید کند. این شخص مقلد در نگارش صاحب سبک به خصوص خود نمی‌گردد. نوآوری و خلاقیت در کارش دیده نمی‌شود. تقلید دو نوع است یکی تقلید آگاهانه (مثبت) و دیگر تقلید کورکورانه(منفی).

تقلید آگاهانه می‌تواند باعث رشد استعداد شخص مقلد گردد؛ به شرطی که از شخصی که

تقلید می‌کند، آن شخص در جامعه مقام و جایگاه خوبی داشته باشد؛ اما تقلیدهای کورکورانه علاوه بر آنکه استعداد مقلد را ضربه می‌زند، مانع کارهای بعدی پیشرفت و خلاقیت وی می‌گردد و هیچ‌گاهی نمی‌تواند دارای جهان‌بینی وسیع و دید منطقی گردد. تقلید کور کورانه نتیجهٔ منفی در پی دارد و قابل قبول نیست.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس هرگروه در بارهٔ رباعی و رباعی‌سرایی با هم گفتگو نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران ارائه نماید.
۲. چند شاگرد به نوبت رباعی را که به یاد داشته باشند برای همصنفان خود بگویند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. رباعیی را که از خواجه عبدالله انصاری خواندید اساس قرار داده یک متن ادبی بنویسید.



۱. رباعی را تعریف کنید.
۲. معروف ترین شاعران رباعی را نام ببرید.
۳. در بارهٔ خیام چه می‌دانید؟
۴. مفهوم نخستین رباعی خیام را بنویسید.
۵. تقلید چه را می‌گویند؟
۶. مراد از تقلید آگاهانه چیست؟



۱. چند رباعی از شاعران مختلف را انتخاب نموده روز آینده در صنف بخوانید.
۲. این جمله را به یاد داشته باشید:
معلم موضوعاتی را که قبلاً نمی‌دانستیم به ما آموزش داد. مسلماً او سزاوار احترام است.
(سامیول جانسن انگلیسی)
۳. متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس بیست هفتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سؤال‌های زیر باشد:

۱. بابر نامه اثر کیست؟
۲ بابر نامه از کدام موضوعات بحث می کند و چگونه یک اثر است؟
۳. بابرنامه در اول به کدام نام یاد میگردید؟
٤. بابرنامه به کدام زبان‌ها چاپ گردیده است؟

در پایان معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

بابـرنـامـه



بابرنامه یا وقایع بابری که به نام «توزوک بابر» معروف است؛ تألیف ظهیرالدین محمد بابر شاه فرزند عمر شیخ و نوادهٔ امیر تیمور گورگان، بنیان گذار سلسلهٔ گورگانیان هند می‌باشد. او در سال ۸۹۹ هجری در سن ۱۲ساله‌گی در فرغانه به‌جای پدر به تخت نشست. وی در سال ۱۵۰۴-۱۵۲۵م. در بدخشان حکومت نموده؛ سپس قصد تسخیر هند کرد. پس از فتح پانی پت سلطان ابراهیم لودی پادشاه دهلی را شکست داد. در سال۱۵۲۶م. آگره، دهلی و شمال هندوستان را از رود سند تا بنگال تصرف کرد. بابر در سال ۹۱۰ هجری کابل و نواحی آن را تصرف کرد و این شهر باستانی را پایتخت خود قرار داد، او در بارهٔ این شهر در بابرنامه چنین نوشته است:

کابل از اقلیم چهارم است... از مختصر ولایت است، طولانی افتاده، طول آن از مشرق به طرف مغرب است، اطراف و جوانب آن تمام کوه است... در زمان عم من والوغ بیگ میرزا در دامنهٔ این کوه، یک جوی کشیده، باغاتی که در این دامنه است تمام به این جوی معمور است... از شهر کابل سه چشمهٔ خورد برآمده، دوتای آن در نواحی گلکنه است؛ بر سر یک چشمه خواجه شمو نام مزاری است و در چشمهٔ دیگر، قدمگاه خواجه خضر است، این دو گشتگاه مردم کابل است. یک چشمهٔ دیگر روبروی مزار خواجه عبدالصمد (عاشقان و عارفان) خواجه روشنایی می‌گویند....

بابر در سال ۱۵۳۰م. در آگرهٔ هند وفات یافت. جسدش بنابر وصیت وی در کابل به خاک

سپرده شد. به جای او فرزندش همایون‌شاه به تخت سلطنت نشست.

بابرنامه یکی از کتب جامع تاریخی در سدهٔ شانزدهم میلادی است که در مورد تاریخ و جغرافیای افغانستان، آسیای میانه و هندوستان به ویژه دورهٔ تیموریان، معلومات دقیقی در آن درج است. این اثر حاوی مطالب فولکلور، ادبیات، هنر، مسایل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده حتا ویژه‌گی‌های قومی مردمان مختلف رسوم و عادات، پوشاک، خوراک، داد و ستدهای مردم، شرح احوال امرا، شعرا و دانشمندان آن ادوار را در بر می‌گیرد؛ همچنان معلومات در بارهٔ نواحی، شهرها، مساجد، مدارس، خانقاه‌ها، مزارها، کوه وکوتل‌ها، دریاها، بندهای آب، معادن، جنگل‌ها، باغ‌ها، داده شده است. از همین جهت بابرنامه از آغاز نگارش تا کنون، ارزش و شهرت و تازه‌گی مطالب خود را حفظ کرده و دانشمندان و مؤرخان بزرگ شرق و غرب بر آن استناد و بار بار به تجدید ترجمه و تجدید نشر آن دست می‌یازند.

بابرنامه به زبان ترکی چغتایی و با نثر ساده نگاشته شده است و حوادث سال‌های ۸۹۹– ۹۳۶ هجری قمری را در بر می‌گیرد. بابر در این اثر موضوعات را بدون تعصب بیان کرده است. بابرنامه از جنبه‌های مختلف تاریخی، جغرافیایی، مردم شناسی و ادبی دارای ارزش و اهمیت فراوان است. این اثر توسط ادیب معروف آن روزگار عبدالرحیم خان‌خانان فرزند بیرام خان شاعر و مؤرخ نام‌آور از زبان ترکی چغتایی به زبان دری ترجمه گردیده است. بابر در بابرنامه ابتداء وقایع و سرگذشت‌هایی را که از آغاز حکمرانی به سراغش آمده بیان نموده است. بعداً خاطره‌های خویش را اساس بابرنامه قرار داده است. از گفته‌های بابر و معلومات دخترش گلبدن‌بیگم در همایون‌نامه معلوم می‌شود که اول این کتاب به نام «واقعه‌نامه» یاد شده در یکی از رباعیات آن که ترجمهٔ آن چنین است آمده:

وز عالم، عجب درد و الم ها دیــــدم   وز مردم دهر طُرفــه ستــم‌ها دیـــدم
هرکس که اینک واقعه را خواند داند   چه رنج وچه محنت وچه غم هادیدم

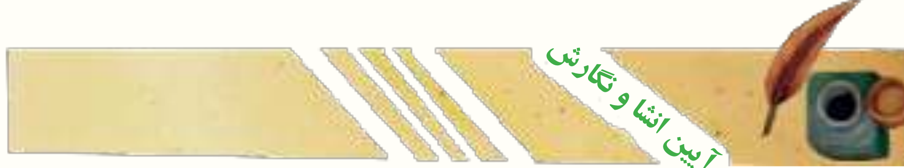
بابرنامه به زبان‌های مختلف در ترکیه، انگلستان، آلمان، فرانسه، هندوستان و جاپان چندین بار چاپ گردیده است. قابل یادآوری است که ظهیرالدین محمد بابر با ژرف نگریش نه‌تنها یک مرد سیاسی، نظامی، کشورگشا و مؤسس یک امپراطوری بود؛ بلکه او به عنوان یک شخصیت فرهنگی، محقق و نویسنده با نوشتن این کتابش (بابرنامه) در معرفی، تلفیق و پیوند فرهنگ‌ها و ثقافت‌ها در قسمت بزرگی از جغرافیای آسیا نقش ارزشمندی را ایفا کرده است.



تـوزوک، واژهٔ ترکی به معنای نظم و ترتیب و سلسله مراتبی که فرمانروا یا فرمانده نظامی برای لشکریان و سازمان‌های وابسته اعمال می‌کرد. توزوک از توز ترکی گرفته شده به معنای آراستن و منظم کردن است.

بیاموزیم

۱. بابر نامه تألیف ظهیر الدین محمد بابر شاه فرزند عمر شیخ و نواده امیر تیمورگورگان، بنیان‌گذار سلسلهٔ گورگانیان هند می‌باشد.
۲. بابرنامه یک کتاب تاریخی در سدهٔ شانزدهم میلادی است، که در مورد تاریخ و جغرافیای افغانستان، آسیای میانه و هندوستان حاوی معلومات دقیقی است.
۳. بابرنامه توسط عبدالرحیم خانخانان فرزند بیرام خان شاعر و مؤرخ نام آور از زبان ترکی چغتایی به زبان دری ترجمه گردیده است.
۴. بابرنامه به زبان‌های مختلف در ترکیه، انگلستان، آلمان، فرانسه، هندوستان و جاپان چندین بار چاپ گردیده است.
۵. بابرنامه در معرفی، تلفیق و پیوند فرهنگ‌ها و ثقافت‌ها در قسمت بزرگی از جغرافیایی آسیا نقش ارزشمندی را ایفا نموده است.



سبک در نگارش

کسی که در نگارش دارای جهان‌بینی است کوشش می‌نماید که با ذوق و سلیقهٔ شخصی خود، موضوع را انتخاب و با کلمات و الفاظ زیبا و پسندیده با رعایت تسلسل منطقی بنویسد. کسانی‌که چنین خواص دارند متکی به خود بوده نوآوری در کار شان دیده می‌شود و اینگونه است که موفق به ایجاد سبک به خصوص خود می‌شوند.

سبک طریقه و روش خاص بیان یک فرد را گویند. سبک در نگارش انعکاس شخصیت است. از بزرگترین شاعر و نویسندهٔ جهان گرفته تا شاگردی که در نگارش مشکل دارد دارای سبک می‌باشد. این شاگرد مبتدی پس از تمرین زیاد می‌تواند سبکش را پرورش دهد. احساس خود را در برابر زیبایی که در طبیعت وجود دارد، بپرورد. البته مراد از این نوع سبک

همان شیوه و روش خاص فرد است، نه سبک بر جستهٔ ادبی و هنری.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان درمورد ارزش و اهمیت بابرنامه تفکر نموده نظریات شان را در این رابطه ابراز نمایند.
۲. دو دو شاگرد با هم در بارهٔ سبک در نگارش گفتگو نمایند.
۳. شاگردان در مورد شخصیت بابر سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می‌شود، املا بنویسید.
۲. در بارهٔ تصویر زیر معلومات مختصر بنگارید.


ظهیرالدین محمد بابر



۱. بابر نامه اثر کیست؟
۲. بابر کی بود؟
۳. بابرنامه در برگیرنده کدام موضوعات است؟
۴. بابرنامه توسط کی به دری برگردانده شد؟
۵. خلاقیت و نو آوری در نگارش چه اهمیت دارد؟
۶. سبک چیست؟ چگونه می‌توانیم در نگارش دارای سبک شویم؟



۱. در مورد بابرنامه معلومات خارج از درس دریافت نموده روز آینده در صنف قرائت نمایید.
۲. قطعهٔ زیرین را حفظ کنید:

حال نادان را زنادان به نمی‌داند کسی   گرچه در دانش فزون از بوعلی سینا بود
طعن نابینا مزن ای دم زبینایی زده   زانکه نابینا به کار خویشتن بینا بود

۳. متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. در صورتی که ماین یا مهمات منفجر نا شده را می‌بینید، چه عکس العملی نشان می‌دهید؟
۲. ماین‌ها و مهمات منفجر نا شده توسط چه کسانی از بین برده می‌شود؟
۳. در صورت مواجه شدن با قربانی ماین چه عکس العملی نشان می‌دهید؟
در پایان معرفی، پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

در صورت مواجه شدن با ماین چه باید کرد؟



در اثر جنگ‌های طولانی در افغانستان انواع سلاح‌ها و مهمات منفجر ناشده پراکنده شده اند. از جملهٔ این مواد، ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده می‌باشند. دیدن و تشخیص دادن ماین‌ها کار آسانی نیست؛ زیرا آن‌ها اکثراً در زیر زمین گور شده اند؛ اما مهمات منفجر ناشده برروی زمین قرار دارند و شناخت آن‌ها کار دشواری نیست؛ بنابرآن شاگردان عزیز به اشیای ناشناخته دست نزنید، سیم‌های ناشناخته را کش یا قطع ننمایید و از انداختن سنگ یا اشیای دیگر به طرف ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده خود داری نمایید. انداختن سنگ یا اشیای دیگر به طرف ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده بسیار خطرناک بوده و باعث زخمی یا کشته شدن انسان‌ها و حیوانات می‌گردد. مهمات منفجر ناشده را می‌توان در هرجا، حتا در باغچه‌ها، زمین‌های زراعتی، سرک‌ها، مکاتب و غیره جاها در یافت نمود؛ اما ماین‌ها اکثراً در مناطق ذیل پیدا می‌شوند:

* در راه‌ها و گذرگاه‌ها و سرک‌هایی که مورد استفاده قرار نگرفته اند.
* در کنار سرک‌ها و راه‌ها.
* در ساحاتی که جای دور دادن عراده جات باشد.
* در داخل یا کنار پلچک‌ها و لبه‌های پل‌ها.
* در داخل یا کنار مخروبه‌ها.
* در دروازه و کنج اتاق‌های منازلی که خالی باشند.
* در داخل و اطراف چاه‌ها و دیگر منابع آب.

* در اطراف پوسته‌های امنیتی و وسایط تخریب شده.
* در فرو رفتگی‌های زمین که به شکل مخفی‌گاه از آن‌ها استفاده شده بتواند و....

ممکن است بنابر دلایل مختلف شما در ساحهٔ خطرناک یا ماینزار قرار بگیرید؛ و یکبار متوجه شوید که از راه مصون منحرف شده اید. در چنین حالت نباید وارخطا شده و به عقب یا اطراف تان بدوید؛ بلکه به مشوره‌های ذیل عمل نمایید:

* به‌طور آنی و عاجل توقف نمایید.
* در صورتی که افراد دیگری با شما باشند، به آن‌ها بگویید حرکت ننمایند؛ زیرا ساحه خطرناک است.
* از کسی که در ساحهٔ مصون قرار دارد، تقاضای کمک نمایید تا در جستجوی کمک شده و به ماین پاکان یا مقامات محلی (پولیس، ریش سفیدان...) اطلاع بدهد.
* الی رسیدن کمک منتظر باشید و از جای خود حرکت نکنید.

در صورتی که در ساحهٔ ماین‌زار ناآگاهانه قرار می‌گیرید، هرگز به عقب یا اطراف خود حرکت نکنید، در جای تان متوقف شده و از دیگران بخواهید تا به مسؤولان خبر بدهند.

در صورت مواجه شدن با قربانی ماین چه باید کرد؟

در صورتیکه شما به قربانی ماین مواجه می‌شوید، کوشش نکنید تا به قربانی حادثه نزدیک شوید.

در چنین حالت به‌دستورهای ذیل عمل نمایید:

* هرگز به ساحه خطرناک داخل نشوید؛ زیرا خود تان صدمه می‌بینید، شما باعث انفجار دیگر خواهید شد و به زخمی صدمه بیشتر می‌زنید. به یاد داشته باشید در ساحه‌یی که یک ماین وجود داشته باشد، امکان موجودیت ماین‌های بیشتر هم است.
* زخمی را آرام سازید، یعنی با او توسط حرف‌های‌تان آرامش و سکون دهید.
* خواهان کمک مسلکی شوید (به ماین پاکان، پولیس، افراد نظامی، کلینک‌ها یا شفاخانه‌ها اطلاع دهید.) اگر تلفون همراه نزد تان باشد، به اقارب و یا کسی که شما را کمک کرده بتواند زنگ بزنید.
* تا وقتی که کمک مسلکی، می‌رسد هرگز داخل ساحه نشوید. با قربانی حادثه صحبت نمایید و برایش بگویید که از جایش حرکت نکند.

هرگز چیزی را به طرفش پرتاب نکنید.

* در صورت مواجه شدن با قربانی ماین، هرگز داخل ساحهٔ ماین‌زار نشوید. هرچه زودتر به ماین پاکان یا مسؤولین محل خبر بدهید. از کمک‌های غیرمسلکی خودداری نمایید.



دین مقدس اسلام ما را همیشه به رعایت احتیاط در همه امور زنده‌گی توصیه می‌نماید. هر فرد مسلمان باید در حفظ جان خود ودیگران کوشا بوده و هرگز در قسمت این نعمت بزرگ خداوندی بی اعتنایی نکند.

همان‌گونه که همه می‌دانیم در طی جنگ‌های طولانی ساحات زیاد وطن عزیز ما با ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده ملوث شده است. یکی از تأثیرات منفی جنگ خراب شدن وضع اقتصادی اکثریت مردم است. به همین دلیل تعدادی از فامیل‌ها اطفال شان را جهت جمع آوری چوب، توته‌های آهن و غیره به ساحات خطرناک می‌فرستند، که این عمل باعث زخمی یا کشته شدن آن‌ها می‌گردد.

فعالیت‌هایی که خطر در قبال دارد و باید از آن‌ها جلوگیری شود، قرار زیر است:

* جمع‌آوری چوب از ساحات خطرناک.
* جمع‌آوری آهن‌های کهنه از ساحات جنگ‌زده.
* داخل شدن به خانه‌های مخروبه و خالی.
* عبور نمودن از علایم خطر (سنگ‌های رنگ شدۀ سرخ و آبی)
* گشت و گذار در ساحات مشکوک (جنگ‌زده)
* بازی نمودن در ساحات خطرناک.
* استفاده از راه‌ها و سرک‌هایی که رفت و آمد در آن جا صورت نمی‌گیرد.

به این ترتیب به خاطر حفظ جان و صحت خود باید به نکاتی که در بالا ذکر گردیده اند، همان طور عمل کنید، تا منحیث یک مسلمان سالم و نیرومند به جامعۀ خود خدمت نمایید.

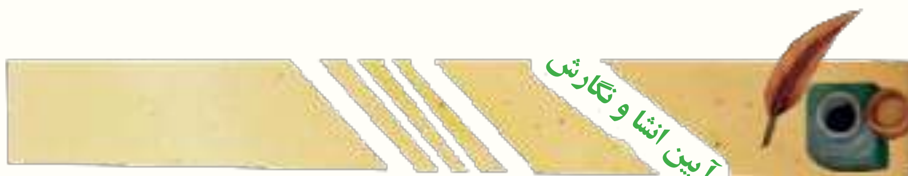


* مهمات منفجر ناشده عبارت از سلاح‌ها و مهماتی اند که در جریان جنگ‌ها مورد استفاده قرار گرفته؛ اما منفجر نشده اند؛ مثلاً: راکت‌ها، بمب‌های دستی، مرمی‌های تانک، مرمی‌های مختلف تفنگ‌ها، راکت، بمب هایی که از طیاره پرتاب شده اند و غیره
* جلوگیری از خطرات مهمات منفجر ناشده آسان‌تر است؛ زیرا آن‌ها اکثراً برروی زمین قرار دارند و به آسانی می‌توان آن‌ها را دید؛ اما ماین‌ها در زیر زمین مدفون شده اند و انسان‌ها را غافلگیر می‌کنند.

بیاموزیم

۱. در اثر جنگ‌های طولانیِ در افغانستان انواع سلاح‌ها و مهمات منفجرناشده پراکنده شده اند.
۲. شاگردان عزیز باید جداً توجه داشته باشند، که به اشیای ناشناخته دست نزنند.

۳. مهمات منفجر ناشده می‌تواند در هر جا، حتا در باغچه‌ها، زمین‌های زراعتی، سرک‌ها، مکاتب و غیره جاها موجود باشد.
۴. در صورتی که در ساحهٔ ماینزار مواجه می‌شوید، هرگز به عقب یا اطراف خود حرکت نکنید، در جای تان متوقف شده و از دیگران بخواهید تا به مسؤولان خبر بدهند.
۵. در صورتیکه شما به قربانی ماین مواجه می‌شوید، کوشش نکنید تا به قربانی حادثه نزدیک شوید، در آن صورت به‌جای یک زخمی، دو زخمی به‌وجود خواهد آمد.
۶. خواهان کمک مسلکی شوید (به ماین پاکان، پولیس، افراد نظامی، کلینک‌ها یا شفاخانه‌ها اطلاع دهید.)



چگونه دارای سبک شویم؟

برای اینکه دارای سبک شویم، نخست تقلید نکنیم و نوشتهٔ ما باید چنان باشد که جواب‌گوی نیازهای زنده‌گی متغییر و متحول افراد باشد، افکار عمومی را ارتقا دهد، دید اجتماعی مردم را بالا ببرد و افراد جامعه را با حوادث تازهٔ زمان آشنا سازد. خود نویسنده باید وسعت اندیشه، قدرت تخیل، ابتکار و نوآوری و آشنایی با زبان مادری داشته باشد. واقع بین و حقیقت گرا باشد. تنوع و تناسب در بیان موضوعات و انتخاب کلمه‌ها و عبارات را در نوشتهٔ خود مد نظر داشته باشد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده؛ سپس هر گروه در بارهٔ درس خوانده شده باهم گفتگو نموده نتیجه را به دیگران انتقال دهند.
۲. دو تن از شاگردان در مورد خطرات ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده سخنرانی نمایند.
۳. چند تن از شاگردان به نوبت در مورد به سبک در نگارش اظهار نظر نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می‌شود، در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر پایین متنی بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.





۱. در صورتیکه با ماین مواجه شوید چه خواهید کرد؟
۲. مهمات منفجر ناشده در کجا می‌تواند وجود داشته باشد؟
۳. جاهایی را که ممکن است ماین در آن وجود داشته باشد نام بگیرید.
۴. در صورتیکه با قربانی ماین مواجه شوید، از کی‌ها کمک می‌خواهید؟
۵. آیا قربانی ماین یا مهمات منفجرناشده را در ساحه رها کرده و خودتان فرارمی‌کنید؟
۶. آیا شما به خاطر کمک به ساحۀ ماین داخل خواهید شد؟
۷. آیا در نگارش تقلید مفید است؟
۸. سبک در نگارش چه اهمیت دارد؟
۹. در نظر گرفتن کدام نکات مهم ما را کمک می‌کند که در نگارش دارای سبک شویم؟



۱. در مورد کمک‌های مسلکی به زخمی معلومات خود را بنگارید.
۲. بیت زیر را حفظ کنید:

چنین است کیهان نــا پــایــدار
تو در وی به جز تخم نیکی مکار
فردوسی

واژه نامه

آ

آشفته	پریشان
آشوب	بی نظمی، اغتشاش

الف

اختلال	خلل پذیرفتن، آشفته‌گی، نا به سامانی
اختناق	خفه شدن، گلو گرفته شدن
ادوار	جمع دور، زمان‌ها
ادیم	چرم
اراده	میل، به خودی خود، خواست، قصد، آهنگ، تصمیم
ارکان	جمع رکن، مبنا، پایه، ستون
استحکام	محکم شدن، قوی شدن
استمداد	مدد خواستن
استناد	سند قرار دادن
اسراف	افراط و زیاده روی در خرج کردن، بی اندازه و بی جا خرج کردن
اسلاف	جمع سلف به معنای گذشته‌گان و پیشینیان
اطلس زرکش	پارچه ابریشمی که تارهای زر در آن کشیده شده باشد.
اعجاب	به شگفتی آوردن کسی را، عجیب دانستن، خود پسندی
اغتشاش	بی نظمی، آشوب
افتقار	تهیدستی، درویشی
افراط	زیاده روی کردن در هر کاری
افکندن	انداختن، گستردن و هموار کردن فرش
اقتدا	پیروی کردن، متابعت
اقتدار	قدرت یافتن، توانا شدن
اکتساب	کسب کردن، حاصل کردن، فراهم آوردن
التیام	به هم پیوند دادن، بهبود یافتن زخم
الحان	جمع لحن، آهنگ و آواز
الم	درد و رنج
الوان	جمع لون به معنای رنگها
امتیاز	مزیت و برتری، حقوقی که برای افراد اجتماع داده شده است.
امرا	جمع امیر، سرداران، فرماندهان
امیال	جمع میل، آرزوها، خواهش ها
انتزاع	برکندن، از جای بیرون کشیدن
اندوده	ماده‌یی که به چیزی بمالند مثل کاهگل، قیر
انس	همدمی، خرمی

انقراض	نابود شدن
اهانت	تحقیر کردن، خوار شمردن، پست شمردن
اهتزاز	جنبیدن، جنبش
ایوان	قصر، کاخ
ب	
برنز	ماده‌یی است از آمیزش مس و قلعی به‌وجود می‌آید.
بسط	گستردن، فراخی، وسعت
بلاطائل	بی فایده
بلیغ	سخن رسا و شیوا
پ	
پاداش	عوض، مزدی که در برابر کاری پرداخته می‌شود.
پرتو	روشنی
پرچم	بیرق، درفش، علم
ت	
تاس	بیقراری، بی طاقتی، اندوه، ملالت
تبعیض	بین دو کس دارای حقوق مساوی، یکی را امتیاز دادن
تبه	مخفف تباه
تتبع	جستجو کردن
تحقیر	خوار کردن، خوار شمردن،کوچک شمردن، توهین، اهانت
تحلیل	حل کردن، گشودن
تحمل	قبول رنج و سختی، با صبر بودن، طاقت داشتن، بردباری
تداعی معانی	از یک معنا به معنای دیگر پی بردن، به یاد آوردن
تراکم	انباشته شدن
تساند	یاری دادن، کمک کردن، تعاون
تسلسل	پی در پی بودن
تسلط	مسلط شدن، چیره شدن، دست یافتن برکسی یا چیزی
تشنج	در هم کشیده شده
تطبیق	باهم مطابق کردن، برابر کردن، عمل کردن
تعاون	یکدیگر را کمک کردن، مدد کاری
تعبیر	مطلبی را بیان کردن
تعصب	سخت گرفتن در چیزی
تعقل	اندیشیدن
تعلقات	جمع تعلق، وابسته‌گی ها
التفات	توجه کردن
تفریط	از حد گذشتن در جهت نقصان و کمی، بر عکس افراط
تفنن	سرگرمی
تکنالوژی	علم تخنیک
تلطف	نرمی، اظهار لطف و مهربانی

تلفیق	ترتیب دادن، مرتب کردن
تنفیذ	نفوذ کردن، تأیید کردن
توش	تاب، طاقت، توانایی و نیرو

ث

ثروت	دارایی، نعمت
ثقافت	تمدن و فرهنگ

ج

جزالت	فصاحت و روانی سخن، محکم بودن الفاظ
جغد	بوم
جو	فضا، مابین زمین و آسمان، هوایی که گرداگرد زمین را فرا گرفته باشد.

ح

حاوی	دربر دارنده
حجاب	پرده، روپوش
حراست	نگهبانی
حسب	شمردن، شمار، کفایت، قدر، اندازه، شرف، بزرگی، گوهر
حشمت	شرم،حیا، غضب، بزرگی
حصول	حاصل کردن
حضور	نزد، روبروی، حاضر شدن، نزد کسی بودن
حطام	ریزهٔ و شکستهٔ چیزی وبه معنای مال دنیا
حقارت	خواری، پستی، زبونی
حقه	به ضم (ح) به معنای صندوقچه و قطی کوچک
حُلل	جمع حُله به معنای پارچه ابریشمی
حلم	بردباری، شکیبایی
حمال	جوالی، حمل کنندهٔ بار
حوادث	پیشامد ها
حواله	آن‌چه به کسی واگذار شود.

خ

خاطره	یاد، واقعه‌یی که بر کسی گذشته باشد، یادبود، یادگار
خجل	شرمگین، شرمنده‌گی
خطاب	سخنی که رویاروی گفته شود، سخنی به کس گویند و جواب بشنوند.
خطیر	بزرگ، مهم، عظیم، مشکل
خلاقیت	خلق کردن، آفریدن، خلعت، جامه دوخته که از طرف شخص بزرگ به عنوان تحفه داده شود.

د

دادگستر	عادل
داور	قاضی
دیبا	پارچهٔ ابریشمی

ذ

ذروه	قلهٔ کوه
ذلیلان	جمع ذلیل، خوار، پست، زبون

ر

رجوع	برگشتن، باز آمدن
رحلت	کوچیدن، وفات
رفاه	آسایش
رفو	دوختن پاره‌گی و سوراخ جامه
روزن	سوراخ، منفذ
رونق	پیشرفت، تابش، درخشش

ز

زدودن	پاک کردن، پاکیزه ساختن
زاهد	پارسا، پرهیزکار
زاید	افزون، اضافه
زایل	برطرف شونده، نا پدید
زربفت	پارچه‌یی که از تارهای زر بافته شده باشد
زعارت	بدرویی و شرارت
زمره	گروه، جماعت، دسته

ژ

ژرف	عمیق

س

سالک	پیرو، پارسا، زاهد، عارف
سانحه	حادثه، واقعه، پیش آمد
سجیه	خلق، خوی، عادت
سرهنگ	سردار، فرمانده قشون
سطوت	حمله کردن، قهر، غلبه
سقوط	افتادن
سماوی	منسوب به سماء، آسمانی
سهم	بهره، نصیب
سیمگون	نقره مانند

ش

شحنه	پاسبان، نگهبان
شقاوت	بدبخت شدن
شمسه	آفتاب
شواهد	جمع شاهد به معنای گواهی دهنده
شیفته	عاشق، دلباخته، حیران گشته

ص
صانع: آفریننده
صحن: عرصه، فضا
صدر: مقدم، پیشوا
صنم: بت، دلبر، معشوق زیبا
صید: شکار
ض
ضمیر: باطن انسان،آن‌چه در خاطر بگذرد، اندیشه، وجدان
ط
طارم: خانه‌یی را گویندکه از چوب سازند مانند خیمه
طامع: طمع کننده، طمع دارنده
طبل: دهل
طرب: نشاط و شادمانی
طریقت: روش، مسلک، مذهب
طوق: گردنبند
ظ
ظل: سایه
ع
عاری: فاقد، مبرا
عجز: ناتوانی، سستی، درمانده‌گی
عداوت: دشمنی
عدم: نیستی، نبود، ضد وجود
عدن: اقامت در جایی، بهشت عدن به خاطری گویند که مؤمنان همیشه درآن خواهند بود.
عریان: برهنه
عشرت: عیش، خوشگذرانی، کامرانی
علایم: جمع علامت، نشانه ها
عیب: نقصان، نقیصه، بدی
غ
غالیه: مادهٔ خوشبو
غایت: نهایت، انتها، انجام
غنا: توانگری، بی نیازی، دولتمندی
ف
فاقه: فقر
الفت: خو گرفتن، انس گرفتن، دوستی، همدمی
فتی: سخی، کریم
فصیح: خوش سخن، تیز زبان

فضول	آنکه کار بی جا و بی فایده کند.
فقر	تهیدستی، نیازمندی، فاقه
فقیه	دانا، عالم به احکام شرع جمع آن فقها

ق

قاموس	کتاب لغت
قانع	قناعت کننده،آن‌چه قسمت و بهره‌اش شده به آن خشنود باشد.
قبض	گرفته‌گی، تنگ کردن، مخالف بسط
قربت	نزدیکی
قضا و قدر	حکم کردن، تقدیر الهی و حکم الهی که در حق مخلوق واقع شود.
قطاع الطریق	راهزن
قهقرا	به عقب برگشتن

ک

کافی	بس کننده، بی نیاز کننده، کفایت کردن
کاهلی	تنبلی
کتیبه	نوشته‌یی که بالای در و دیوار عمارت روی سنگ یا کاشی نقش شده باشد.
کرامت	بزرگی، بزرگواری، بخشنده‌گی
کرسی	سریر، تخت
کشف	سنگ پشت
کوس	طبل
کیش	دین و مذهب
کیمخت	دباغی شده

گ

گردون	آسمان
گسترش	وسیع شدن، باز شدن
لاجرم	ناچار، ناگزیر

ل

لبیک	اجابت، قبول کردن امری
لهو	کارهای بیهوده‌یی که انسان را مشغول بسازد.
لیل	شب

م

مؤرخان	جمع مؤرخ، تاریخ نگاران
مؤسس	تأسیس کننده، بنیان گذار
مادام	تا وقتی، تازمانی
مبتنی	پایه یافته، بنا یافته
متاعب	جمع متعب، آن‌چه انسان را به رنج بیندازد.
متحرک	حرکت کننده، جنبنده
متحول	دگرگون شونده
متصوف	صوفی

متغیر	دگرگون، غمگین، آشفته
متفق	باهم یکی شده، همراه، متحد، همعهد
متمسک	نگه‌دارنده، کسی که به چیزی چنگ بزند
متنوع	گوناگون
مثال	مانند، شبیه
محاسن	جمع حسن به معنای خوبی و نیکویی
محدث	عالم به علم حدیث
محض	خالص
مخاطره	در خطر انداختن، خطر
مخروبه	جای تخریب شده، ویران
مخیله	قوه‌یی که موجب تخیل شود.
مدور	چیزی گِرد، دایره مانند
مرادف	ردیف شده، کلمه‌یی که در معنا شبیه کلمهٔ دیگر باشد.
مراقبت	نگهبانی و حراست
مسجل	تثبیت شده، قانونی شده
مسکوکات	جمع مسکوک به معنای سکه زده شده، پول فلزی
مسند	تکیه گاه، مقام و مرتبه
مشروعیت	شرعی شده، قانونی شده، مورد قبول اکثریت قرار گرفته
مصون	حفظ شده
مظالم	جمع مظلمه، ظلم و ستمی که بر کس شده باشد.
معابر	جمع معبر، راه‌ها، گذر گاه ها
معلول	بیمار، علیل، معیوب
معمور	آباد شده، آبادان
معیوب	دارای عیب، دارای عیب جسمی و یا روحی
مفاسد	جمع مفسده به معنای بدی، تباهی، فساد
مفتاحی	کلیدی
مقارن	نزدیک، همراه، همدم، باهم پیوسته
مقاوله	گفت و شنید
مقتضا	تقاضا کرده شده، خواست شده
مقدر	آن‌چه تقدیر شده، نصیب و قسمت
مقصر	کوتاهی کرده، نا تمام، سستی کرده در کار
ملوث	آلوده، نا پاک
ملوک	جمع ملک، پادشاهان
منابع	جمع منبع، چشمه، اصل و منشا
منتج	پایان کار، نتیجه
منحرف	کج شده، کج رونده
منسوخ	از بین برده شده، ردکرده شده
منصه	کرسی که عروس را برآن بنشانند، جای ظاهر شدن چیزی.

منقرض	نابود شده، از بین رفته
منقش	دارای نقش
منور	نورانی، درخشان
منوط	مربوط، وابسته
مواهب	جمع موهبت، بخشش‌های غیر نقدی مانند: زمین، ملک...
موجز	مختصر، کوتاه
مورد	رابطه، جای ورود
موهوم	وهم وخیال
مهد	گهواره
مهر	خورشید
ن	
نادره گویی	سخن بی همتا و شیرین
نافذ	نفوذ کننده، درگذرنده، رسا و روان
نال	نی میان تهی و باریک
نامانوس	نا آشنا، نا شناخته
نایب الحکومه	والی
نحو	راه، طرز، شیوه، اسلوب، مثل، مانند، جهت
نسخت	نسخه یعنی از روی نوشتهٔ کسی که نوشته شود.
نصایح	جمع نصیحت، پند، اندرز
نصیب	سهم، قسمت، طالع، حصه، بخت و طالع
نعمت	ثروت و دارایی
نغز	خوب و نیکو
نقاد	نقد کننده، سره کنندهٔ خوب از بد
نقد	سره کردن، ظاهر کردن عیوب و محاسن سخن
نگرش	نگریستن، دیدن
نهار	روز
نیایش	دعا، آفرین، ستایش، پرستش
و	
ورطه	گرداب، منجلاب، جای خطرناک
وسایط	جمع واسطه
وصله	پیوند، دوخت ودوز، ترمیم لباس
هـ	
هزینه	خرج
هویدا	آشکار، واضح، روشن